

توان یاب

سال هجدهم شماره ۶۸
(تابستان ۱۳۹۷)

۲	سرمقاله
۴	تغییر نگرش هدفمان بود که به آن نزدیک شدیم منصوره پناهی، مدیر عامل موسسه رعد
۶	همین قدم‌های کوچک، باعث می‌شود دنیا جای بهتری شود شاهین طبری، مدیر عامل شرکت چارگون
۹	توان تک و امیدهای آینده‌اش گلرخ بحری، دبیر اجرایی توان تک
۱۲	برطرف کردن هرگونه تبعیض، یک ارزش سازمانی در دیجی کالا است امیر حسن موسوی، رییس روابط عمومی دیجی کالا
۱۵	با کارگاه‌ها در جشنواره توان تک گزارشی از کارگاه‌های توان تک
۱۸	مسئولیت اجتماعی چه منافعی برای شرکت دارد؟ یادداشت
۲۰	یک آشنایی و سال‌ها همکاری آرش توفیقی، استاد کلاس کامپیوتر رعد
۲۳	زمزمه
۲۴	در کار نسبت به خودم سخت‌گیر تر از کارفرمایم هستم یک چهره
۲۶	استارت‌تاپی که زندگی معولان را دگرگون کرد وحید رجبلو
۲۸	همکاری با خیریه آرا بهترین اتفاق زندگی من بود معرفی سازمان مردم نهاد
۳۲	مسئولیت اجتماعی، فرشته‌ای گمشده در میان ستاره‌ها میلاد جعفری، بنیانگذار سایت مهمه
۳۶	قضاوت در مورد دیگران، درست یا غلط یادداشت
۳۸	ترانه‌های رعد خاطرات
۴۱	کسی که عمر خود را با آتروفی عضلانی گذراند مشاهیر دارای معلولیت
۴۲	هر زندگی سختی‌هایی دارد ولی امیدواری هم هست یک زندگی
۴۵	سلامت
۴۹	معرفی کتاب
۵۰	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سر دبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی



دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
حروفچینی: سودابه بیات
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پبروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵



شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

وقتی که تکنولوژی به خدمت انسان در می آید!

آغاز بیست و یک سالگی استیون هاوکینگ همزمان شد با شروع یک بیماری پیش رونده و فراگیر که بنا داشت تمامی بدن او را در نوردد و به او یک معلولیت همه جانبه را تحمیل کند. معلولیتی که بخشی از نخاع، مغز و سیستم عصبی او را مورد حمله قرار داد و به تدریج اعصاب حرکتی بدن او را از بین برد و با تضعیف ماهیچه ها تمامی بدن او فلج شد. فلج تعمیم یافته هاوکینگ آن چنان جدی بود که امکان کوچک ترین حرکتی را به او نمی داد و حتی به مرور قدرت تکلم را نیز از او گرفت.

اما این فلج عمومی به یمن وجود پیشرفت های تکنولوژیکی نتوانست از او یک بیمار منزوی و ساکن همیشگی بیمارستان بسازد، بلکه علی رغم چنین بیماری مهلکی هر روز بیشتر از پیش شکوفا شد و بهتر به طرح ایده های علمی خود پرداخت و فضاهای علمی جهانی را مورد خطاب قرار داد.

هاوکینگ تا آخرین لحظه از زندگی پربارش تدریس در کلاس های درس و فعالیت های علمی خود را کنار نگذاشت. همه این لحظه های پر شور، به یمن اراده قوی استیون و نیز حمایت دولت های هوشمندی بود که قدر این انسان استثنایی را دانستند و با در اختیار قرار دادن تکنولوژی پیشرفته در کنار او مانع از انفعال او شدند و حداکثر بهره را از علم و دانش بی نظیر او، دریافت کردند.

کامپیوتری که اختصاصا برای او ساخته شد، با تنها عضو فعالش که فقط دو انگشت دست چپش بود، کار می کرد و رابطه او را با دنیای بیرون از خودش برقرار می ساخت. به جای او حرف می زد، به جای او درس می داد، حتی به جای او با دانشجویانش شوخی های استاد و شاگردی می کرد.

صندلی چرخ دار استیون، با نیروی الکتریکی حرکت می کرد و بارها به دلیل به وجد آمدنش در مهمانی ها، با صندلی چرخ دارش رقصیده بود و با حرکت های سریع از روی پای دیگران رد شده بود. بسیاری از شاگردانش ضربه چرخ های ویلچراز روی پاهایشان را تجربه کرده اند.

تمامی این امکانات را، تکنولوژی در اختیارش قرار داد. او مانند دیگران می توانست به رستوران برود، به کنسرت و پارک برود، در انجمن های علمی شرکت کند و با همان کامپیوتر سخنگویش سر به سر دانشجویانش بگذارد و همه را به خنده وا دارد.

هاوکینگ دو بار به سفر دور دنیا رفت. او حتی از دیوار چین دیدن کرد. در یک جمله باید گفت که او «زندگی را زندگی کرد». این در حالی بود که در شروع بیماری پرنشکان بر این عقیده بودند که او بیش از ۳ سال زنده نخواهد ماند. استیون دو بار ازدواج کرد و صاحب ۳ فرزند شد. کتاب‌های متعددی به قلم او نگاشته شد. هاوکینگ و همه نهادهای حمایت‌کننده از او ثابت کردند که معلولیت را به کمک انسان‌های مسئول و هوشمند می‌توان به محدودیت‌های موقت مبدل ساخت و به اشکال دیگری از توانمندی تبدیل کرد.

تجربه‌ای که زندگی پر بار هاوکینگ به روی ما گشود، این بود که تکنولوژی می‌تواند کمک‌های موثری به زندگی بهتر و حل مشکلات توانیابان بنماید و شاید هیچ کس به‌جز خود آنها چنین انگیزه‌های جدی برای فعالیت در این حوزه را نداشته باشند. توانیابانی که سختی و محدودیت‌های معلولیت را با پوست و گوشت خود حس کرده‌اند، بهترین کسانی هستند که می‌توانند با بهره‌گیری از این ابزار ایده‌های خود را محقق کنند و با به خدمت در آوردن آن به خود و دیگر توانیابان کمک کنند.

نکته قابل تامل این است که افراد دارای معلولیتی که دانش‌آموخته چنین علومی هستند برای ساخت آن باید آستین‌ها را بالا زنند و به امید این نباشند که چنین تکنولوژی‌هایی از آن سوی مرزها وارد ایران شود. خود آنها آن‌چه را که نیاز دارند و به بهتر زندگی کردنشان کمک می‌کند، تولید کنند.

تجربه رویداد توان‌تک که در آذر ماه سال گذشته در موسسه رعد با شرکت استارت‌آپ‌های مختلفی که افراد دارای معلولیت را نیز شامل می‌شدند، به اجرا درآمد بارقه امیدی را در معرفی توانیابان فعال در این حوزه مطرح کرد و توانایی‌های چنین افرادی را به جامعه نشان داد. تکنولوژی قدرت آن را دارد که با در اختیار قرار دادن ظرفیت خود در برابر مغز سالم بر تمامی ناتوانی‌های جسمی فایز آید، همان کاری را که استیون هاوکینگ با او کرد. باشد که در توان‌تک‌های بعدی، توانیابان موفق بیشتری در این حوزه مطرح شده و به جامعه معرفی شوند و شاید شاهد استیون هاوکینگ‌های وطنی هم باشیم!



اولین جشنواره توان‌تک سال گذشته با حضور تعدادی از کارفرمایان و تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت در موسسه رعد برگزار شد. از این رو گفت‌وگویی با خانم پناهی، مدیرعامل مجتمع رعد در مورد رویداد توان‌تک انجام دادیم و به بررسی دستاورد آن نشستیم. مدیرعامل مرکز رعد معتقد است، در رویداد توان‌تک فضای مناسبی برای توانیابان ایجاد شد تا آن‌ها بتوانند توانمندی خود را به کارفرمایان نشان دهند.



مدیرعامل موسسه رعد در مورد جشنواره توان‌تک بیان کرد:

تغییر نگرش هدف ما بود، که به آن نزدیک شدیم

ظرفیت‌های این افراد آشنا شوند و حاضر به فراهم کردن بستر برای اشتغال افراد دارای معلولیت شوند. تا کنون چهار شرکت اعلام آمادگی کردند. این شرکت‌ها، هم از شرکت‌های کارپایی آنلاین بودند و هم از بخش آموزشی و هم از بخش اشتغال. با بعضی از این شرکت‌ها قبلاً همکاری داشتیم که وقفه‌ای در آن ایجاد شده بود. بعد از برگزاری رویداد توان‌تک خود آنها با ما تماس گرفتند و اعلام آمادگی برای تجدید همکاری نمودند. این دستاوردی بود که جای گسترش هم دارد. در توان‌تک بعدی شعار ما این نیست که «مرا باور کن، من می‌توانم» چون دیگر به این باور رسیده‌اند که بچه‌ها می‌توانند. در توان‌تک بعدی توانیابان باید قدرتمندتر حضور پیدا کنند که این احتیاج به کارهای تبلیغاتی وسیعی دارد. برگزاری برنامه «رعد تاک» یکی

در توان‌تک بعدی
شعار ما این نیست که
«مرا باور کن، من می‌توانم»
چون به این باور رسیده‌اند که
بچه‌ها می‌توانند

این بازخوردها را از چه طریقی دریافت کردید؟

ما این بازخوردها را از تعداد کارفرمایانی که بعد از توان‌تک با ما تماس گرفتند و اعلام آمادگی جهت همکاری کردند، گرفتیم. به عنوان مثال هدف این بود که حداقل پنج شرکت با

لطفاً در مورد جشنواره و رویداد توان‌تک بگوئید. این جشنواره با چه اهدافی برگزار شد و آیا به اهدافش رسید؟

اولین رویداد توان‌تک هم برای رعد، هم برای کارآموزان و هم برای کارفرمایان تجربه جدیدی بود. هدف اولیه ما این بود که فضا و بستری ایجاد کنیم که کارفرماها با توانمندی‌های کارآموزان آشنا شوند که در این زمینه موفق بودیم. در این برنامه یکسری افراد با درصد بالای معلولیت شرکت کردند و کارفرماها با قابلیت‌های این افراد آشنا شدند و متوجه شدند که می‌توانند از این افراد در محیط کارشان استفاده کنند. این تغییر نگرش هدف ما بود که توسط بازتاب‌هایی که دریافت کردیم، متوجه شدیم به اهدافمان نزدیک شده‌ایم. دستاورد دیگر آشنای افراد دارای معلولیت با شغل‌های متفاوت بود.



از فعالیت‌هایی است که در جهت مطرح کردن توانمندی‌های افراد دارای معلولیت انجام می‌شود. هدف از برگزاری این برنامه نشان دادن زندگی افراد دارای معلولیت موفق است و این‌که برای رسیدن به موفقیت چقدر تلاش کرده‌اند. شبکه تبلیغاتی رعد هم در سطح وسیع شروع به معرفی توانمندی‌های افراد دارای معلولیت کرده‌است.

توان تک بعدی در چه زمانی برگزار می‌شود؟

جشنواره توان تک بعدی به احتمال زیاد در تابستان به همراه الکام استاز برگزار می‌شود. دفتر اشتغال رعد یکی از واحدهایی است که محور اصلی توان تک آینده است. فعالیت‌های دفتر اشتغال محدود به کارآموزان رعد نیست، اعلام کرده‌ایم هر فرد دارای معلولیتی که رزومه‌اش را به دفتر اشتغال حمایت شده رعد بدهد بررسی کرده و به کارفرماها و شرکت‌های مرتبط وصل می‌کنیم. در توان تک اول ۱۳ شرکت به ما پیشنهاد همکاری دادند بعد از این رویداد ۱۲۲ نفر از توانیابان خارج از رعد رزومه پر کردند و دفتر اشتغال و کارآفرینی در حال ایجاد ارتباط آنها با شرکت‌های مربوطه است. این رزومه‌ها به سه دسته تقسیم شدند: ۱- افرادی که در رعد بودند و دارای همیاری شغلی بودند. ۲- افرادی که در رعد بودند اما همیار شغلی نداشتند (به علت کمبود نیروی انسانی در واحد اشتغال) ۳- افرادی که از خارج از رعد و ۴۵ نفر بودند. تجربه این رویداد اولین بار بود که اتفاق افتاد و به همین خاطر مرکزیت و محور کار ما اجرای توان تک، با هدف آشنایی افراد دارای معلولیت با مشاغل و آشنائی کارفرمایان با ظرفیت‌ها و توانائی‌های این افراد بود. اما مسئله پیگیری رزومه‌ها و معرفی به کارفرمایان نیاز به زمان بیشتری دارد که حتما در رویداد توان تک دوم با برنامه‌ریزی و استفاده از منابع انسانی بیشتری وارد عمل خواهیم شد. یکی دیگر از موانع، اعلام آمادگی شرکت‌ها برای جذب نیرو در طی رویداد توان تک بود که به دلایل متفاوتی امکان جذب نیرو نداشتند و منتظر فرصت مناسب‌تری برای به‌کارگیری افراد دارای معلولیت بودند. برای برگزاری توان تک بعدی از همین حالا باید برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری صورت بگیرد. باید برنامه‌ریزی شود که

به نظرم راحت‌ترین کار، پیدا کردن آن است اما حفظ کار و این‌که فرد با کار مناسب و مورد علاقه‌اش مرتبط شود، نیاز به دانش و استفاده از روش‌های نوین دارد

خودشان را به عهده بگیرند و همکاری در این زمینه را جزء افتخارات شرکت خود محسوب می‌کنند.

آیا دبیر خانه توان تک اکنون مشغول به کار شده‌اند؟

بله. دبیرخانه توان تک مشخص شده و توسط کار گروهی که تعیین شده‌اند مشغول به کار است.

آیا توان تک دوم هم در محیط رعد برگزار می‌شود؟

فکر می‌کنم امکان استفاده از این فضا را برای برگزاری توان تک دوم داریم. البته من مایلیم که بیشتر فعالیت‌مان در خارج از رعد باشد.

ما فعالیت‌های زیادی را در رعد انجام داده‌ایم ولی هنوز بسیاری از همسایگانمان در اطراف، رعد را نمی‌شناسند. پس نباید فکر کنیم که با فعالیت‌هایی که تا کنون انجام داده‌ایم، کاملاً شناخته شده‌ایم. بنابراین مکان برگزاری توان تک مهم نیست، مهم این است که این رویداد بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر برگزار شود. باید نتایج توان تک قبلی را جمع‌آوری کرده و ایرادات کار را پیدا کرده باشیم و بعد به فکر توان تک بعدی باشیم.

به نظر شما کار پیدا کردن در شرایط کنونی برای همه این افراد ممکن است؟

به نظرم پیدا کردن کار راحت‌ترین بخش کار است ولی حفظ آن و این‌که فرد با کار مناسب و مورد علاقه‌اش مرتبط شود، نیاز به دانش و استفاده از روش‌های نوین دارد. اگر به کسی که خیاطی بلد است اما علاقه‌ای به آن ندارد، پیشنهادهای کاری در مورد خیاطی داده‌شود او ممکن است از روی لذت نمی‌برد، به هر دلیل کوچکی آن را ترک می‌کند و یا اگر هم در آن کار بماند به سختی در آن کار رشد می‌کند. کاری که از روی علاقه باشد ایجاد خلاقیت، شادی و ارتقاء شغلی می‌کند و این انگیزه قوی هم به نفع فرد است و هم به نفع کارفرما.

به این امید که با جمع‌بندی نتایج رویداد توان تک و برطرف کردن نقص‌هایش، بتوانیم توان تک بعدی را باشکوه‌تر و مؤثرتر برگزار کنیم.



شاهین طبری رییس هیات مدیره شرکت چارگون، از افراد علاقمند به تغییر نگرش جامعه نسبت به کسانی است که معلولیت دارند، است. او که متخصص در حوزه تکنولوژی است، ایده برگزاری جشنواره توان تک را توجه به نیاز افراد دارای معلولیت به تکنولوژی مطرح کرد. این جشنواره در سال گذشته برای اولین بار در مرکز رعد برگزار شد. در این گفت‌وگو از انگیزه ایشان از برگزاری این جشنواره و نیز تحلیل نقاط ضعف و قوت آن می‌پردازیم.



همین قدم‌های کوچک باعث می‌شود دنیا جای بهتری باشد!

ساله در صنعت یک مهندس جوان است ولی در حوزه تکنولوژی، پیر محسوب می‌شود. مجموعه این عوامل باعث می‌شود که افراد دارای معلولیت بتوانند سریع‌تر شغل پیدا کرده و وارد فضای کار شوند. در نتیجه به این فکر افتادیم که جشنواره‌ای در رعد برگزار کنیم و از شرکت‌هایی که در حوزه تکنولوژی پیشرو و توانمند هستند، دعوت کنیم تا با همکاری یکدیگر این جشنواره را در خانه توانیابان یعنی رعد برگزار کنیم. تا هم احساس کنند که به آنها بها داده شده و وجودشان اهمیت دارد و هم با آشنایی با تکنولوژی در این جشنواره بتوانند در این حوزه شاغل شوند. این تفکر نقطه شروع جشنواره بود. از طرفی به نظر من اتفاقی که برای خانم‌های جامعه ما افتاد، باید برای توانیابان هم بیفتد. خانم‌های ایرانی در پنجاه سال گذشته جایگاه امروز را به

تا روزی که افراد دارای معلولیت از افراد دیگر جامعه جدا باشند، در فضای متفاوتی درس بخوانند و در فضای متفاوتی نگاه داشته شوند و با نگاه متفاوتی دیده شوند، به معنی این است که تغییر نگرش در جامعه بوجود نیامده است، چه این افراد شاغل باشند و چه نباشند

نشان داده که استفاده توانیابان از کامپیوتر، اینترنت و تکنولوژی از حد استفاده عامه مردم اگر کمتر نباشد، حتما بالاتر است. از طرف دیگر تکنولوژی به گونه‌ای است که سریع‌تر قابل یادگیری است و نیاز به تجربه زیاد و بودن در محیط کارخانجات و سابقه کار ندارد. به طوری که یک مهندس چهل

درباره دلایل برگزاری جشنواره توان تک در مجتمع رعد برایمان بگویید.

همیشه این ذهنیت وجود داشت که در روز جهانی معلولین کار ویژه‌ای انجام شود که با نشان‌دهنده یکی از مشکلات و مسائل افرادی که با معلولیت زندگی می‌کنند باشد و یا توانمندی‌های آنها را به نمایش درآورد. نمونه‌اش همان کار نمادینی بود که در چند سال قبل توسط ماهانا جامی انجام شد که با وجود معلولیت از پله‌های برج میلاد بالا رفت. از طرف دیگر چون ارتباط و علاقه ویژه‌ای به مجموعه رعد داشتیم و در کنار آن رابطه خوبی هم با حوزه تکنولوژی وجود داشت، به همین واسطه همیشه به فکر ایجاد یک هم‌افزایی بین این دو بودم. با هر تیمی هم که کار کرده‌ام از جمله پازلی‌ها، سعی کردم ارتباطشان را با توانیاب‌ها و رعد برقرار کنم. این در حالیست که تجربه به من



هیچ‌وجه نداشتند. ولی آنها از جایی به بعد، مطالبه‌گر شدند و خواستند که پست‌های مدیریتی داشته باشند و یا حتی در کابینه دولت حضور داشته باشند. پس قدم به قدم رشد کردند. اول مطالبه‌گر شدند و بعد در جهت احقاق حقوقشان قدم برداشتند و تا حدودی هم به حق و حقوق خود رسیدند. ولی در مورد افرادی که معلولیت دارند، هنوز این اتفاق نیفتاده است. کدام یک از این افراد از نامزدهای انتخاباتی می‌پرسند که چه برنامه‌ای برای ما دارید؟ در صورتی که حداقل ده درصد جمعیت کشور معلولیت دارند.

بنابراین یکی از کارهایی که باید اتفاق بیفتد مطالبه‌گر شدن توانیابان است. دادن جایزه در جشنواره توان تک به شرکت‌هایی که خدماتی برای افراد دارای معلولیت ارائه می‌دادند، به همین منظور بود. این یک جور مطالبه‌گری و جلب توجه آحاد جامعه نسبت به وظیفه‌ای که در این خصوص دارند، بود.

پس فضایی شکل گرفت و در رعد مطرح شد. یک سری افراد آمدند، همراهی کردند و به برنامه پیوستند. کلاً ماهیت رعد همیشه به گونه‌ای بوده که با ما همراهی‌های خوبی داشته‌اند. این بار هم هر کاری، هر هزینه و هر وسیله‌ای که نیاز داشتیم را در اختیارمان قرار دادند تا برنامه پخته‌تر شود و این شد که این جشنواره به شکل قابل قبولی به اجرا درآمد.

از چه مجموعه‌های برای شرکت در این جشنواره دعوت کردید و الان که حدود شش ماه از برگزاری این جشنواره گذشته چه نقاط ضعف و قوتی را برای این جشنواره قائلید؟

ما از سه گروه دعوت کردیم. گروه اول، شرکت‌های فعال در حوزه کاریابی الکترونیک بودند که سایت‌های کاریابی داشتند. گروه دوم شرکت‌های استارت‌آپ بودند و گروه سوم هم شرکت‌های دارای اسم و رسم و معروف بودند که البته بیشترین استقبال هم توسط چنین شرکت‌هایی صورت گرفت. تقریباً همه شرکت‌های معروف مثل کافه بازار، دیجی‌کالا، اسنپ، تخفیفان، آپارات و خیلی شرکت‌های بزرگ دیگر آمدند و مبالغ خوبی هم

اگر به زندگی ام نگاه کنم می‌بینم بزرگ‌ترین افتخار من قدم‌های کوچکی است که در راه تغییر نگرش در حوزه افراد دارای معلولیت برداشته‌ام. همین قدم‌های کوچک باعث می‌شود دنیا جای بهتری باشد

برای شرکت در این جشنواره پرداخت نمودند. یک سری شرکت‌های کاریابی هم داشتیم که خاضعانه آمدند و در این رویداد شرکت کردند.

یکی از نقاط ضعف این جشنواره، استارت‌آپ‌هایی بودند که آن‌طورکه انتظار داشتیم در این جشنواره حضور پیدا نکردند. تلاش زیادی کردیم که اطلاعاتمان تکمیل شود ولی چون کارداوطلبانه بود، آن جور که انتظار داشتیم اتفاق نیفتاد. از استارت‌آپ‌هایی که خوب ظاهر شدند و فعالیت کردند، پازلی بود. بنابراین از نقاط ضعف این جشنواره شرکت نکردن استارت‌آپ‌های فعال بود که اگر بودند جشنواره رونق بیشتری پیدا می‌کرد.

رویدادهای دیگری هم که در کنار این جشنواره اتفاق افتاد. متناسب‌سازی اپ‌های مختلف برای توانیابان و یا پخش فیلم‌های جالبی از موفقیت‌های افراد دارای معلولیت، از اتفاقات خوب این جشنواره بود. یعنی رویدادهای حاشیه‌ای این جشنواره هم خیلی با کیفیت و جالب بودند. امیدوارم اطلاع رسانی در جشنواره آینده توان‌تک سریع‌تر، زودتر و بهتر انجام شود تا نتیجه بهتری به دست بیاید. الان دبیرخانه توان‌تک در حال ارزیابی نقاط ضعف و قوت این جشنواره است تا نقاط قوت افزایش و نقاط ضعف کاهش یابد.

این جشنواره چه اهدافی را دنبال می‌کرد و تا چه اندازه به این اهداف دست یافت؟

به نظرم یکی از اهداف این جشنواره، اعطای جایزه مسئولیت اجتماعی به شرکت‌کننده‌های برتر بود که همان مطالبه‌گری را نمایندگی می‌کرد.

اعطای این جایزه به شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی خود در قبال افراد دارای معلولیت را به درستی انجام دادند، مهر تایید بر کسب و کارهایی بود که خدمات مناسب‌تری به توانیابان عرضه کرده بودند؛ بیشتر برایشان شغل ایجاد کرده بودند، توانسته بودند به ارتقاء کیفیت زندگیشان کمک کنند و الی آخر.

محور دیگر این جشنواره ارتقاء دانش، توانمندی و اعتماد به نفس توانیابان بود. یکی دیگر از اهداف، کاریابی و نزدیک شدن شرکت‌هایی که در حوزه کاریابی فعالیت می‌کنند با این فضا و این فرصت‌ها بود. محور دیگر این جشنواره آشنا شدن توانیابان با کسب و کارهای آنلاین و نیز آشنا شدن کسب و کارهای آنلاین با آنها بود. این مجموعه اهدافی بود که دنبال می‌کردیم و برای هر کدام از این اهداف برنامه و دستورالعمل داشتیم که کم و بیش این برنامه‌ها اجرا شد و به نتیجه رسید.

با توجه به علاقه و آشنایی شما با این حوزه، چنین فعالیتی را به عنوان مسئولیت اجتماعی خود حساب می‌کنید؟

من نمی‌دانم چرا چنین علاقه‌ای در وجودم هست. من از سال‌ها قبل هم به این حوزه علاقمند بودم. اصولاً هر کسی باید نسبت به رفع مشکلات جامعه خودش حساس باشد و گوشه‌ای از وظایف اجتماع را برعهده بگیرد. این در حالیست که در جامعه ما مسایل متعددی وجود دارد. یک قسمت از فرهنگ ما خیلی خوب است. در کنارش یک سری کارهای زشت هم داریم.

اگر شما فرزند دارای معلولیتی داشته باشید و او را به پارک ببرید چه واکنشی از طرف جامعه می‌گیرید؟ اگر بچه‌ای با عقب ماندگی ذهنی یا سندروم داون داشته باشید، چه برخوردی از جامعه می‌بینید؟ حداقل اینکه می‌گویند «خدا را شکر که بچه ما تندرست است». پس من به عنوان یک شهروند وظیفه خودم می‌دانم که در این حوزه ایفای نقش کنم. کاری که می‌توان انجام داد، آگاهی دادن به مردم است. از بزرگ‌ترین افتخارات من این است که تعداد زیادی دوست دارای معلولیت دارم و آنها را با افراد دیگری هم دوست کرده‌ام.



را خیلی بزرگتر و درالکام استارز و در محل نمایشگاه بین‌المللی برگزار کند. امسال ما می‌توانیم قسمتی از الکام استارز را به توان تک اختصاص دهیم تا تأثیرات بیشتری داشته‌باشد.

و اصل این است که همه این رویدادها به اشتغال افرادی که معلولیت دارند ختم شود؟

من اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنم. من فکر می‌کنم، این تفکرکه صرفاً یک شغل به یک توانیاب بدهی، دیدگاه درستی نیست. شما سعیده دشتبانی از کارمندان ما را می‌شناسید. این فرد را نه از روی دلسوزی بلکه از روی نیاز، استخدام کرده‌ایم. یعنی اگر روزی او اینجا نباشد، همکارمهمی را از دست داده‌ایم. در شرکت چارگون، خانم گرشاسبی را داریم که با وجود مشکل فلج مغزی، در روابط عمومی کار می‌کند. ایشان فرد بسیار موفقی است و بسیار با کیفیت و حرفه‌ای کار می‌کند. ذهنیت سایر همکاران با برخورد با چنین افراد توانمندی تغییر می‌کند و به بودن با آنها افتخار می‌کنند. ما در شرکت چارگون افراد توانیاب زیادی داشته‌ایم که مشغول به کار شده‌اند و مانده‌اند یا تجربه کسب کرده‌اند و برای کار به جای دیگری رفته‌اند. آنچه من شخصا چیزی را که در این قضیه دنبال می‌کنم، تغییر نگرش مردم است. اگر روزی برسد که شما به هرجا که نگاه می‌کنید، تعدادی فرد دارای معلولیت را ببینید که مثل سایرین در حال کار و فعالیت روزمره هستند، آن روز روزی است که می‌توانیم بگوییم کار بزرگی انجام شده‌است.

تصمیم گرفتیم از خودم شروع کنم و در شرکت چارگون از چند نفر که دارای معلولیت هستند، دعوت به همکاری کنم. البته این افراد بسیار حرفه‌ای و کاربلد هستند و حضورشان در محیط کار هم به فعالیت شرکت کمک کرد و هم باعث تغییر نگرش در سایر همکاران شد

وهم‌افزایی بزرگتری در استارت‌آپ‌های کوچک و کسب و کارهای کوچک بوجود بیاید. سال قبل بیشتر به سراغ کسب و کارهای بزرگ رفتیم و تمرکزمان را روی آنها گذاشتیم. چون مطمئن بودیم که آنها می‌آیند. بنابراین در اطلاع‌رسانی به سایرین ضعیف عمل کردیم. باید خیلی سریع‌تر، خیلی بزرگ‌تر و خیلی زودتر شروع به اطلاع‌رسانی می‌کردیم. چون حضور کسب و کارهای کوچک در جشنواره‌هایی مثل توان تک خیلی موثرند. از طرفی با توجه به نفوذ گسترده‌ای که ما در صنف خود داریم که برگزارکننده الکام استارز هستیم، فکر می‌کنم اگر توان تک با الکام در یک مکان و یک زمان برگزار شود می‌تواند تبدیل به یک رویداد خیلی با ارزش و بزرگ شود. رعد می‌تواند این جشنواره

آگاهی بخشی بالاترین قدم است. وقتی من دوستی دارم که به سختی حرف می‌زند ولی دو تا فوق لیسانس دارد و با دوستی که با وجود معلولیت شدید مربی ورزش بوچیاست، نسبت به توانمندی این افراد به باور می‌رسم و مطرح کردن این توانایی‌ها در جامعه باعث تغییر نگرش در جامعه می‌شود. من معتقدم ما آدم‌ها فرصت خیلی کوتاهی برای زندگی داریم و اگر می‌خواهیم تغییری ایجاد کنیم، بهتر است در جایی این کار را بکنیم که بیشترین تأثیر را بگذارد. بنابراین تصمیم گرفتیم از خودم شروع کنم و در شرکت از چند نفر که دارای معلولیت بودند دعوت به همکاری کنم. البته این افراد بسیار حرفه‌ای و کاربلد هستند و حضورشان در محیط کار هم به فعالیت شرکت کمک کرد و هم باعث تغییر نگرش در سایر همکاران شد.

آیا جشنواره توان تک در سال جاری هم برگزار خواهد شد؟

من اصولاً شروع کننده خوبی هستم ولی ترجیح می‌دهم ادامه برعهده دیگران باشد. به هر حال توان تک کاری است که شروع شده، خیلی خوب پیش‌رفته و یک سری از دوستان هم پیگیر آن هستند و جلسات آن در حال تشکیل شدن است. قطعاً با تجربه‌ای که از دوره اول به‌دست آمده، حتماً می‌تواند در سال آینده کیفی‌تر و بهتر برگزار شود.

دردوره بعد به چه نکاتی بهتر است بیشتر توجه شود؟

باید اطلاع‌رسانی آن زودتر شروع شود



در سال گذشته جشنواره توان‌تک برای اولین بار در موسسه رعد برگزار شد. این جشنواره با هدف شناخت جامعه از توانمندی‌های افراد دارای معلولیت در حوزه فن‌آوری اطلاعات و نیز آشنایی جامعه با توانمندی‌های این افراد برگزار شد. این گفت‌وگو با "گلرخ بحری" دبیر اجرایی توان‌تک انجام شد تا با اهداف و برنامه‌های این رویداد بیشتر آشنا شویم.



توان‌تک و امیدهای آینده‌اش...؟!!

شویم اصلاً تصور نداشتیم که آن قدر توانا باشند و بتوانند در زمینه استارآپ فعالیت کنند. بعد از آن که توانایی آنها دیده شد، خیلی تعجب کرده بودند که چطور امکان دارد توانیابان بتوانند چنین فعالیت‌هایی و آن هم در سطوح بالا انجام دهند. این بعد دیگر ماجرا بود که فضای استارت‌آپی را به این سمت برد و به این فکر افتادیم که چرا ما از این ظرفیت نیروی انسانی استفاده نکنیم. خیلی از بچه‌های توانیاب فری‌لنسرینگ کار می‌کردند و این یک نقطه تلنگری برای آنها هم بود که چرا به عنوان استارت‌آپ و به عنوان یک کارآفرین شروع نکنند؟ مثلاً وحید رجب‌لو در آن زمان به عنوان یک فری‌لنسر بود، ولی بعد از آن به سمتی رفت که در خودش این توانایی را دید که می‌تواند یک کارآفرین باشد. بنابراین تیمی متشکل از آقایان شاهین طبری، آرش برهمنند، وحید حجه فروش، بحری، سجاد جهانگرد و عطا خلیقی و من تشکیل شد. این افراد همان کسانی بودند که گردآورنده ال‌کامپ استارت بودند.

البته در واقع ایده اصلی برگزاری جشنواره توان‌تک از شاهین طبری شروع شد که به این نتیجه رسیده بود

توان‌تک شروع خوبی برای بچه‌های توانیاب بود. حتماً در سال‌های آینده ایده‌های بهتری به نظرشان می‌رسد، چون پخته‌تر شده‌اند و توانسته‌اند در ارتباط با دیگران، ایرادهایشان را بفهمند

مطرح می‌شوند و دیگر این که افراد دارای معلولیت با این فضا آشنا می‌شوند و ظرفیت‌هایش را می‌شناسند.

بنابراین هدف این بود که توانیابان در این فضا دیده شوند. از طرفی یک تجربه قبلی نیز داشتیم که یک کارگاه برای فری‌لنسرها راه‌اندازی شده بود و آنجا شروع خوبی برای تمام استارت‌آپ‌هایی بود که در این رویداد شرکت کرده بودند و بچه‌های توانیاب را دیده بودند. آنها می‌گفتند: قبل از این که با این افراد آشنا

لطفاً بگویید که چگونه توان‌تک به وجود آمد؟

بعد از تجربه‌ای که در مورد استارت‌آپ‌ها در ال‌کام استارز داشتیم، با توانایی بچه‌های دارای معلولیت در حوزه فناوری اطلاعات، آشنا شدیم. توانایی‌هایی که شاید تا کنون درباره‌اش درجایی صحبت نشده بود و برای سایرین هم شناخته شده نبود. متوجه شدیم که ظرفیت خوبی در بخش توانیابانی که در صنعت فناوری اطلاعات فعالیت می‌کنند، وجود دارد. خیلی از آنان استارت‌آپ دارند و دوست دارند در چنین فضاهایی حضور داشته باشند اما شاید فضای ال‌کام استارز، محیط مناسبی برایشان نبود و آماده‌سازی‌های لازم برای حضورشان و خدماتی که لازم داشتند، در ال‌کام استارز اصلاً دیده نشده بود.

آن تجربه باعث شد به این نتیجه برسیم که وقتی چنین ظرفیت خوبی وجود دارد، پس باید یک فضای جداگانه و اختصاصی‌تری برایش ایجاد کرد. طی جلساتی که برگزار کردیم، به این نتیجه رسیدیم که به دو دلیل استفاده از فضای رعد برای این کار قابل اجراست. اول این که افرادی که استارت‌آپ راه انداخته‌اند



شعار ما در این جشنواره "باورم کن، من می‌توانم" بود که قسمت اول آن برمی‌گردد به جامعه که باید باور کند و قضاوت نکند و قسمت دوم به خود بچه‌ها برمی‌گردد که خودشان را باور کنند که توانا هستند و می‌توانند



به خود بچه‌ها برمی‌گردد که خودشان را باور کنند که توانا هستند و می‌توانند. اتفاق جذابی که بعد از توان تک در فضای استارت‌آپ‌ها پیش آمد، این بود که آنها توجه‌شان به موضوعاتی که مربوط به توانیابان بود و می‌توانست به آنها خدماتی ارائه دهند، بسیار بیشتر شد. مثلاً افرادی که در رویداد توان تک شرکت کرده بودند در توییت‌ر پست گذاشته بودند که فلان شخص در محل رفت و آمد افراد دارای معلولیت پارک کرده است. یعنی ناخودآگاه ذهن‌شان به این سمت رفته که هر کسی در جامعه چقدر باید حواسش به دوست و همکار توانیابش باشد. به نظر من این مهمترین تاثیری بود که توان تک توانست روی مخاطبان خود بگذارد.

چه تعداد استارت آپ در توان تک شرکت کردند؟

بیش از بیست و دو استارت‌آپ شرکت کردند. ولی چیزی که ما در مورد استارت‌آپ‌ها دیدیم این بود که توان تک یک شروع بود هم برای توانیابان که حتماً در سال‌های آینده ایده‌های بهتری به نظرشان می‌رسد، چون پخته‌تری شوند و با یک سری افراد ارتباط برقرار می‌کنند و هم برای اکوسیستم استارت آپی مفید بود، چون فضای خودش را گسترش داد.

آیا این که در این جشنواره چند نفر به اشتغال دست یافتند، هم به همین اندازه اهمیت داشت؟

به نظر من آخرین دستاورد و هدف توان تک می‌تواند باشد. چون اول باید فرهنگ‌سازی انجام شود. الان نسبتاً

دعوت شدند. البته آنها هم تجربه اولشان بود. سایر استارت‌آپ‌ها هم از طریق فراخوانی که دادیم شرکت کردند و اعلام آمادگی کردند که مایلند در این رویداد شرکت کنند. به نظر من علت این استقبال هم این بود که آنها این ظرفیت را می‌دیدند و می‌خواستند از این افراد در شرکت خود استفاده کنند. رویکرد اصلی ما در این رویداد این بود که از توانیابان تنها در قسمت اپراتوری و جوابگویی تلفن استفاده نشود، چون این افراد تخصص‌هایی دارند که می‌شود در بخش‌های دیگر از آن استفاده کرد. مثلاً ما در «سایت مهربانه» سه سال است که با بابک حیدری، از بچه‌های رعده، همکاری می‌کنیم. او در اولین الکام استارز خودش آمد و با ما ارتباط گرفت و اعلام آمادگی برای کار کرد. قبلاً بابک حیدری در مسابقه برنامه نویسی در رعده اول شده بود. در الکام استارز تیم پازلی و غرفه آنها کنار غرفه مهربانه بود و از آن جا بابک با ما آشنا شد و وارد تیم مهربانه شد. الان هم در حوزه بازاریابی الکترونیک با سایت مهربانه کار می‌کند. اگر من بخواهم به عنوان یک تجربه از تاثیر حضور توانیابان در استارت‌آپ‌ها بگویم، می‌گویم که بابک روز اول با بابک الان بسیار متفاوت است چه از نظر اعتماد به نفس و عزت نفس و چه از نظر تجربه کاری. این اتفاقی است که وقتی بچه‌ها در محیط‌های بزرگ‌تر کاری قرار می‌گیرند می‌افتد. در واقع مهم‌ترین قصد ما در برگزاری توان تک همین بود. شعار ما در این جشنواره «باورم کن، من می‌توانم» بود که قسمت اول آن برمی‌گردد به جامعه که باید باور کند و قضاوت نکند و قسمت دوم

که می‌توانیم در این راستا حرکت کنیم. در نهایت تیم اجرایی توان تک از افراد داوطلب و استارت‌آپ‌های مختلف شکل گرفت. مثلاً در مورد ایده‌پردازی و در مورد این که چه شعاری باید استفاده شود و یا چه لوگویی باید طراحی شود، از خانم فیروزه ایمانی از همکاران ما در الکام استارز، کمک گرفتیم. به هر حال تیم‌ها و وظایف هر تیم طی جلسات متعدد، مشخص شد و پس از صحبت با مسئولان رعده، از جایی به بعد همه این جلسات در رعده برگزار شد. خیلی از بچه‌های رعده هم در جشنواره توان تک حضور داشتند و می‌شود گفت، قسمت اجرایی و زحمت اصلی آن، خصوصاً در بحث اطلاع‌رسانی به توانیابان، با خود رعده بود. افرادی که از الکام استارز شرکت کردند، تجربیات خود را از اجرای چنین نمایشگاهی در اختیار گذاشتند. تجربیات خانم پناهی هم در این بخش برای ما خیلی ارزنده بود و در تعیین رویکردهایمان از تجربیات ایشان استفاده کردیم. به نظر من به عنوان تجربه اول جشنواره توان تک خیلی حرفه‌ای برگزار شد. ما دو هدف اصلی داشتیم؛ هدف اول فرهنگ‌سازی بود و هدف دوم این بود که آزمایش کنیم که برای ادامه راه کدام مسیر را باید ادامه دهیم؟ حالا می‌توانم بگویم که تا حدود زیادی به هر دو هدف رسیدیم. در بحث فرهنگ‌سازی، در صفحات اجتماعی مثل توییترو اینستاگرام اگر موضوعی به حوزه توانیابان و استارت آپ‌ها مربوط باشد، حتماً توان تک در آن حضور دارد.

در بخش اجرایی هم استارت‌آپ‌هایی که از توانیابان بودند توسط خود رعده





حقیقت این است که مهارت فتوشاپ و مهارت‌های کامپیوتری، یک سری مهارت‌های عمومی است و با این مهارت‌ها هیچ کس نمی‌تواند شاغل شود. باید یک سری مهارت‌های تخصصی را در دوره‌های کوتاه مدت آموزش دهیم.

کار راهم یاد بگیرند. دنبال این نیستیم که یک دوره شش ماهه و یا یک ساله برگزار کنیم. این دوره‌ها، دوره‌هایی یک یا دوهفته‌ای یا حداکثر یک ماهه است. بعد از طی این دوره آنها باید بروند و درجایی کارورزی کنند تا کار را در محل واقعی یاد بگیرند. مهم این است که بچه‌ها به این نتیجه برسند که در حال حاضر دوره‌ای است که یک نفر خودش می‌تواند همه چیز را یاد بگیرد و شاید نیازی نباشد که حتما همه به دانشگاه بروند.

پس یکی از نقاط ضعفی که در این دوره به آن رسیدید این بود که توانیابانی که رزومه پر کردند، آموزش لازم برای اشتغال را ندیده بودند؟

بهبتر است اسم آن را ضعف نگذاریم. علت برگزاری این جشنواره این بود که نیازسنجی کنیم و این نیاز بعد از برگزاری این جشنواره دیده شد. قبلا فکر می‌کردیم آموزش‌هایی که بچه‌ها تا به حال دیده‌اند برای اشتغال کافی است ولی الان متوجه شدیم که این‌طور نبوده و نیاز است که دقیق‌تر و تخصصی‌تر به موضوع آموزش نگاه کنیم.

لازم است خودشان همت کنند و انرژی بگذارند و تنها به این دلخوش نباشند که کلاس‌هایی را بی‌هدف گذرانده‌اند. باید کاریاد گرفتن و شاغل شدن برایشان ارزش داشته باشد.

مطمئنم اتفاقی که رقم خورد، شروع خوبی بود برای رسیدن به نتایجی بزرگ‌تر. امیدواریم سال آینده که به این جشنواره نگاه می‌کنیم، چنان خروجی خوبی داشته‌باشد که توانیابانی که در این برنامه شرکت کرده‌اند، خودشان به دنبال برگزاری آن باشند و هیجان و اشتیاق آنها ما را به ادامه کار تشویق کند.

این بخش را پر رنگ‌تر از سایر بخش‌ها ببینیم.

منظور شما از آموزش چیست؟

منظور این است که ببینیم افرادی که الان برای کار رزومه پر کرده‌اند چه آموزش‌هایی دیده‌اند و چقدر آمادگی برای انجام یک کار تخصصی را دارند. یک سری از بچه‌ها شاید کارهای هنری را یاد گرفته‌اند که به درد فضاهای استارت‌آپی نمی‌خورد، ولی این نشان می‌دهد که آنها استعداد یادگیری دارند. مثلا اگر نویسنده خوبی هستند، می‌توانند کاپی رایتر شود. اینها مواردی است که در این بچه‌ها باید شناسایی شود.

اگر قرار است از این ده درصد پتانسیل نیروی انسانی استفاده کنیم، باید ببینیم این افراد چه کارهای دیگری هم می‌توانند انجام دهند. مثلا بایک حیدری رشته تحصیلی‌اش مدیریت گردشگری بود ولی در این زمینه اصلا کار نکرده‌بود. خودش برنامه‌نویسی یاد گرفت و بعد علاقه‌مند به بازاریابی الکترونیک شد، دوره‌اش را گذراند و به آن مسلط شد. یعنی گاهی یک تکان کوچک باعث می‌شود شخص به سمتی که دوست دارد، حرکت کند.

بنابراین آنچه ما از توان‌تک اول به‌دست آوردیم جمع‌آوری این موارد بود و حالا در حال برنامه‌ریزی برای دوره بعد هستیم.

آموزش‌هایی که کارآموزان نیاز دارند از چه طریقی باید صورت بگیرد؟

در این جشنواره تا حدودی مشخص شد که ما به چه آموزش‌هایی نیاز داریم. مثلا الان می‌دانیم که شرکت‌های استارت‌آپی گرایش زیادی به نیروی تولید کننده محتوی دارند. رویکرد ما به آموزش، آکادمیک نیست، بیشتر کاربردی و اجرایی است. حتی می‌گوییم آموزش در حدی باشد که بچه‌ها به نقطه کارآموزی برسند و در حین انجام کارورزی،

فضای لازم برای ارتباط و گفت‌وگو ایجاد شده، فضایی که در مورد توانیابان صحبت می‌شود و این افراد دیده می‌شوند. حتی از بخش‌های دولتی و از وزارت فناوری اطلاعات هم آمدند و از جشنواره بازدید کردند. برایشان خیلی جالب بود و قول دادند که بودجه‌ای هم برای این حوزه در نظر بگیرند. به نظر من این‌ها اولین قدم‌هایی بود که توان‌تک برای باز کردن فضا برداشت. از این‌جا به بعد و این‌که چقدر از بچه‌ها بتوانند به اشتغال برسند، به خودشان مربوط می‌شود.

اشتغال توانیابان جزو اهداف بوده، ولی می‌دانستیم که این چیزی نیست که در مرحله اول به آن دست پیدا کنیم. البته صد درصد جزو اهداف آینده هست و در جلسات مربوط به برگزاری جشنواره توان‌تک در سال‌های بعد باید به این موضوع بیشتر توجه شود. ولی نباید فراموش کرد که آموزش، قسمت مهم ماجرا است. از جمع کسانی که رزومه پر کردند و دوستانی که به هر نحو توانستند استخدام شوند، مشکل‌شان این بود که هنوز آماده کار نبودند و البته این منطقی است، چون کسی که تا به حال در اجتماع خیلی حضور نداشته، مانند کسی است که دانشگاه را تازه تمام کرده و رفتار حرفه‌ای در کار را بلد نیست و باید یاد بگیرد.

این‌جا دو حالت می‌تواند بوجود بیاید. یا خود آن شرکت شخص را آموزش می‌دهد و او را آماده کار می‌کند و یا این‌که طبق آن‌چه در دفتر اشتغال رعد وجود دارد، به این شخص همیار شغلی تعلق می‌گیرد که تا مدتی او را در محیط کار همراهی کند تا آماده فضای کار شود، به خود توانیاب برمی‌گردد که چقدر دوست دارد بها بپردازد تا بتواند در جامعه حضور یابد. در محیط کار، کارفرما مراعات کسی را نمی‌کند چون می‌خواهد به هر قیمتی به اهداف سازمانی خود برسد. بنابراین در نیازسنجی که انجام شد به این نتیجه رسیدیم که در توان‌تک بعدی باید روی آموزش تاکید بیشتری کنیم و



دیجی کالا امسال یازدهمین سال تولدش را جشن گرفت. در سال ۸۵ برادران محمدی با سرمایه‌ای نزدیک به صفر، این فروشگاه اینترنتی را راه‌اندازی کردند و امروز این شرکت بزرگ‌ترین فروشگاه اینترنتی در خاورمیانه و بزرگ‌ترین صنعت الکترونیک در کشور است و به نوعی پدرمعنوی استارت‌آپ‌های کشور محسوب می‌شود. دیجی کالا، در جشنواره توان‌تک جایزه مسئولیت اجتماعی را از این جشنواره دریافت کرد.

این گفت‌وگو با امیرحسن موسوی، مدیر روابط عمومی شرکت دیجی کالا است که در ذیل مشروح آن را خواهید خواند.



در گفت‌وگو با مدیر روابط عمومی دیجی کالا، عنوان شد

برطرف کردن هرگونه تبعیض، یک ارزش سازمانی در دیجی کالا است

یکی از این تبعیض‌ها که همیشه در جامعه وجود داشته و دارد، در مورد افراد دارای معلولیت است. در این مورد دیجی کالا چه نگاه و رویکردی دارد؟

بله. یکی از این تبعیض‌ها که در جامعه وجود دارد، در مورد افراد دارای معلولیت است.

ولی عقیده دیجی کالا بر این است که نباید امتیاز ویژه‌ای برای افراد دارای معلولیت در نظر بگیریم، بلکه همین که شرایط لازم را برای حضور و کار این افراد ایجاد کنیم، در جهت رفع تبعیض قدم برداشته‌ایم. به نظر ما ایجاد شرایط مناسب برای حضور این افراد در محل کار بهترین اقدام است و نباید به چشم ترحم به این افراد نگاه شود. بسیاری از این افراد توانمندی‌های زیادی دارند، و حضورشان در سازمان بسیار ارزشمند است. باید با این نوع نگاه به افراد دارای معلولیت نگریم که نگاه دیجی کالا هم به همین صورت است.

البته اصطلاحی به نام تبعیض مثبت نیز وجود دارد که می‌گوید: اگر دو فرد از نظر مهارت و دانش در یک شغل در شرایط برابری بودند، شما

عقیده داریم که تبعیض تخریب‌کننده افراد است و اگر افراد یک سازمان تخریب شوند، خود آن سازمان تخریب می‌شود. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که در دیجی کالا تبعیض جنسیتی، تبعیض نژادی، تبعیض مذهبی و هر شکل دیگری از تبعیض وجود نداشته باشد

نژاد، مذهب و هر شکل دیگری خود را نشان دهد و ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که در دیجی کالا هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. بخشی از تبعیض‌ها در جامعه وجود دارد و ما هم به عنوان سازمان و افرادی که در جامعه هستیم از آن گریزی نداریم ولی سعی می‌کنیم تا جایی که می‌توانیم این تبعیض‌ها را به حداقل برسانیم.

چگونه با جشنواره توان‌تک آشنا شدید؟

قبل از مطرح شدن جشنواره توان‌تک، ما با موسسه رعد ارتباطات گسترده‌ای در پروژه‌های مختلف داشته‌ایم. در مورد توان‌تک یکی از همکاران ما به نام خانم نسیم رسولیان، که عضو گروه جوانان همیار رعد هم هستند، ایده شرکت در این جشنواره را مطرح کرد. ایده بسیار جذابی بود و چون کاملاً در جهت سیاست‌های دیجی کالا بود، مورد استقبال قرار گرفت و همکاری با این جشنواره به سرعت شکل گرفت.

دیجی کالا چه نقشی در رویداد توان‌تک ایفا کرد؟

دیجی کالا به یک ارزش سازمانی مهم پایبند است و آن برطرف کردن هرگونه تبعیض در مورد استخدام‌ها و افرادی که در سازمان مشغول به کارند. چون عقیده داریم که تبعیض تخریب‌کننده است و اگر کارکنان یک سازمان تخریب شوند، خود آن سازمان هم تخریب می‌شود. این تبعیض می‌تواند در زمینه‌های مختلفی چون؛ جنسیت،



نگاه صدقه‌ای و ترحم‌آمیز موافق نیستیم و به این سمت هم نمی‌رویم. چون این خودش به نوعی جداسازی افراد دارای معلولیت از افراد بدون معلولیت است که از این نوع سیاست پرهیز داریم.

در جشنواره توان‌تک، دیجی کالا چه نقشی ایفا کرد؟

در این جشنواره دو کارگاه و یک سخنرانی داشتیم و همچنین اسپانسر برنامه هم بودیم. در بخش منابع انسانی، یک کارگاه مسیرشغلی برای توانیابان برگزار کرده و تلاش کردیم این حوزه تکنولوژی را به توانیابان معرفی کنیم. آنها را با روش درخواست شغلی آشنا کردیم و شغل‌ها و مهارت‌هایی که شرکت دیجی کالا به آن نیاز دارد را به آنها معرفی کردیم. الان دوره مدرک‌گرایی گذشته و افراد باید مهارت‌های خاصی را داشته باشند. هرکسی این توانایی‌ها را داشته باشد دیجی کالا از او استقبال می‌کند.

استقبال بچه‌ها از کارگاه چگونه بود؟

استقبال خوبی شد. فکرمی‌کنم خود افرادی که معلولیت دارند هم از این نوع نگاه بیشتر استقبال می‌کنند تا از نگاه ترحم‌آمیز. ما به عنوان بخشی از جامعه موظفیم که تبعیض‌ها را برطرف کنیم و حداقل کاری که شرکت‌ها می‌توانند انجام دهند، این است که مناسب‌سازی فضای کاری و فضای رفت و آمد را برای توانیابان فراهم کنند. در بین توانیابان افراد خیلی توانایی وجود دارند که خودشان کارآفرینند. من می‌دانم که یکی، دو استارت‌آپ خیلی موفق توسط توانیابان راه اندازی شده است. در این حوزه ما به این افراد، هم کمک فکری و هم کمک لجستیکی می‌کنیم تا بتوانیم نقش پدرمعنوی استارت‌آپ را برای آنان داشته باشیم. در جهت توسعه کسب و کارشان و کارآفرینی هر کمکی از دست ما برآید، در خدمتشان بوده و هستیم.

توانیابانی که علاقه به کار در دیجی کالا را داشته باشند از چه طریقی می‌توانند اقدام کنند؟

آنها می‌توانند با مراجعه به سایت دیجی کالا از فرصت‌های شغلی موردنیاز شرکت اطلاع پیدا کنند و پس از فرستادن درخواست کار و رزومه، چنانچه شرایط و مهارت لازم مورد

عقیده دیجی کالا بر این است که نباید امتیاز ویژه‌ای برای افراد دارای معلولیت در نظر بگیریم، بلکه همین که شرایط لازم را برای حضور و کار این افراد ایجاد کنیم، در جهت رفع تبعیض قدم برداشته‌ایم



در رقابت با فرد دیگری باشد که از لحاظ مهارتی یکسان باشند، قطعاً فرد توانیاب را انتخاب می‌کنیم. در موقعیت‌های مختلف کاری افراد توانیاب با ما همکاری می‌کنند. در کارگاهی که در توان تک برگزار کردیم، تلاش کردیم در پیچه‌ای باز کنیم تا افراد توانیاب با مهارت‌های مورد نیاز صنعت اینترنت، کسب و کار اینترنتی و فناوری اطلاعات و ارتباطات آشنا شوند.

آیا ساختمان شرکت دیجی کالا مناسب‌سازی شده است؟

بله. ما رمپ، بالابر و آسانسورهای مناسب داریم و فکر می‌کنیم همه شرکت‌ها وظیفه دارند که فضای مناسب را برای حضور همه افراد در شرکتشان ایجاد کنند تا افراد جامعه بتوانند برای موقعیت‌های شغلی اقدام کنند و فرصت‌های شغلی برابر داشته باشند. ولی این‌که ما چند شغل را انتخاب کنیم و بگوییم فقط از توانیابان استفاده می‌کنیم، این نه به نفع جامعه است و نه به نفع خود توانیابان. ما با

باید شغل را به کسی بدهید که در پیشینه تاریخی‌اش مورد تبعیض قرار گرفته است. این جنبشی بود که در دهه شصت در آمریکا، پس از این‌که سیاه پوستان حقوق اولیه خود را به دست آوردند، به راه افتاد. بعد سراسر دهه هشتاد و دهه نود سیاست بر اساس تبعیض مثبت بود. به این معنا که دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی تحت تاثیر این جنبش قرار گرفتند که اگر سیاه‌پوستی با سفید پوستی در شرایط برابر بودند، چون آن فرد سیاه در سال‌های گذشته مورد تبعیض قرار گرفته، کار باید به او داده شود.

یکی از توجهات دیجی کالا در مورد برابری دستمزد است. متأسفانه در کشور ما و در بسیاری از کشورهای دنیا، میانگین دستمزد خانم‌ها نسبت به آقایان در شرایط برابر، خیلی کمتر است. اما در فضای تکنولوژی این قدر اتفاقات سریع است و این قدر مهارت‌ها باید به روز باشند که عملاً فضایی برای این حرف‌ها بوجود نمی‌آید. یعنی چون این توانایی‌ها کمیاب است و همین که کسی پیدا شود که مثلاً بازاریابی اینترنتی^۱ را خوب بداند و یا کار داده‌کاوی^۲ را به خوبی انجام دهد، چنین فردی وجودش برای هر شرکت اینترنتی غنیمت است و این فرد را روی هوا می‌زنند. حالا می‌خواهد این فرد زن باشد یا مرد، توانیاب باشد یا تندرست، سیاه پوست باشد یا سفید پوست، مذهبش متفاوت با بقیه باشد و یا نباشد و غیره.

در دیجی کالا هم چون شغل‌های ما شغل‌های تخصصی است، وضع به همین گونه است. درست است که در کشور نیروی کار زیاد داریم ولی نیرویی که متخصص باشد و مهارت‌های لازم را داشته باشد خیلی کم است. شاید باورش سخت باشد که گاهی برای موقعیت شغلی ماه‌ها دنبال یک شخص مناسب می‌گردیم و خیلی وقت‌ها چنین فردی پیدا نمی‌شود. برای مثال چند نفر از متخصصین بخش فنی ما از هند و اتریش هستند. در اینجا دیگر مهم نیست که این فرد زن باشد یا مرد، توانیاب باشد یا تندرست. در اینجا بحث تبعیض مثبت در کجا قرار می‌گیرد؟

ما تبعیض مثبت را در دیجی کالا اعمال کرده‌ایم. همین الان برای یک موقعیت شغلی، اگر فردی توانیاب

1. digital marketing
2. Data Mining



نیاز شرکت را داشته باشند، از طریق کارشناس مربوطه با آنها تماس گرفته می‌شود و برای مصاحبه اولیه دعوت می‌شوند. چنانچه نظر کارشناس منابع انسانی مثبت باشد، به مدیر بخش معرفی و پس از تایید نهایی، استخدام می‌شوند.

با توجه به رویکرد اشتغال حمایت شده که در موسسه رعد جریان دارد، امکان ایجاد ارتباط میان همیاران شغلی^۲ توانیابان با شرکت دیجی کالا وجود دارد؟

پیشنهادم این است که همیاران شغلی به صفحه نیازمندی‌های دیجی کالا سرزنند. در صفحه فرصت‌های شغلی کاملاً مشخص است که ما به چه مهارت‌هایی نیاز داریم. از طرفی این افراد اطلاعات مربوط به توانیابان را دارند و می‌دانند هر کدام از آنها چه مهارت‌ها و چه علایقی دارند. به محض اینکه دیدند که مهارت‌های مورد نیاز با توانمندی کارآموزان ویا علاقه آنها همخوانی دارد، رزومه‌اش را برای دیجی کالا بفرستند و اعلام کنند که این فرد از نظر ما برای این شغل مناسب است. حتی مرکز رعد می‌تواند دوره‌های مورد نیاز برای افزایش مهارت توانیابان را برگزار کند و پس از برگزاری این دوره‌ها آنها را به دیجی کالا معرفی کند.

شرکت دیجی کالا به عنوان شرکت برگزیده در جشنواره توان تک، جایزه مسئولیت اجتماعی را دریافت کرد. شما چه انتظاری از توان تک داشتید و تا چه حد این انتظارات برآورده شد؟

ما بیشتر احساس وظیفه می‌کنیم و معتقدیم که مسئولیت اجتماعی دیجی کالا است که این فرهنگ را تقویت کند. ساختن این فرهنگ به رشد جامعه کمک می‌کند و رشد جامعه هم به رشد ما کمک می‌کند.

چه عواملی باعث شد که شما جایزه مسئولیت اجتماعی را دریافت کنید؟

این سوال را باید از کسانی که جایزه را دادند بپرسید. ولی باید بگویم که دیجی کالا در چند سال گذشته، پروژه‌های مختلفی را در حوزه مسئولیت اجتماعی خود انجام داده‌است. از ساخت کتابخانه در مناطق روستایی تا توزیع ماسک در روزهای آلودگی هوا در خوزستان، تهیه و تحویل کانکس به زلزله‌زدگان کرمانشاه، پروژه درختکاری که قبل از عید هزارناله درخت در کمربند تهران کاشتیم و فعالیت‌هایی

پیشنهادم این است که همیاران شغلی به صفحه نیازمندی‌های دیجی کالا سرزنند. در صفحه فرصت‌های شغلی کاملاً مشخص است که ما به چه مهارت‌هایی نیاز داریم

از این قبیل که حدود سی، چهل مورد می‌شود. اینها نقش کوچکی است که در حوزه مسئولیت اجتماعی و رفع مشکلات جامعه توسط دیجی کالا ایفا شده‌است.

آیا شما تجربه توان تک را تجربه موفق می‌دانید؟

برای اولین دوره به نظرم خیلی موفق بود. به خصوص که استارت آپ‌های مختلفی در آن حضور داشتند و هم از طرف توانیابان و هم از طرف سازمان‌ها مورد استقبال قرار گرفت. اما مسلماً نقص‌هایی هم داشت. هر کاری در شروع قطعاً مشکلاتی خواهد داشت ولی مهم این است که ادامه پیدا کند و نقایصش به تدریج برطرف شود.

نقاط ضعف وقوت جشنواره از نظر شما چه بود؟

به عنوان کسی که از بیرون نگاه می‌کردم و مستقیماً درگیر این رویداد نبودم می‌توانم بگویم نقطه ضعف توان تک به دلیل سرعت کار، بی‌برنامگی آن بود و این‌که هدف مشخصی نداشت. یعنی معلوم نبود که خروجی کار دقیقاً چیست؟ یعنی اگر چه چیزی اتفاقی می‌افتاد، توان تک به اهدافش رسیده بود؟ اگر صد تا از توانیابان به اشتغال می‌رسیدند، به هدفش رسیده بود ویا اگر دوفتر هم استخدام می‌شوند، باز به هدفش رسیده‌است؟ آیا اصلاً استخدام توانیابان ملاک است، یا هدف آشنایی آنها با مهارت‌ها ویا حتی دوره‌های آموزشی که برگزار شد؟ وقتی هدف

از قبل خیلی مشخص نباشد، اصولاً نمی‌توان درباره یک رویداد قضاوت کرد. باید اول اهدافش مشخص باشد و بعد بسته به میزان محقق شدن این اهداف، بفهمیم که تا چه اندازه موفق بوده یا نبوده‌است.

به نظر من این مهم‌ترین نقطه ضعف آن بود ولی همین‌که به هر حال استارت این کار خورد، بسیار مهم بود. چون در جامعه ما متأسفانه به افراد دارای معلولیت خیلی اجحاف می‌شود. چیزی حدود ده میلیون نفر افرادی را داریم که دارای انواع معلولیت هستند، ولی این افراد در جامعه دیده نمی‌شوند چون فرصتی به آنها داده نشده‌است. هم شرایط فیزیکی و هم شرایط فرهنگی برای حضور توانیابان در جامعه میسر نیست. نگاه ترحم‌آمیز مردم، نبودن موقعیت‌های کافی، نبود اجتماعات مختلف، عدم مناسب‌سازی‌های شهری و عوامل دیگر مانع حضور آنها در جامعه شده‌است.

این افراد باید حس تعلق به اجتماع داشته‌باشند و اگر توان تک همین یک کار را هم کرده‌باشد کار بزرگی انجام داده‌است. این‌که بچه‌ها احساس کنند در یک گروه و یک گروه‌مایی که برای آنها برگزار شده دورهم جمع می‌شوند، تجارب خود را با هم به اشتراک می‌گذارند و به هم کمک فکری می‌کنند. همین جمع شدن کار ارزشمندی است و اگر خروجی‌های خوبی هم داشته‌باشد که ارزشمندتر خواهد بود.

اگر قرار باشد جشنواره توان تک در آینده باز هم برگزار شود، چه توصیه‌ای در بهتر شدن آن دارید؟

توصیه‌ام این است که از ابتدا هدف مشخص شود و این هدف، قابل اندازه‌گیری باشد نه یک هدف توصیفی. مثلاً اگر هدف خوشحال کردن توانیابان باشد، خوب ابزاری برای اندازه‌گیری نداریم. ولی مثلاً اگر هدف این باشد که بیست نفر از توانیابان شرکت‌کننده سرکار بروند و حالا ده نفر به اشتغال رسیدند، می‌توانیم بگویم که پنجاه درصد موفق شدیم. یا مثلاً قرار است دوازده دوره آموزشی برگزار شود و چهل درصد این افراد مهارت خاصی را به دست بیاورند. اینها اهداف قابل اندازه‌گیری است. به نظرم باید اهداف قابل اندازه‌گیری تعیین شود، یک نقشه راه طراحی شود و در راستای آن اهداف قدم برداشته شود.





با کارگاه‌ها در جشنواره توان‌تک

جشنواره توان‌تک همزمان با هفته معلولان و با هدف فرهنگ‌سازی در جهت اشتغال توانیابان و ایجاد زمینه‌های ارتباط موثر بین استارت‌آپ‌ها و کارفرماها با افراد دارای معلولیت جویای شغل، در تاریخ ۲۱ تا ۲۴ آذرماه سال ۹۶ در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده برگزار گردید.

در طول این رویداد، با هدف افزایش مهارت‌های توانیابان و آشنا کردن آنان با الزامات اشتغال در حوزه فناوری اطلاعات، کارگاه‌های آموزشی متعددی برگزار شد. از جمله این کارگاه‌ها، کارگاه‌های برنامه نویسی، مهارت‌های راه‌اندازی کسب و کار، تولید محتوا، بازاریابی دیجیتالی و مذاکرات استخدام بود. مدرسین این کارگاه‌ها افراد سرشناس و مطرح در حوزه بازاریابی دیجیتال بودند که در این گزارش با نظرات چند تن از آنها آشنا شده و اهداف و ارزیابی‌شان از برگزاری این کارگاه‌ها را جویا شدیم.

کارگاه: دسترس‌پذیری وب سایت و اپلیکیشن

مشارکت توانیابان داشت. فرخزادی اطلاع‌رسانی در مورد رویداد توان‌تک را ضعیف بیان نمود و گفت: به نظر من بهتر است چندین ماه زودتر از برگزاری چنین رویدادی، تیم پشتیبانی و برنامه‌ریزی آن به‌طور دقیق مشخص شود و اطلاع‌رسانی مناسبی صورت گیرد تا با آمادگی بیشتری بتوان آن را اجرا کرد.

هستی فرخزاده، مسئول برگزاری کارگاه آموزشی دسترس‌پذیری وب و اپلیکیشن از شرکت کافه بازار، هدف از برگزاری این کارگاه را افزایش آگاهی طراحان وب و اپلیکیشن به مسأله‌ی دسترس‌پذیری بیان کرد و افزود کافه‌بازار تا حدود زیادی در رسیدن به این هدف در این جشنواره موفق عمل کرده‌است. او استقبال شرکت‌کنندگان را خوب دانست ولی انتظار بیشتری از



کارگاه: موفقیت یعنی تلاش بدون توقف

در این کارگاه نشان‌دهنده این بود که افراد دارای معلولیت تا چه اندازه به این موضوعات علاقه‌مندند و مطمئن هستم برگزاری کارگاه‌های این چنینی می‌تواند بسیار اثربخش و مفید باشد». او افزود: «حضور یکی از برندگان المپیاد ریاضی، در بین شرکت‌کنندگان در این کارگاه، هم انرژی‌بخش و هم باعث افتخار بود».

محمد توسلی در توضیح نقاط قوت و ضعف جشنواره، گفت: مهم‌ترین نقطه قوت جشنواره توان‌تک، فرهنگ‌سازی درجهت دیده‌شدن توانایی‌های افراد که معلولیت دارند بود. او در ادامه افزود: من اصولاً با به کار بردن واژه ضعف مخالف هستم و معتقد نیستم این جشنواره نقاط ضعفی داشت اما از جهت تجهیزات سخت افزاری کمی محدودیت داشت و قدیمی بود.

به گفته توسلی برای بهتر انجام شدن توان‌تک در سال‌های آینده بهتر است از صفر تا صد آن توسط خود توانیابان اجرا شود و این جشنواره فقط در تهران متمرکز نباشد.

محمد توسلی لاریجانی، سرپرست جذب و استخدام در شرکت دیجی‌کالا، یکی از ارزش‌های زندگی خود را آموزش دادن و به اشتراک‌گذاری تجربیات و دانش خود می‌داند. او بهترین روش برای آموختن و یافتن نقاط قابل بهبود خود را از طریق آموزش دادن به دیگران می‌داند. او می‌گوید: «یادم هست روزی که دوستان به من پیشنهاد برگزاری کارگاه در جشنواره توان‌تک را دادند، بدون کوچک‌ترین تردیدی به یاد این هدف خودم افتادم و قبول کردم».

توسلی معتقد است تمامی آدم‌ها با محدودیت‌های مختلف می‌توانند به اهدافشان برسند. مهم این هست که درست هدف‌گذاری کنند و برای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی دقیقی داشته‌باشند. در این کارگاه او سعی کرده روش هدف‌گذاری صحیح را به دوستان دارای معلولیت آموزش دهد تا بتوانند به یکی از اهداف اصلی‌شان که اشتغال است، برسند. توسلی استقبال شرکت‌کنندگان از کارگاه را بسیار عالی دانست و گفت: «به نظرم این کارگاه یکی از بهترین کارگاه‌هایی است که تاکنون برگزار کردم و از بیشترین مشارکت برخوردار بود. مشارکت دوستان



کارگاه: ساخت اپلیکیشن موبایل بدون برنامه‌نویسی

و پاسخ و رفع اشکال برای شرکت‌کنندگان برگزار شد».

این کارشناس IT، نقطه قوت این رویداد را رسیدن به هدف اصلی آن، یعنی ایجاد بستر مناسب برای ارتباط بین توانیابان، شرکت‌ها و استارت‌آپ‌ها دانست. او همچنین اطلاع‌رسانی مناسب که منجر به استقبال و حضور فعال شرکت‌های بزرگ در این رویداد شده بود را از دیگر نقاط قوت آن ذکر کرد و گفت: «یکی از نقاط ضعف این رویداد، بخش مسابقه‌ای و حضور استارت‌آپ‌های غیرمرتبط بود که شاید در این زمینه درست مدیریت نشد و یا شاید هم به خاطر حضور کمتر استارت‌آپ‌های مرتبط در رویداد بود».

او در مورد بهتر برگزار شدن توان‌تک در آینده گفت: «قطعا این رویداد هم مثل سایر رویدادهایی که برگزار می‌شود، جای پیشرفت دارد و قطعا با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و مدیریت مناسب می‌تواند به رویدادی پرتعداد تبدیل شود. این رویداد پتانسیل جذب سرمایه‌گذاران و شرکت‌های فعال در حوزه توانیابان را دارد که حضوراندک آنها در توان‌تک ۹۶ کاملاً به چشم می‌خورد.»

داود عباسی کارشناس بهبود تجربه مشتری از تیم پازلی، هدف خود از برگزاری این کارگاه در جشنواره توان‌تک را این‌گونه بیان کرد: «تیم پازلی کار ساخت اپلیکیشن را خیلی راحت کرده و افراد توانیاب می‌توانند از این سرویس به راحتی استفاده کنند. با توجه به این موضوع تصمیم گرفتیم ساخت اپلیکیشن را در یک کارگاه و به صورت خلاصه آموزش دهیم تا دوستان توانیاب بتوانند با استفاده از سرویس پازلی کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند و یا با ساخت اپلیکیشن به صورت سفارشی درآمدزایی داشته‌باشند». ایشان اظهار داشت: «تیم پازلی قبل از رویداد توان‌تک چندین دوره آموزشی در این حوزه در موسسه رعد برای توانیابان برگزار کرده بود که با کارگاهی که در رویداد توان‌تک برگزار شد، به نوعی کار تکمیل شد و خروجی‌های خوبی داشت و اپلیکیشن‌های مناسبی توسط دوستان ساخته شد».

عباسی میزان استقبال شرکت‌کنندگان در این کارگاه را بسیار خوب دانست و گفت: «این کارگاه حدود ۱۵۰ شرکت‌کننده داشت که فعالیت مناسب و قابل قبولی داشتند و هم در حین کارگاه و هم بعد از آن، جلسات پرسش

کارگاه: آموزش نحوه ارائه

در این کارگاه حضور داشتند. او رویداد توان‌تک را رویداد مهمی برای توانیابان دانست که به شکل قابل قبولی موفق به افزایش دانش، روحیه و اعتماد به نفس آنها شد. شلیله اما معتقد است که تبلیغات انجام شده جهت اطلاع‌رسانی عمومی در مورد توان‌تک کافی نبوده و جا داشت که افراد بیشتری با این رویداد آشنا شده و در آن شرکت کنند. او ادامه می‌دهد: شاید با فعالیت بیشتر و بهتر در شبکه‌های اجتماعی و نشریات می‌شد افراد بیشتری را با این رویداد آشنا کرد و دانش عموم جامعه را از مشکلات توانیابان افزایش داد.

کیان شلیله مدیر تیم رشد شرکت نوآوا می‌گوید: «به پیشنهاد یکی از دوستان در تیم برگزاری توان‌تک، کارگاه شیوه ارائه برای سرمایه‌گذاران را با هدف بهبود ارائه تیم‌ها در اختتامیه رویداد برگزار کردیم و بر اساس صحبت‌هایی که با تیم‌ها داشتیم و تغییراتی که در فایل‌های ارائه‌شده بعد از کارگاه انجام شد می‌توان گفت تا حد خوبی به اهداف مورد نظرمون در کارگاه رسیدیم».

شلیله در مورد میزان استقبال شرکت‌کنندگان از این کارگاه گفت: تقریباً تمام صندلی‌های اتاق کارگاه پر شده بود و اکثر شرکت‌کنندگان فعالانه





مسئولیت‌پذیری اجتماعی

چه منافعی برای شرکت‌ها دارد؟

محمد شهبابی فراهانی (مشاور مدیریت و مسئولیت اجتماعی)

مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ به یکی از شاخص‌های عملکرد کسب‌وکارها در عصر فعلی تبدیل شده است. اگر بخواهیم مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به طور ساده توضیح دهیم، به معنی تعهد و التزام شرکت‌ها به روش‌ها یا راهکارهایی است که در کنار کسب سود، منافع جامعه را هم لحاظ کند. این تعهد شامل توجه به محیط زیست، محیط بازار فعالیت‌های شرکت، محیط کار در شرکت‌ها و رفع نیازها و مشکلات جوامع محلی است. منافع مسئولیت اجتماعی و تعهد به جامعه، در بلندمدت در قالب رشد محیط پیرامونی کسب‌وکار به خود آن‌ها باز می‌گردد. اگر جامعه سالم و رو به رشد باشد، کسب‌وکار هم در محیط مساعدتری فعالیت می‌کند و به توسعه و رشد بلندمدت دست می‌یابد. اما گذشته از اثرات بلندمدت تعهد، مسئولیت اجتماعی فواید دیگری هم برای کسب‌وکارها دارد. ممکن است شرکت‌ها دلایل متفاوتی در رعایت مسئولیت اجتماعی برای خود ببینند، اما به طور کلی برای اینکه هیئت مدیره و مدیران کسب‌وکار مسئولیت اجتماعی را جزئی از کار سودآور خود قرار دهند می‌توان دلایل زیر را نام برد: اول اینکه شرکت‌ها می‌توانند با کسب اعتبار و شهرت اجتماعی از منافع مسئولیت‌پذیری اجتماعی بهره‌مند شوند. در نظرسنجی موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۱ از سطح دنیا، موسسات

1. CSR

مالی در پایین ترین سطح اعتماد مشتریان قرار داشته‌اند. با اینکه با ورود فناوری‌های جدید و رفع بحران اقتصادی، در نظر سنجی‌های بعدی اعتماد به موسسات مالی افزایش داشته همچنان این موسسات نسبت به صنایع دیگر وضعیت مطلوبی ندارند. از این جهت هم مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند به نقش بسیار موثری در جلب اعتماد عمومی و ارتقاء برند و جایگاه موسسات مالی داشته باشد.

جذب مشتریان جدید برای کسب‌وکارها هزینه بیشتری نسبت به حفظ مشتریان قدیمی دارد. بر همین اساس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند به حفظ وفاداری مشتریان به کسب‌وکارها کمک کند. علاوه بر این، پذیرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی ممکن است به افزایش فروش محصولات یا ارائه خدمات منجر شود. در اثر کسب حمایت مشتریان و راه‌اندازی کمپین‌های بازاریابی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی درآمد حاصل از خدمات یا محصولات شرکت بیشتر می‌شود.

بر اساس تحقیق موسسه نیلسون، دو سوم از مشتریان ترجیح می‌دهند از محصولات شرکت‌هایی خرید کنند که دغدغه‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی برایشان مهم است. موسسات مالی هم از این قاعده مستثنی نیستند و از آنجا که موسساتی مثل بانک‌ها مستقیماً با مشتریان در ارتباط هستند، اهمیت بیشتری در تأثیرگذاری بر مشتریان دارند. اقدامات مبتنی بر مسئولیت اجتماعی نه تنها برای جامعه مفید است، بلکه ارتباط با مشتریان را مستحکم‌تر می‌کند.

دوم اینکه، با ارائه محصولات یا خدماتی که دوستدار محیط‌زیست یا به نفع جامعه باشد، شرکت می‌تواند با رقبای خود ایجاد تمایز کند و به این طریق، قیمت‌گذاری متفاوتی برای محصولات داشته باشد. این قیمت‌گذاری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به معنی حاشیه سود بیشتر برای کسب‌وکارها است. یکی از بهترین نمونه‌ها در این باره تلاش شرکت غذایی نستله برای کاهش اسیدهای چرب در محصولات خود بوده است. این شرکت در تلاش برای ارائه محصولات غذایی سالم‌تر شروع به تولید محصولات جدیدی کرد که با واکنش مثبت بازار و اقبال بیشتر مشتریان برای محصولات این شرکت مواجه شد.

سوم اینکه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند منجر به ارتقای فرهنگ کاری در داخل شرکت‌ها و افزایش تعهد و وفاداری کارکنان به شرکت شود. پژوهش موسسه نیلسون نشان می‌دهد که ۶۲٪ از مردم ترجیح می‌دهند برای شرکت‌هایی کار کنند که شهرت و اعتبار اجتماعی خوبی داشته‌باشند. این داده‌ها برای جذب استعدادهای برتر در موسسات مالی بسیار مهم است، چرا که در این شرکت‌ها موسسات، نقش نیروی انسانی در رشد و سودآوری بسیار مهم است. تدوین و اجرای برنامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی که در آن‌ها مشارکت کارکنان بالابردن جو اخلاقی و تعهد اجتماعی سازمان پیش‌بینی شده باشد موجب بهبود و ارتقاء سرمایه انسانی خواهد شد.

منابع:

Herzig, C. and Moon, J., 2011. Corporate social responsibility, the financial sector and economic recession. In Financial Services Research Forum.

En.finance.sia-partners.com. (2018). Corporate Social Responsibility (CSR) & Sustainability within Banking | Banking & Insurance. [online] Available at: <http://en.finance.sia-partners.com/corporate-social-responsibility-csr-sustainability-within-banking> [Accessed 16 Mar. 2018]. Bizjournals.com. (2018). [online] Available at <https://www.bizjournals.com/charlotte/news/2017/12/06/3-major-benefits-of-corporate-social.html> [Accessed 16 Mar. 2018].



امیر صادق (آرش) توفیقی سال‌ها پیش از ناحیه پای راست دچار آسیب شد و همین اتفاق باعث آشنایی او با رعد گردید. از بدو ورود به موسسه رعد در سال ۷۴ به قول خودش پایش در رعد گیر کرد و در آنجا ماندگار شد. این گفت‌وگو داستان گیر کردن دل او در موسسه رعد است که آن را می‌خوانید:

یک آشنایی و سال‌ها همکاری!

کامپیوتری تبدیل کنیم. در این کار آقایان مهندس محمود توسلی و احسان توسلی و امید علایی خیلی به ما کمک کردند. بالاخره سایت رعد راه افتاد و من هم به عنوان سوپروایزر سایت شروع به کار کردم. در آن زمان یعنی در سال‌های ۷۴-۷۵، مریانی در رعد حضور داشتند که از جان و دل کار می‌کردند. نمونه آن مهندس غیائی بودند که برای رعد یک اسطوره هستند و کلاس‌های اتوکید را به‌طور رایگان و با شور و شوق خاصی یاد می‌دادند. در همان زمان بچه‌های زیادی مشغول به کار شدند و هنوز هم مشغول به کار هستند. آقایان مهندس قاسمی، مهندس کلابی و مهندس اکبری و دوستان دیگر هم از همین نمونه‌ها هستند. این افراد چنان با جان و دل تدریس می‌کردند که دانش‌آموزان ایشان اکثراً جذب بازار کار شدند و انشالله هرکجا که هستند موفق و پیروز باشند.

در آن موقع سه کلاس در حوزه کامپیوتر در رعد وجود داشت: مبانی کامپیوتر، اتوکید و زنگار 3DS. در آن کلاس‌ها هرچه بلد بودیم به بچه‌ها یاد می‌دادیم. اینترنت تازه آمده بود و کسی اینترنت نداشت، کلاسی تشکیل

آن دوره، دوره شکوفایی رعد بود که نتیجه آن را دیدیم. چون بچه‌ها اکثراً سرکار می‌رفتند و کسانی که آنها را به کار گرفته بودند باز هم از رعد نیرو می‌خواستند

کار کردم، در همان موقع رعد یزد نیز شروع به کار کرد که من چند کامپیوتر با خودم بردم و آنجا را راه اندازی کردم. کم کم مسئولین رعد بیشتر به من اعتماد کردند و کارم بیشتر شد به‌طوریکه مسئول شورای آموزش رعد نیز شدم.

کامپیوترهایی که در آن زمان در رعد وجود داشت قدیمی بود، من و مهندس جاهد چندین شبانه روز کار کردیم تا توانستیم سیستم کامپیوتری را به شبکه

لطفا خودتان را معرفی کنید و در مورد آشنایی خود با موسسه رعد بگویید؟

امیر صادق توفیقی هستم. برحسب اتفاق در نمایشگاه بین‌المللی با غرفه رعد آشنا شدم و چون این مجتمع نزدیک محل زندگیم بود، به آنجا مراجعه کردم. در آن زمان مدیر عامل رعد آقای منصوریان و مسئول سایت کامپیوتر رعد، مهندس اکبری بودند. ساختمان رعد در آن زمان به شکل کنونی نبود و تنها سه یا چهار اتاق داشت و بقیه قسمت‌ها در حال ساخت بودند. من در کلاس مبانی کامپیوتر که آقای مهندس ممحنتی استاد آن بودند، ثبت نام کردم و ارتباطم با رعد را شد.

در آن کلاس با بچه‌ها ارتباط خوبی برقرار کردم و در رفع مشکلات درسی به بقیه کمک می‌کردم. تازه دیپلم گرفته بودم که به رعد آمدم. از آنجا که قبلاً با کامپیوتر آشنا بودم به تدریج در دانش کامپیوتر مهارت بیشتری پیدا کردم، به‌طوری‌که که اگر نیاز بود به مسئول سایت هم رعد هم کمک می‌کردم. وقتی آقای مهندس جاهد سرپرست سایت رعد شدند، من به عنوان دستیار در کنار ایشان بودم. سال ۷۶ به عنوان مسئول سایت کامپیوتر رعد شروع به



را تهیه کنند.

استقبال بچه‌ها از کلاس‌های شما چگونه است؟

استقبال آنها خوب است. ولی هنوز کار با کامپیوتر برای خیلی از آنها راحت نیست. من از بچه‌هایی که در در کلاس اتوكد شرکت می‌کنند نسبت به بقیه راضی‌تر هستم. چون وقتی من نیستم هم خودشان درمورد کارشان فکرو بحث می‌کنند و این یعنی علاقمند به تسلط در آن هستند. خیلی علاقه دارم که این گروه را به سمت طراحی داخلی ساختمان حرفه‌ای پرکار و پول‌ساز است. بچه‌ها با دو نرم افزار اتوكد و تری دی و مقداری مهارت طراحی می‌توانند این کار را براحتی انجام دهند.

به غیر از شما چه کسانی در رشته کامپیوتر در موسسه رعد تدریس می‌کنند؟

خانم اکبریور و آقای وحیدی هم از اساتید دیگر مجموعه هستند که طراحی وب و طراحی با رایانه را درس می‌دهند. تلاش همه ما این است که بچه‌ها همه فن حریف باشند. به بچه‌ها می‌گویم حالا که امکانات رعد در اختیار شماست سعی کنید همه دوره‌های کامپیوتری را بگذرانید. فردی که دوره‌های کامپیوتری را به صورت خاص بلد باشد، به تایپ کردن مسلط باشد و نحوه جوابگویی به تلفن را بداند و کمی هم زبان بلد باشد هیچ وقت بی‌کار نمی‌ماند. همه دنبال چنین نیروهایی می‌گردند.

پس به نظر شما کارآموزان رعد پس از گذراندن این آموزش‌ها توانایی کار در بازار کار را دارند؟

بله. صد درصد این توانایی را دارند. من حداقل در مورد بچه‌های کلاس خودم می‌توانم این ادعا را داشته باشم و حتی مسئولین محترم رعد بارها از کلاس و خروجی‌های کارآموزان کلاس بارها بازدید داشته‌اند. بچه‌هایی در کلاس داشتیم که هنوز درسشان تم نکرده، سرکار رفتند.

به نظر شما بحث اشتغال حمایت شده که در رعد دنبال می‌شود، چه کمکی به اشتغال کارآموزان خواهد کرد؟

اشتغال حمایت شده که به همت خانم پناهی مدیرعامل رعد در ایران مطرح شده و در رعد بنیان گذاشته شده، این امیدواری را به وجود آورده که افراد بیشتری به اشتغال برسند. چون ما واقعا کارآموزان مستعد و با دانشی

علاقه دارم که این گروه را به سمت طراحی داخلی ساختمان راهنمایی کنم. طراحی داخلی ساختمان حرفه‌ای پردرآمد و پول‌ساز است. کارآموزان با دو نرم افزار اتوكد و 3D Studio و مقداری مهارت طراحی می‌توانند این کار را به راحتی انجام دهند

گرفتم کمی به خودم استراحت دهم. در همان زمان طی ملاقاتی که با آقای محمود توسلی در رعد داشتیم به من پیشنهاد دادند که به رعد برگردم و دوباره تدریس را شروع کنم. من هم با توجه به علاقه‌ای که همیشه به رعد داشتم، قبول کردم و از سال ۹۶ دوباره همکاری‌ام را با این مرکز شروع کردم.

تدریس چه دروسی در رعد برعهده شماست؟

در حال حاضر کلاس ICDL یک و دو، کلاس تایپ کامپیوتری، اتوكد و کلاس کامپیوتر کاربردی را هم تدریس می‌کنم که البته شیوه تدریس من کمی متفاوت است و تمام تلاش من این است که کارآموزان حتی بعد از کلاس ICDL 1 نیز بتوانند جذب بازار کار شوند. تمام سعی خود را به کار می‌برم که کارآموزان این کلاس‌ها یک سرو گردن از بقیه بالاتر باشند. تلاش می‌کنم بچه‌ها در این کلاس‌ها خودشان استاد شوند و آن قدر تلاش کنند که بتوانند کارهای بزرگتر را انجام بدهند. گاهی در کلاس فقط تیتراژ درسی را می‌نویسم و از بچه‌ها می‌خواهم که آنها بگویند این قسمت چه کاری انجام می‌دهد؟ و ذهن کارآموزان را درگیر موضوعات می‌کنم تا بیشتر و بیشتر به کامپیوتر نزدیک و به مشکلات آن غلبه کنند. تلاشم این است که بچه‌ها آنقدر با کامپیوتر نزدیک شوند که کار با آن مثل آب خوردن باشد. من آنها را به تحقیق و پژوهش تشویق می‌کنم، از آنها می‌خواهم به بازار کامپیوتر بروند و ببینند برای جمع آوری قطعات یک کامپیوتر چه چیزهایی لازم است. می‌گویم اگر شرایطتان جور نیست که بتوانید بروید، زنگ بزنید و اطلاعات کسب کنید. می‌گویم آن قدر در این زمینه باید مسلط شوید که مورد مشورت کسانی قرار بگیرند که می‌خواهند کامپیوتر یا تجهیزات مرتبط

دادیم و از میان کامپیوترهای ضعیف چند کامپیوتر را سرهم کردیم که بچه‌ها اینترنت یاد بگیرند. واقعا آن دوره، دوره شکوفایی رعد بود و نتیجه آن را هم دیدیم. بچه‌ها اکثرا سرکار می‌رفتند و کسانی که آنها رابه کار گرفته بودند، بازهم از رعد نیرو می‌خواستند.

آیا به تحصیلتان هم ادامه دادید؟

من بلافاصله بعد از دیپلم به رعد آمدم و مشغول به کار شده بودم. البته من دوره حسابداری و زرنگار را هم در رعد گذراندم. مشوق من برای ادامه تحصیل خانم ذکایی مدیر داخلی رعد بودند و مرتب از من می‌پرسیدند: پس توکی می‌خواهی به دانشگاه بروی؟ حقیقتا سال اول که کنکور سراسری را به طرز عجیبی از دست دادم و نتوانستم در آزمون شرکت کنم ولی در ادامه هر سال دانشگاه آزاد قبول می‌شدم مثلا رشته مهندسی نساجی ولی به دلیل مخالفت خانواده با ادامه تحصیل من در این رشته، انصراف داده و دوباره کنکور دادم این بار رشته کامپیوتر یزد قبول شدم ولی به دلیل علاقه وافر من به رعد از تهران خارج نشدم. بالاخره در رشته معماری در مقطع فوق دیپلم قبول شدم. فوق دیپلم گرفتم و پس از آن هم مهندسی عمران خواندم. در کنار فعالیتم در رعد نرم افزارهای تخصصی را نیز که مطابق با رشته تحصیلی‌ام بود در آموزشگاه‌های معتبر گذراندم. از سال ۷۶ بود که رسما در رعد شروع به کار کردم. تا سال ۸۰، هم به عنوان مسئول سایت و هم مدرس و مسئول شورای آموزش در رعد کار کردم.

هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه باز هم در رعد کار می‌کردید؟

تا مدتی بودم ولی بعد چون در رشته معماری و بعد مهندسی عمران مشغول به کار شده بودم و حوزه کاری‌ام عوض شده بود، وقفه‌ای در کار با رعد برایم پیش آمد. البته دورادور از رعد خبر داشتم. بعد از من آقای ممتحنی مسئول سایت شدند. من هم که کار حرفه‌ای خود را آغاز کرده بودم در شرکت‌های بزرگی همچون ایران خودرو سازه، عمران اطلس ایرانیان، گروه مهندسی لوتوس و یک شرکت آلمانی که نمایندگی محصولات صنعتی در ایران را داشتند مشغول به فعالیت بودم.

چه شد که به رعد برگشتید؟

من بعد از مدتی که در حوزه کاری‌ام که ساختمان بود مشغول بودم، تصمیم



اگر صحبتی با بچه‌ها دارید بفرمایید؟

من یک توصیه برای بچه‌ها دارم و آن این‌که در حال حاضر سطح کاری کسانی که در شرکت‌های مختلف مشغول کار هستند، اصلاً بالا نیست و اگر بچه‌ها کمی روی توانمندی و اعتماد به نفس خود کار کنند، بلاشک می‌توانند حضور جدی در بازار کار داشته باشند. من خودم زمانی که کارفرما بودم و برای شرکت‌های مختلف جذب نیرو کرده‌ام می‌توانم بگویم که اصلاً نیروهایی که کارفرما نیاز دارد یا وجود ندارد یا بسیار کم هستند که نیازهای کارفرما را برآورده سازند و آنها از سرناچاری بعضی نیروها را می‌گیرند. پس در صورتی که بچه‌ها در کلاس‌های مفید و کاربردی که رعد به رایگان در اختیارشان قرار داده استفاده کنند، تمرین کنند و اعتماد به نفس داشته باشند، بازار کار مناسبی برای آنها وجود خواهد داشت.

من در اینجا لازم می‌دانم از بنیان‌گذاران رعد در سال‌های شروع جنگ تشکر کنم، که میراث تفکرات آنان است که به اینجا رسیده و امید است که در سال‌های آتی نیز در رعد شاهد پیشرفت‌های بیشتر و بهتری باشیم که سخت‌افزار آن و حامیان آنها وجود دارند و در نتیجه می‌توانیم بیش از پیش به آینده این مجتمع آموزشی و نیکوکاری امید ببینیم.

من همیشه به بچه‌ها می‌گویم که سطح کاری کسانی که در شرکت‌های مختلف مشغول کار هستند اصلاً بالا نیست و اگر آنها کمی روی توانمندی‌ها و اعتماد به نفس خود کار کنند، بلاشک می‌توانند جای خوبی در بازار کار بدست بیاورند چون رعد امکان آموزش رایگان تمام دروس نرم افزاری کاربردی را مهیا ساخته است

آیا شما به عنوان همیار شغلی، در رویکرد اشتغال حمایت شده هم در رعد فعالیت می‌کنید؟

بله، من در کلاس‌های مربوط به اشتغال حمایت شده سرکار خانم پناهی و هم‌چنین دوره‌های دیگر نیز شرکت کرده‌ام و همیار شغلی چند نفر از کارآموزان هستم. امیدوارم در آینده بتوانم در این حوزه بیشتر متمرکز باشم.

داریم که می‌توانند به خوبی از پس مشاغل مرتبط بر بیایند و اشتغال حمایت شده به بچه‌ها کمک می‌کند که یک بار دیگر، خودشان و توانمندی‌های خود را بشناسند و جذب بازار کار شوند. مشکلی که در جامعه ما و نه فقط در توانیابان وجود دارد این است که هیچ‌کس توانمندی خود را نمی‌شناسد و قدمی هم برای شناسایی و یا ارتقای توانمندیش بر نمی‌دارد. فقط انتظار دارند جذب بازار کار شود.

الان رویکرد اشتغال حمایت شده، کمک می‌کند تا تفکرات و آرزوها به روی کاغذ بیایند و از ذهن خارج شود. وقتی روی کاغذ بیاید تازه فرد متوجه می‌شود که چه کاری باید انجام دهد تا به آرزوهایش برسد. چیزی که من همیشه به بچه‌ها می‌گویم این است که توانایی‌هایتان را ابراز کنید، جرات داشته باشید و در باره آنچه بلدید صحبت کنید تا مثلاً اگر در خانه‌ای کامپیوتری خراب شد از شما بخواهند که آن را تعمیر کنید یا حداقل مشکل را تشخیص دهید. اگر این دیدگاه وجود داشته باشد، بچه‌ها خودشان کار را پیدا می‌کنند. البته ما با کمک فرآیندهای اشتغال حمایت‌شده به آنها کمک می‌کنیم که سریع‌تر مشغول به کار شوند.

در ادامه گفت‌وگو با استاد کلاس اتوکد، با دو نفر از کارآموزان این کلاس هم صحبت کردیم.

داده می‌شود. در دانشگاه فقط جزوه‌ای داده می‌شد و ما هم پروژه‌ای تحویل می‌دادیم و تمام می‌شد. ولی اینجا مجبورم کار را درست تحویل بدهم. او در ادامه می‌افزاید: دوست دارم در این زمینه به کار مشغول شوم چون احساس مفید بودن می‌کنم. بیماری‌ها را به گونه‌ای است که هم ذهن و هم جسم را ناتوان می‌کند و من نمی‌خواهم به این مرحله برسم و امیدوارم بتوانم کاری متناسب با علاقه و توانایی‌ام پیدا کنم.

زهرا روزبهانی، دیگر کارآموز کلاس، بیست و پنج ساله و لیسانس زیست‌شناسی دارد. او هم از طریق اینترنت با رعد آشنا شده و در کلاس‌های کامپیوتر ثبت نام کرده است. یک سال است که به رعد می‌آید و هدفش از آمدن به این کلاس‌ها یادگیری بیشتر است. او علاقه دارد در حوزه کامپیوتر کار یاد بگیرد و سرکار برود. زهرا می‌گوید: من کلاس‌های رایانه کار یک و دو و هم‌چنین کلاس اتوکد را با آقای توفیقی گذرانده‌ام و در این حوزه کاملاً مسلط شده‌ام و می‌دانم که از پس کار برمی‌آیم. زهرا ادامه می‌دهد، می‌خواهم تحصیلم را هم ادامه دهم و در رشته ژنتیک کارشناسی ارشد بگیرم.

افسانه قورچیان، کارشناس IT و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی در دانشگاه غیرانتفاعی مهرالبرز است. او از تابستان گذشته به رعد آمده است. او می‌گوید: من عضو انجمن ام اس هستم و به دنبال مرکزی بودم که با هزینه کمتر بتوانم از کلاس‌های آموزشی در حوزه کامپیوتر استفاده کنم. افسانه ادامه می‌دهد، به دلیل این‌که یک دوره افسردگی یک ساله را سپری کرده بودم، برای این‌که بهانه‌ای برای بیرون آمدن از خانه پیدا کنم، دنبال کلاس بودم. از طریق سایت رعد با این مرکز آشنا شدم و ثبت نام کردم. ابتدا از کلاس ورد شروع کردم. الان هم طراحی وب را می‌خوانم و هم در کلاس اتوکد شرکت می‌کنم. در آینده هم کلاس‌های تری‌دی را ادامه خواهیم داد.

قورچیان از کیفیت آموزش‌های ارائه شده در کلاس‌های رعد بسیار راضی است و می‌گوید: "به نظر من رفتن به دانشگاه فقط به درد مدرک گرفتن می‌خورد. من طراحی وب را در دوره کارشناسی خوانده بودم و تری‌دی را در هم دوره‌های مجازی آموزش دیده‌بودم. ولی در این‌جا خیلی بهتر از دوران دانشجویی و حتی الان که ارشد می‌خوانم، درس را یاد می‌گیرم. چون علمی‌تر و عمیق‌تر درس





جای زخمش به دلم مانده دگر بیش مزن
 میوه‌ها از سبد افتاده تو هم نیش مزن
 آه ای دل به غمت خو کن در جاده عشق
 این قدر دم ز غم و ناله و تشویش مزن
 یادگاری ست که از روز ازل داد به تو
 شکر حق کن و نمک بر جگر خویش مزن
 ناله کم کن که دگر خسته ز زندان تنم
 مزده‌ای ده، تو دگر حرف پس و پیش مزن
 شاد باشد دل مولود چو غم درگذر است
 زخم کاری تو دگر بر غزل خویش مزن

مولود مولوی

واقعیت این است
 من که از دورترین عمق جهان می‌آیم
 در خودم می‌نگرم
 آب و آینه یکی‌ست
 شادمانی اینجاست
 هرکسی رفت به جایی که جهان درک کند
 کار بیهوده بود راه به جایی نبرد
 سبزه و آینه و آتش و خاک
 و جهان را ز درون تو و من می‌جویم
 چه زیبا و دل‌انگیز جهان از دل ما می‌روید!!

مولود مولوی



نوید قومورلو از کارآموختگان توانایی است که فعلا در شرکت حامیسان مشغول به کار است. او که با رویکرد اشتغال حمایت شده در این شرکت مشغول به کار شده، در این گفت‌وگو از چگونگی آشناییش با رعد و رفتنش به سر کار و برنامه‌های آینده‌اش می‌گوید.

در کار نسبت به خودم سختگیرتر از کارفرمایم هستم!

از کار خودت راضی هستی؟ ارتباطت با همکاران چگونه است؟

من از کارم بسیار راضی هستم. البته کارم سخت است، ولی خوشبختانه محیط کاریم دلنشین و همکاران خوبی دارم که انجام کار را برایم راحت کرده‌است. من با همکاران و مدیران شرکت ارتباطات بسیار خوبی دارم. آنها در عین حال که کار را با جدیت پی‌گیری می‌کنند، ولی روابطمان بسیار خوب و دوستانه است. هرچه می‌گذرد در کار مسلط‌تر می‌شوم و انجامش برایم راحت‌تر می‌شود. الان در سرآزیری کارم افتاده‌ام.

همیار شغلی من، خانم غفوریان بودند. قبل از اینکه برای کار معرفی شوم ایشان جلسات زیادی با من داشتند و به من کمک کردند تا اهدافم را تعیین کنم و در تحقق اهدافم کمک‌های بسیاری به من کردند

چگونه به شرکت حامیسان معرفی شدید؟

زمانی که به کلاس‌های رعد می‌آمدم از طریق آموزش، به دفتر کارآفرینی معرفی شدم. در این دفتر پرونده تشکیل دادم و چون به دنبال کار بودم، به شرکت حامیسان معرفی‌ام کردند. ابتدا مدیر منابع انسانی شرکت با من مصاحبه کرد و قرار شد که به صورت دورکاری همکاری کنم. ولی چون خودم علاقه به کار حضوری داشتم با پیگیری‌های دفتر کارآفرینی قرار شد به صورت حضوری در شرکت کار کنم. من از ساعت پنج بعد از ظهر

در حال حاضر مشغول به کار هستی. کمی در مورد کارت صحبت کن. در شرکت حامیسان به چه کاری مشغولی؟

من به عنوان اپراتور، پشتیبانی مرکز تماس در شرکت حامیسان را برعهده دارم. مشتریان با ما تماس می‌گیرند و مشکلاتشان را به ما اعلام می‌کنند و ما با توجه به آموزش‌هایی که دیده‌ایم آنها را راهنمایی می‌کنیم.

چگونه با مجتمع رعد آشنا شدی؟

من از طریق یکی از دوستانم ازسبزه سال پیش با این مرکز آشنا شدم. او به من گفت مرکزی به نام رعد وجود دارد که به افرادی که معلولیت دارند، آموزش‌های رایگان ارائه می‌دهد. همان زمان به رعد آمدم و در کلاس‌های مختلفی ثبت نام کردم. رعد دوره‌های آموزشی مفید و محیط خوب و مناسبی را برای افراد دارای معلولیت که می‌خواهند وارد حوزه اشتغال شوند، مهیا کرده‌است. از وقتی به رعد آمدم، علاوه بر کلاس‌های آموزشی از خدمات توانبخشی و کاردرمانی این مرکز نیز استفاده کردم.

چه دوره‌هایی را در رعد گذرانده‌ای؟

قبل از آمدن به رعد دوره‌های ICDL را گذرانده بودم ولی در رعد رایانه کاردرجه یک و دو را گذراندم و مدرک گرفتم. البته به کلاس زبان و یک سری کلاس‌های متفرقه هم می‌آمدم که مدرک رسمی نداشت. رشته زبان و کامپیوتر، دو رشته مورد علاقه من است و دوست دارم در این رشته‌ها ادامه تحصیل بدهم. البته این برنامه بلند مدت من است.



تا حدود یازده و نیم شب کار می‌کنم و شیفت شب هستم.

شما سه سال قبل در شرکت حامیسان استخدام شدید. در آن زمان برای ورود به کار همیار شغلی هم داشتید تا قبل و بعد از شروع به کار در کنار شما باشد؟

بله. همیار شغلی من، خانم غفوریان بودند. قبل از اینکه برای کارم معرفی شوم ایشان جلسات زیادی با من داشتند و به من کمک کردند تا اهدافم را تعیین کنم و در تحقق اهدافم به من بسیار کمک کردند. بعد از طی این مراحل ایشان مرا به حامیسان معرفی کردند. بعد از شروع به کار هم با من در ارتباط بودند و هر مشکلی که داشتم، چه از لحاظ روحی و چه از لحاظ کاری و فکری را با ایشان مطرح می‌کردم و مرا راهنمایی می‌کردند.

اگر لازم بود با کارفرما صحبت می‌کردند و اگر مشکل از طرف من بود مرا راهنمایی می‌کردند که چه کاری را باید انجام بدهم و چه کاری را نباید انجام بدهم. چنانچه نیاز به صحبت حضوری هم بود با ایشان قرار می‌گذاشتم و صحبت می‌کردیم. هر چه جلوتر رفتم این مشکلات کمتر شد و حالا هم اگر مشکلی پیش بیاید با آموزش‌هایی که گرفته‌ام سعی می‌کنم خودم مشکلاتم را حل کنم.

آیا شما دوره ای را هم به عنوان کارورزی در حامیسان گذراندید؟

بله. به هر حال هر کسی که وارد بازار کار می‌شود باید یک دوره‌ای کارآموزی کند. من هم این دوره را گذراندم ولی در این دوره حقوق هم می‌گرفتم. یعنی در قراردادی که بعداً تنظیم شد دوره کارورزی را هم شامل شد و قرارداد بیمه هم از همان زمان منعقد گردید. ^۱

به غیر از شما افراد دیگری هم از رعد در حامیسان مشغول به کار هستند؟
قبلاً چند نفری بودند ولی الان خیر.

چرا؟

من دلیلش را نمی‌دانم و نمی‌توانم قضاوت کنم. احتمالاً مشکل از طرف خود بچه‌ها بوده چون در این مدت که من در این شرکت مشغول به کارم مشکل غیرقابل حلی نداشتم. بیمه‌ام از اول برقرار بوده، حقوقم مثل بقیه پرداخت شده و هر زمانی مشکلی داشتم سریع‌تر از بقیه به آن رسیدگی شده‌است. ممکن است به مشکلاتی در کار برخورد کرده باشم ولی این مشکلات را هم به کمک خانم غفوریان و خانم رستگار که همیار شغلی من هستند بر طرف شده‌است. به هر حال هر کاری سختی‌هایی دارد و این سختی‌ها برای همه هست. شاید خود بچه‌ها

من خودم نسبت به خودم بیشتر از کارفرما سخت‌گیری می‌کنم و اگر مشکلی در کارم باشد، سعی در رفع آن دارم

نتوانسته‌اند با شرایط کاری کنار بیایند.

آیا محیط کار شما برای افرادی که معلولیت دارند مناسب‌سازی شده‌است؟

برای من محیط شرکت مناسب است. البته من نیاز به مناسب‌سازی خاصی ندارم. ورودی شرکت دو تا پله کوچک دارد که برای من مشکلی ایجاد نمی‌کند. شاید برای افراد ویلچری مشکل باشد ولی برای افرادی که با عصا یا واکر رفت و آمد می‌کنند، مشکلی نیست.

با توجه به اینکه حامیسان دوباره یک دوره آموزشی برای جذب کارجویان رعد گذاشته شما چه توصیه‌ای به کسانی که دوست دارند در این شرکت کار کنند دارید؟

من سه سال است که در این شرکت کار می‌کنم و با محیط کار آن آشنا هستم. به هر حال شاید برای کسانی که تا به حال در محیط کار وارد نشده‌اند و همیشه در خانه بوده‌اند و حداکثر فقط در کلاس‌های رعد شرکت داشته‌اند و هیچ وقت کار جدی انجام نداده‌باشند، اولش سختی‌هایی داشته باشد ولی باید انعطاف‌پذیر بود و خیلی سخت نگرفت.

گاهی کاری را اشتباه انجام داده‌ام که به من تذکر دادند و من آن را برطرف کرده‌ام و مشکل حل شده‌است. یا گاهی احتیاج به دوره آموزشی داشتم که خودشان دوره را گذاشتند تا مشکلم برطرف بشود. به هر حال در هر جایی و در هر کاری سختی‌هایی وجود دارد. من خودم نسبت به خودم بیشتر از کارفرما سخت‌گیری می‌کنم و اگر مشکلی در کارم باشد، سعی در رفع آن دارم. اگر بچه‌ها خودشان کار را جدی بگیرند، نیازی به فشار از بیرون نیست و خیال کارفرما هم راحت می‌شود که این شخص کارش را به‌درستی انجام می‌دهد.

آیا آموزش‌هایی که در رعد دیدید در کارتان به شما کمک کرد؟

بله، تاثیرات زیادی داشت. ولی کار من در حامیسان با تلفن است. در این کار باید صبور بود و خیلی با حوصله به افراد توضیح داد. باید

گوش شنوا داشت و دانست که با هر فردی چطور صحبت کرد. این مسایل تا حدی به خصوصیت فردی اشخاص برمی‌گردد. ولی بودن در رعد در این موارد خیلی به من کمک کرد. من قبل از اینکه در حامیسان مشغول شوم در رعد نزد روانشناس رعد آموزش‌هایی در این موارد دیدم. با خانواده‌ام صحبت‌هایی انجام شد و این آموزش‌ها در موفقیت من تاثیرگذار بود و باعث رشد کاری من شد. دوره‌هایی که در رعد گذراندم هم در افزایش اعتماد به نفس من تاثیرگذار بود.

نقش خانواده در موفقیت شما چگونه بوده‌است؟

من تنها فرزند خانواده هستم و خانواده در مراحل مختلف زندگی و در دوران تحصیل، از هیچ نظر برایم کم نگذاشتند و هر کاری که از دستشان بر می‌آمد را انجام دادند. من در هنرستان در رشته کامپیوتر دیپلم گرفتم و مدرک رایانه کاردرجه یک و دو را در رعد گرفتم. از ابتدایی تا سوم هنرستان را در مدارس عادی درس خواندم.

در دوران تحصیل ارتباط با سایر دانش آموزان چگونه بود؟

به هر حال چه در دبستان و چه در هنرستان بچه‌های شیطانی بودند که باعث آزار و اذیت من می‌شدند. همین باعث شده بود که من در هر مقطعی بیش از یکی دو نفر دوست نداشتم و بیشتر تنها بودم. ولی خوشبختانه آشنایی‌ام با رعد باعث شد که این تنهایی‌ها در من اثر بدی نگذارد و بتوانم وارد جامعه بشوم. در رعد دوستان زیادی پیدا کردم. چون در این‌جا همه به نوعی با مشکلات جسمی روبه‌رو هستند کسی، دیگری را تحقیر نمی‌کند.

چه برنامه‌ای برای آینده خود دارید؟

دوست ندارم تا کاری را انجام نداده‌ام خیلی درباره‌اش صحبت کنم. ولی برنامه آینده‌ام این است که بتوانم زبان انگلیسی را تقویت کنم و مدرک تافل بگیرم و در کنارش در فن ترجمه زبان انگلیسی هم مهارت لازم را کسب کنم. از دیگر برنامه‌هایم، تحصیل در رشته فناوری اطلاعات و ارتباطات است. چون رشته‌ای است که با توجه به نیاز جامعه امکان اشتغال در آن خیلی زیاد است.

چه پیشنهاد یا توصیه‌ای به دوستان خود دارید؟

به دوستان می‌گویم از سختی‌ها نترسند و به جلو بروند. تسلیم ناملایمات و سختی‌ها نشوند. بدانند در هر کاری سختی وجود دارد، باید بستند که آیا این سختی‌ها ارزش نتیجه‌ای را که در انتظار آن هستند دارد یا نه؟ اگر ارزشش را دارد دل به دریا بزنند و به جلو بروند.



وحید رجبلو، جوان باهوش کرجی است که با وجود ۹۸ درصد معلولیت توانسته استارت‌آپ ویژه‌ای برای افراد دارای معلولیت تولید کند که آنها بتوانند دنیای آرام‌تر و راحت‌تری داشته باشند. وحید با توان ۲۰ درصد از دست راستش کارهای مهمی را انجام می‌دهد. او که با بیماری ژنتیکی به دنیا آمد، به مرور قدرت دست و پایش را از دست داد. اما ۱۱ سال است که دست وحید توی جیب خودش است و یک تنه خرج زندگی و درمانش را با برنامه‌نویسی و طراحی وب می‌دهد. با او در رویداد «توان تک» که در موسسه رعد برگزار می‌شد آشنا شدیم. رویدادی که وحید توانست در مسابقه استارت‌آپ‌ها با استارت‌آپ ساخته خودش به نام «همیار مهر» نفر سوم شود. به همین بهانه سراغش رفتیم تا از این نخبه توان‌یاب بیشتر بدانیم.

استارت‌آپی که زندگی افراد دارای معلولیت را دگرگون می‌کند

ایده ساخت استارت‌آپ «همیار مهر» چطور به ذهنتان رسید؟

بعد از چندسالی که کار می‌کردم چون بیماری‌ام خیلی پیشرفت کرد، به فکراه‌اندازی سامانه‌ای به نام «همیارمهر» افتادم. با راه‌انداز این سایت مشاغل کل کشور مثل آرایشگاه‌ها، سوپرمارکت‌ها و خیلی‌های دیگری توانند اعلام آمادگی کنند که خدماتشان را در منزل به افراد دارای معلولیت ارائه دهند. مثلاً من می‌توانم با آرایشگاهی تماس بگیرم و بخواهم که فردی را به خانه‌ام بفرستند تا بیاید و به کارم رسیدگی کنم. در همین ایام به رویداد «توان تک» دعوت شدم. از من خواستند در این رویداد شرکت کنم و بین ۲۲ استارت‌آپ شرکت کننده، نفر سوم شدم. این رویداد خیلی موثر بود و باعث شد کارفرماها با توانایی‌های توانیابان آشنا شوند و آنها را به کار در شرکت خود دعوت کنند.

الان استارت‌آپ «همیارمهر» در چه وضعیتی قرار دارد؟ در حال حاضر نیاز به یک اسپانسر داریم تا بتوانیم کار

اوایل که درآمد خیلی کمتر بود به من می‌گفتند دلت خوش است. برای ۱۰ هزار تومان دوساعت پشت کامپیوتر می‌نشینی و به کمرت فشار می‌آوری، اما الان وضعیت فرق کرده است. اقوام زنگ می‌زنند و می‌گویند، رشته ما هم کامپیوتر است، بیا و دست ما را هم بگیر!

با وجود شرایط ویژه‌ای که داشتید تا چه مقطعی توانستید تحصیل کنید؟

تحصیلات مدرسه‌ای را بابت شرایط جسمی‌ام نتوانستم ادامه بدهم، چون مدارس ثبت نام نمی‌کردند. بنابراین تا دوم دبیرستان بیشتر درس خواندم که همان هم غیر حضوری بود. بعد از آن پای کامپیوتر نشستم و به طور خودآموز برنامه‌نویسی یاد گرفتم و وارد بازار کار شدم. زبان‌های تحت وب را هم خودم یاد گرفتم.

در زمان ورود به مدرسه به این میزان معلولیت نداشتید؟

آن زمان معلولیت من حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بود. اما الان به ۹۸ درصد رسیده است. یعنی فقط ۲۰ درصد دست راستم کار می‌کند که خیلی از آن استفاده می‌کنم. اگر دست راست را هم از دست بدهم، بی‌کار می‌شوم. از چه سالی کار می‌کنید؟ ۱۱ سال است که وارد بازار کار شدم. اما ۷ سال است که طراحی وب را انجام می‌دهم. همیشه تنها کار می‌کنم چون توان رفت و آمد را ندارم.





MEHR NEWS AGENCY
photo: Aref Fathiakbari

با راه انداز این سایت مشاغل کل کشور مثل آرایشگاه‌ها، سوپرمارکت‌ها و خیلی‌های دیگر می‌توانند اعلام آمادگی کنند که خدماتشان را در منزل به افراد دارای معلولیت ارائه دهند

داشت نه اینترنت و راهنمایی‌اش کردم که بتواند جور کند. حالا برنامه نویسی یاد گرفته و از این به بعد می‌تواند برای خودش کار کند.

حالا که توانستید سال‌ها با وجود معلولیت کار کنید از مسئولان چه درخواستی دارید؟

مسئولان وعده می‌دهند ولی پیگیری نمی‌کنند. من در شهرخودم اولین فرد دارای معلولیتی هستم که این کار را کردم. خواهش می‌کنم مسئولان کاری کنند که من زمین نخورم و بتوانم استارت‌آپم را بالا بیاورم. اگر بتوانم این کار را انجام دهم افتخار بزرگی است. واقعا سال‌ها سختی و تنهایی کشیدم.

اهداف و آرزوی شما برای آینده چیه؟ دوست دارید چه کاری انجام دهید؟

آرزو که زیاد دارم. اما هدفم این است که استارت‌آپم را بتوانم در سطح بالا نگهدارم. چون خیلی برایم مهم است و خیلی زحمت کشیدم. آرزو دارم زندگی برایم راحت‌تر شود. من خیلی سخت کار می‌کنم. ماهی ۲۰ جلسه باید کاردرمانی شوم تا دستم از کار نیفتد و هزینه این موضوع بالاست و اگر حواسم نباشد، دستم مثل باقی اعضای بدنم از کار می‌افتد. من و خانواده‌ام هیچوقت نمی‌توانیم سفر برویم چون هیچ شهری برای توانیابان مناسب سازی نیست. آرزو دارم حداقل بتوانم یک پرستار شخصی داشته‌باشم تا مستقل‌تر زندگی کنم و وابستگی‌ام به خانواده کمتر شود. اخیرا چند نفر را به تیم همیارمهر اضافه کردیم و انشاءالله از این به بعد کار را گروهی ادامه دهیم.

عطیه همتی، مجله مهر
۱۸ دیماه ۱۳۹۶

را به صورت کشوری پیاده کنیم. راه‌اندازی این کار در سطح وسیع، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون هزینه دارد. اما اگر این کار راه‌بیفتد، چندین برابر این پول بر می‌گردد و مشاغلی هم که در این حوزه ورود می‌کنند حتما رشد درآمد خواهند داشت.

بعد از دریافت جایزه چه حس و حالی داشتید؟

خیلی خوشحال شدم. هم خودم و هم خانواده‌ام. این استارت‌آپ مثل بچه من است و هر چقدر بزرگ‌تر شود بیشتر ذوق می‌کنم.

کسی هم در این سال‌ها دل‌سردتان کرده‌است؟

اوایل که درآمد خیلی کمتر بود به من می‌گفتند دلت خوش است. برای ۱۰ هزار تومان دوساعت پشت کامپیوتر می‌نشینی و به کمرت فشار می‌آوری، اما الان وضعیت فرق کرده‌است. اقوام زنگ می‌زنند و می‌گویند، رشته ما هم کامپیوتر است، بیا و دست ما را هم بگیر! آسب

می‌توانید به کسی هم برنامه‌نویسی آموزش بدهید؟

بله. در حال حاضر چند شاگرد توان‌یاب دارم. البته از آدم‌های عادی هزینه می‌گیرم ولی برای توان‌یاب‌ها رایگان است. یکی از شاگردانم را یکسال است آموزش دادم و در حال حاضر او توانسته اولین پروژه کاری‌اش را تحویل بگیرد. آشنایی ما باهم خیلی جالب است. یکبار در سایت دیوار می‌چرخیدم. در قسمت نیازمندی‌های خیریه یک نفر نوشته بود: من خیلی مشکل دارم و ناراحت هستم. از زندگی خسته هستم و معلولیت دارم. لطفا یک کاری به من بدهید. من گفتم کاری ندارم که به تو بدهم ولی می‌توانم آموزش دهم و پیام دادم اهل کار هستی؟ گفت: بله هرکاری بگویید انجام می‌دهم. بنده خدا نه لپ‌تاپ



موسسه خیریه کارآفرینان آرا شمیران توسط گروهی از دست‌اندرکاران حوزه اقتصادی و دانشگاهی که دغدغه مسئولیت اجتماعی دارند، از سال ۹۴ شروع به کار کرد. این خیریه با هدف ایجاد اشتغال برای گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه در رده سنی هجده تا سی سال فعالیت می‌کند. با مرجان فاضل‌زاده، مدیر عامل این مجموعه که خود از افراد تحصیل‌کرده در رشته روانشناسی و دارای سابقه کار با گروه‌های آسیب‌پذیر در سازمان بهزیستی است، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.



مرجان فاضل‌زاده، مدیر عامل انجمن آرا؛

همکاری با خیریه آرا بهترین اتفاق زندگی من بود

تعهدات اخلاقی و وجدان بیداری که دارند، تصمیم گرفتند خیریه‌ای را راه اندازی کرده و به عنوان مسئولیت اجتماعی فعالیتی را شروع کنند. در آن زمان من خودم در حوزه مشاوره با رویکرد روان‌کاوی کار می‌کردم ولی به مجموعه آرا اضافه شدم و بدون هر شعاری، می‌توانم بگویم که خیریه آرا بهترین اتفاق زندگی من بود. چون این شانس را به من داد که با گروه سنی که همیشه نسبت به آنها دغدغه داشتم، به شکل دیگری بتوانم ارتباط برقرار کنم.

آنچه برای موسسه‌ی خیریه آرا دارای ارزش است، حمایت بی‌چون و چر از جوانان با استعدادی است که به دلیل کمبود زیرساخت‌های مالی مناسب، امکان شکوفایی استعدادشان را جهت ورود به عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و بازار کار را نداشته‌اند

موسسه خیریه کارآفرینان آرا از چه سالی و با چه هدفی راه اندازی شد؟

موسسه خیریه کارآفرینان آرا شمیران، به‌طور غیر رسمی از سال ۸۹ فعالیتش را شروع کرد ولی فعالیت رسمی خود را با اخذ مجوز از سازمان بهزیستی از سال ۹۴ آغاز کرده‌است. آنچه برای موسسه‌ی خیریه آرا دارای ارزش است، حمایت بی‌چون و چر از جوانان با استعدادی است که به

زمان خیلی کم سن و سال بودم و مشکلات و ماجراهایی که فرزندان تحت حمایت سازمان بعد از ترخیص با آن روبه‌رو می‌شدند، ذهن مرا خیلی درگیر می‌کرد برای همین از بهزیستی بیرون آمدم. مدتی بعد گروهی از افراد خیر که از فعالان بخش اقتصادی هم هستند، براساس

خودتان را معرفی کنید و در مورد تحصیلات و سابقه کار خود بگویید؟

من مرجان فاضل‌زاده، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی هستم و یازده سال در حوزه مرتبط با رشته تحصیلی‌ام و به‌طور متمرکز در حوزه‌ها و گروه‌های هدف مرتبط از جمله گروه‌های هدف سازمان بهزیستی فعالیت داشتم. به‌طور مشخص من کارم را در قالب همیار با واحد توانبخشی سازمان بهزیستی شروع کردم و مددکار بچه‌های جسمی حرکتی در سازمان بهزیستی بودم و چهار سال هم در معاونت‌های مختلف سازمان کار روانشناسی و مددکاری انجام دادم. در واقع بیش از یک سال در معاونت توانبخشی و بعد از آن در معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی کار کردم.

چرا کار خود را در سازمان بهزیستی ادامه ندادید؟

من کار در معاونت توانبخشی را خیلی دوست داشتم ولی چون در آن



دلیل کمبود زیرساخت‌های مالی مناسب، امکان شکوفایی استعداد درونی‌شان را جهت ورود به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و بازار کار را ندارند.

در انجمن آرا هیچ نوع محدودیت جغرافیایی، ملیتی و نژادی برای فعالیتش وجود ندارد. برای تحقق این آرمان با تکیه بر لطف خداوند و با بهره‌گیری از تجارب نیروهای متعهد و متخصص و بلند نظر، خدماتی را ارائه می‌دهیم که در کمتر موسسه خیریه دیگری به آن پرداخته می‌شود.

امیدواریم که در آینده شاهد این نباشیم که جوانان توانمند به واسطه مشکلات مالی از دانش‌اندوزی، کارآموزی و کارورزی و ورود به بازار کار محروم باشند.

افراد تحت پوشش شما از چه مسیرهایی با شما تماس گرفته و تحت حمایت قرار می‌گیرند؟

این افراد از چند مسیر مشخص وارد خیریه می‌شوند. نخست افراد مستقل شده از سازمان بهزیستی که این گروه باید در سن ۱۸ سالگی سازمان را ترک کنند. دوم کودکان خیریه‌های کار و دانش‌آموزی که اینها هم بنا به تعریف این خیریه‌ها، تا ۱۸ سالگی تحت حمایت قرار می‌گیرند و سوم فرزندان تحت حمایت هر سازمان یا انجمن حمایتی که خدمات خود را فقط تا زیر ۱۸ سال ادامه می‌دهند.

انجمن آرا تا به حال چه تعدادی را پوشش داده‌است؟

حدود یک صد و هفتاد پرونده فعال داریم. تا پایان سال گذشته هم نزدیک به هشتصد نفر حداقل یک بار خدمات ارائه داده‌ایم. اما افرادی که دقیقاً در مسیر اشتغال تعریف شده‌اند قرار دارند صد و شصت و هشت نفر است.

چه خدماتی به افرادی که تحت پوشش شما قرار می‌گیرند ارائه می‌دهید؟

انجمن آرا موسسه‌ای است که با انگیزه‌ی رفع موانع پیش روی جوانان بی‌بضاعت و کم‌بضاعت در سنین ۱۸ تا ۳۰ سال، جهت ورود به دنیای کسب و کار و فراهم ساختن مقدمات برای رسیدن به زندگی ایمن و سالم فعالیت می‌کند.

برای دستیابی به این مهم فعالیت‌های موسسه در قالب

قسمت‌های مختلف کار
مثل اجرا و تولید محصول،
بازاریابی و فروش، طراحی سایت و
فضای مجازی آن برعهده
خود مددجویان است



برنامه‌هایی تبیین شده تا به صورت پیوسته و اصولی بتوانیم شاهد رشد چند سوبیه‌ی هریک از مددجویان در چهارچوب اهداف مد نظر باشیم. ۱- اولین مرحله از فعالیت موسسه، شناخت خصوصیات شخصیتی افراد تحت پوشش و آگاهی از نقاط ضعف و قوت و چالش‌های ذهنی مددجویان در حیطه‌ی روابط عاطفی، روابط اجتماعی و نهایتاً هدف‌گذاری شغلی در جهت کسب درآمد آن‌ها می‌باشد. در این مقطع با برگزاری جلسات مشاوره توسط کارشناسان متخصص تلاش می‌شود تا باورهای ذهنی مددجویان با اصول اولیه هدف‌گذاری در جنبه‌های متعدد روابط عاطفی (ارتباطات معنوی و انسانی) و دنیای کسب و کار مطابقت یابد.

۲- مرحله دوم، شناخت علاقمندی و استعداد مددجویان توسط مشاوره‌هایی که در بدو ورود صورت می‌گیرد و معرفی رشته‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای مطابق با علایق هر کدام از آنهاست.

شایان ذکر است که کلیه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به‌طور

کامل برون سپاری می‌گردد و موسسه‌ی خیریه آرا با انجام مذاکرات و پرداخت مستقیم هزینه‌های آموزشی به مراکز علمی و فنی حرفه‌ای، امکان استفاده از امکانات و فضاهای آموزشی در شاخه‌های مبتنی بر استعداد مددجویان را فراهم می‌آورد.

بدیهی‌ست پس از گذراندن این مراحل، مددجویان با مهارت‌هایی که کسب کرده‌اند، برای ورود به بازار کار آماده شده‌اند.

۳- در مرحله سوم، برای معرفی مددجویان آموزش‌دیده به واحدهای صنفی مختلف از طریق مذاکره و ایجاد فرصت کارآموزی تلاش می‌شود تا نهایتاً امکان ورود به بازار کار آنها مهیا شود.

پس از طی این مراحل می‌توان انتظار داشت که این عزیزان توان آن را پیدا کرده باشند تا با تکیه بر قابلیت‌ها و استعدادهای ذاتی خود که به هر دلیل تا امروز امکان شکوفایی آن برایشان میسر نبوده، در چرخه‌ی یک زندگی طبیعی خانوادگی و اجتماعی قرارگیرند و در فردایی نه چندان دور خود راهنما و راهبر گروهی دیگر باشند.

چه عناوینی را آموزش می‌دهید؟

مددجویان ما در بیش از پنجاه رشته آموزشی در حال تعلیم هستند. ما خودمان متولی آموزش به مددجویانمان نیستیم، بلکه آموزش‌ها را با تامین هزینه، برون‌سپاری می‌کنیم. با مراکز فنی که متولی آموزش هستند، مثل مراکز فنی حرفه‌ای قرارداد بسته‌ایم و بچه‌ها را به این مراکز معرفی می‌کنیم. بلافاصله پس از پایان دوره آموزشی برای آنها یک دوره کارورزی شش تا هشت ماهه متناسب با آموزشی که دیده‌اند در یک محیط کار واقعی در نظر می‌گیریم. یعنی اگر کسی بخواهد موتورسازی، خیاطی و یا آرایشگری یاد بگیرد، به جای این‌که او را به آموزشگاه معرفی کنیم، او را به آموزشگاه معرفی می‌کنیم تا در شرایط واقعی، همزمان هم کار کنند و هم آموزش ببینند. کم‌کم این افراد از یک کارآموز به یک شاگرد و بعد به یک کمک استاد و بعد هم به یک فرد ماهر در آن حرفه تبدیل می‌شوند. بعد از طی این مراحل معمولاً دو اتفاق می‌افتد، یا این فرد خودش را در محیط کار نشان داده و در همان محیط مشغول



به کار می شود و یا با یک تجربه کار واقعی و یک رزومه مناسب دنبال کار دیگری می‌گردد.

از تعداد افرادی که درانجمن آرا پرونده دارند، چند نفر دارای معلولیت هستند؟ آیا این افراد هم وارد بازار کار شده‌اند؟

تقریباً بیست درصد از مددجویان ما افرادی با انواع معلولیت مثل ناشنوایی، نابینایی و انواع معلولیت‌های جسمی و حرکتی هستند. بعضی از این افراد به اشتغال هم رسیده‌اند. مخصوصاً بچه‌هایی با مشکلات شنوایی و بینایی، گزینه‌های خوبی برای کارهای اپراتوری هستند و چون با شرایط خودشان سازگار هستند خیلی راحت توانسته‌ایم جذب کارشان کنیم. البته شرایط اشتغال در کشور ما در حال حاضر با مشکلات زیادی روبه‌روست، ولی ما تا آنجا که بتوانیم در این حوزه تلاش می‌کنیم. موسسه آرا یک کارآفرینی درون خیریه‌ای هم راه‌اندازی کرده که تمام نیروی انسانی آن از بچه‌های خودمان تامین شده‌اند.

در این کارگاه چه محصولاتی تولید می‌شوند؟

تولیدات این کارگاه هم سازه‌های بتونی به اشکال متنوع و مختلف و هم گلدان‌های تزئینی و هدایای تبلیغاتی برای شرکت‌ها و سازمان‌ها و عموم مردم است. قسمت‌های مختلف کار مثل اجرا و تولید محصول، بازاریابی و فروش، طراحی سایت و فضای مجازی آن بر عهده خود بچه‌هاست. در این فرآیند تعدادی از مددجویانمان به کار مشغول شده‌اند.

محصولات این کارگاه تحت عنوان خاصی ارائه می‌شوند؟

بله این محصولات با عنوان دیزاین شاپ زال که تولیدات کارگاه ماست، ارائه می‌شوند. یک عقیده‌ای پشت انتخاب اسمی به غیر از اسم خیریه آرا برای این کارگاه داشتیم. چون تصورات قبلی‌ام این بود که هر وقت صحبت از خرید از یک خیریه و یا خرید از فردی با شرایط خاص می‌شد، خیلی از مردم صرفاً چون می‌خواستند کمکی کنند و یا کار خیری انجام دهند، توقع کیفیت و زیبایی از کار نداشتند. هدف این بود که مشتریان بر مبنای کیفیت و زیبایی محصول را انتخاب کنند و بعد بفهمند که چه ماجرای پشت این کار هست. بچه‌ها خودشان بازاریابی می‌کنند و



است. من معتقدم در شرایط فعلی هم، گم شده بازارکار نداشتن مهارت مناسب افراد است. بنابراین هم زمان با مسیرهای آموزش شغلی که برای بچه‌ها انجام می‌دهیم، خدمات روانشناسی هم برای آنها پیگیری می‌کنیم. یعنی بچه‌ها همواره در کنار خودشان علاوه بر مددکار، یک نیروی روانشناس هم دارند که دائماً با آنها کار می‌کند. تجربه و پیش فرض ما در کارکردن با چنین افرادی این است که اغلب آنها به دلایل مختلف آسیب‌های روحی و روانی دیده‌اند و نقاط سیاهی که در روان آنها بوجود آمده خیلی قدرتمند جلوی ادامه مسیر موفقیت آنها را می‌گیرد. در انجمن آرا یک تیم روانشناس حرفه‌ای داریم که داوطلبانه و متعهدانه با مجموعه همکاری دارند و هر کدام گروهی از بچه‌ها را تحت نظر داشته و جلسات مشاوره و گروه درمانی منسجمی را جلو می‌برند.

لطفاً در مورد مددکار شغلی توضیح بیشتری بدهید؟

افرادی که به عنوان مددکار شغلی با این مجموعه همکاری می‌کنند، پرونده تعدادی از بچه‌ها را در اختیار قرار دارند. به عبارتی هر کدام از بچه‌ها بایک شخص معین در ارتباط هستند که این شخص از برقراری رابطه صمیمانه تا رابطه حرفه‌ای با بچه‌ها در ارتباط است. هدف این است که هم آنها را بشناسد و هم در ادامه مسیر به آنها کمک کند. همانطور که گفتیم به دلایل مختلف ممکن است این افراد نتوانند به تنهایی مسیرشان را تا آخر ادامه دهند. شناسایی این عوامل باز دارنده و کمک به رفع مسائل آنها بر عهده آن شخصی است که به او مددکار می‌گوییم.

آیا این افرادی که به عنوان مددکار شغلی فعالیت می‌کنند، آموزش‌های خاصی می‌بینند؟

بله، حتماً. هر کسی که به عنوان مددکار شغلی به این مجموعه اضافه می‌شود، چه نیروهای موظف که ثابت هستند و چه نیروهای داوطلب، حتماً یک سری آموزش‌هایی را می‌بینند که اگر نتوانستیم به بچه‌ها کمک کنیم، حداقل خودمان به آنها آسیب نزنیم. نیروهای مددکار گزارش‌هایی را به‌طور دائم از بازخوردها و اتفاقات و کارهایشان در جلساتی که در این

من معتقدم
حتی در شرایط فعلی،
گم شده بازارکار
نبودن افراد ماهر است

با سازمان‌ها و شرکت‌ها تماس گرفته و صحبت می‌کنند و هدایای تبلیغاتی مناسبی و کاملاً خلاقانه‌ای را برای آنها تهیه می‌کنند.

در این کارگاه چند نفر مشغول به کار هستند؟

در کارگاه بنا به شرایط و نیازمندی‌های کارگاه حدود بیست نفر در بخش‌های مختلف مشغول به فعالیت هستند.

آیا به غیر از سه دسته مشخص که ورودی‌های شما را تشکیل می‌دهند، سایر افراد نیازمند به کار هم می‌توانند به شما مراجعه کنند؟

سه گروه مشخص افرادی بودند که گفتیم. ولی پیش می‌آید که افرادی که از طرق دیگری به ما معرفی می‌شوند. در این موارد مددکاران که مسئول پذیرش هستند، وارد عمل می‌شوند و بررسی‌های لازم را در مورد این افراد انجام می‌دهند. در صورتی که شرایط این افراد با گروه‌های هدف مجموعه آرا نزدیک باشد، آنها هم پذیرش می‌شوند. البته همان‌طور که گفتیم افراد زیر هجده سال و بالای سی سال را گزینش نمی‌کنیم. چون زمان طلایی برای ورود به بازار کار سن هجده تا سی سال است. افراد در این سنین می‌توانند مهارتی را یاد بگیرند و به شغل مناسب برسند. تلاش ما این است که مشاغل تخصصی‌تر باشند، پیک موتوری برای پسران و نظافت منزل برای دختران را مشاغل ابتدایی می‌دانیم. چون بخش عمده‌ای از روی آوردن به چنین مشاغلی، عدم مهارت

رابطه برگزار می‌شود، ارائه می‌کنند. در این جلسات این افراد دورهم جمع می‌شوند و تجربیات خود را باهم در میان می‌گذارند. کارکردن با بچه‌های دارای ویژگی‌های خاص مشکلاتی دارد که بخش‌هایی از آن در کلاس‌های آموزشی مرتفع می‌شوند و بخش‌هایی را هم باید بتوانند در زمان رو به رو شدن با مسائل حل کنند.

چه تعداد مددکار دارید؟

ما شانزده نفر مددکار داریم که از این تعداد چهار نفر نیروی ثابت هستند و دوازده نفر دیگر به‌طور پاره وقت با ما همکاری دارند. آن چهار نفر ثابت غیر از این که مددکار تعدادی مددجو هستند، سرگروه دوازده نفر دیگر هم هستند و به کار آنها نظارت دارند.

آیا افرادی که به عنوان مددکار شغلی باشما همکاری می‌کنند، حتما باید مددکار باشند؟

این افراد حتما باید تحصیلاتی در زمینه مددکاری یا روانشناسی داشته باشند چون این مسیر آموزشی را برای ما ساده‌تر می‌کند. تا به حال سابقه نداشته که افرادی خارج از این دو گروه را جذب بکنیم، چون معتقدم که باید یک پیش فرض ذهنی وجود داشته باشد که براساس آن بتوانیم کار را پیش ببریم.

توضیحی درباره هیات مدیره و مدیر عامل انجمن بفرمایید؟

بنده به عنوان مدیر عامل در این مجموعه فعالیت می‌کنم و پنج نفر هم از افراد فعال در حوزه دانشگاهی و فضای اقتصادی اعضای هیات مدیره انجمن هستند. در واقع باید گفت قصه آرا از چند وجدان بیدار شروع شد که نتوانستند نسبت به مسائلی که در اطرافشان می‌گذرد، بی‌تفاوت باشند. چیزی که کم‌کم در اثر کار کردن با افراد هیات‌مدیره در من بوجود آمد، این بود که مگر می‌شود خدا را دوست داشت، ولی عاشق مخلوقاتش نبود؟ با این نگاه این افراد کنار هم جمع شدند و مجموعه را شکل دادند.

مخارج خیریه را چگونه تامین می‌کنید؟

با توجه به تازه تاسیس بودن موسسه خیریه‌ی آرا و تعدد موسسات و بنگاه‌های خیریه با رویکردهای متفاوت، موسسه آرا در زمینه جذب منابع مالی به شرح زیر رفتار نموده

من از همه درخواست می‌کنم و می‌خواهم صدایم را به گوش همه برسانم که بچه‌های این مملکت را تنها نگذارید و هر حمایتی که از دستتان برمی‌آید، برایشان انجام دهید

است:

در حال حاضر سیاست مجموعه بیشتر بر پایه‌ی تاکید بر ارجح بودن کیفیت کار بر کمیت آن استوار است و می‌خواهد به دور از هرگونه هیاهوی تبلیغاتی قبل از قوت گرفتن و استحکام چار چوب‌های اصلی موسسه، فعالیت کند.

از این رو تا به امروز عمده منابع مالی مجموعه از طریق بنیانگذاران و اعضای هیات مدیره و عزیزانی که عمیقا به نوع تفکر و رویکرد تخصصی موسسه مومن هستند، تامین گردیده‌است.

بخش محدودی نیز از ناحیه‌ی کمک‌های مردمی از طریق شماره حساب‌های موجود در سایت اینترنتی موسسه تامین می‌شود. به طور قطع در آینده نه چندان دور و با توسعه یافتن مجموعه، نیازمند جذب منابع مالی بیشتر در قالب معرفی دقیق مجموعه به خیرین محترم ائمه از صاحبان مشاغل، هنرمندان و ورزشکاران و سایر اقشار اجتماع می‌باشیم.

چگونه با رعد آشنا شدید؟

در سال اول فعالیت‌مان یک بازارچه خیریه داشتیم که از رعد با ما تماس گرفتند که غرفه‌ای در اختیار کارآموزانشان بگذاریم. از این طریق من با مسئول واحد خوداشتغالی رعد، خانم داداشیان، آشنا شدم و این ارتباط ادامه پیدا کرد. پس از آن با مدیر عامل موسسه، سرکار خانم پناهی ملاقاتی داشتم و با رویکرد ایشان و سیاست کاری رعد نسبت به مددجویانشان آشنا شدم و متوجه شدم که چقدر رویه کاری این

دو مجموعه به هم نزدیک است. در نهایت ارتباط ما منجر به امضای یک تفاهم نامه شد که بیشتر با هم همکاری کنیم. گروهی از کارآموزان رعد در یکی از همایش‌های ما شرکت کردند و چون خیلی راضی بودند قرار شد در هر همایش تعدادی از بچه‌های رعد شرکت کنند. همچنین قرار شد که تعدادی از نیروهای موظف ما در دوره‌های آموزشی رعد شرکت کنند و آموزش بگیرند.

وصحبت آخر؟

مدتی است که خوشبختانه بحث مسئولیت اجتماعی برای فعالان حوزه اقتصادی، مسئولین سیاسی و عموم مردم مطرح شده‌است. فعالیت در هر زمینه‌ای که یک مسئولیت اجتماعی را نمایندگی کند، بسیار مفید و اثر بخش است، ولی من از همه درخواست می‌کنم و می‌خواهم صدایم را به گوش همه برسانم، که به بچه‌های این مملکت بیشتر توجه کنید و آنها را تنها نگذارید. این‌ها سرمایه‌های آینده کشور هستند. متأسفانه وقتی صحبت از خیریه می‌شود خیلی‌ها فکر می‌کنند که خیریه فقط دستی است که برای گرفتن پول به سمتشان دراز شده‌است. اما درخواست من از واحدهای اقتصادی و خدماتی این است که اگر می‌خواهید نیرویی را در مجموعه خود جذب کنید، یک نفرشان را از بچه‌های تحت پوشش یک خیریه جذب کنید. ما این ضمانت را می‌دهیم که نیروی متخصص مورد نیاز را معرفی کرده و تا مدت‌ها از او در کار حمایت می‌کنیم. تعداد زیادی کارآفرین، بنگاه و مجموعه اقتصادی مختلف و تعداد زیادی متولی ایجاد شغل در کشور داریم، چقدر خوب می‌شود که این نهادها چنین بچه‌هایی را بشناسند و بدانند که چقدر توانمند هستند. شاید قصه زندگی‌شان با افراد دیگر کمی متفاوت باشد، شاید ظاهرشان با بقیه متفاوت باشد، ولی افراد بسیار توانمند و پر قدرتی هستند و خیلی خوب می‌توانند از پس وظایفی که برعهده‌شان قرار می‌گیرد برآیند. امسال تحت عنوان حمایت از کالای ایرانی مطرح شده‌است. من از همه می‌خواهم از افرادی که تولیدکننده صنایع دستی هستند حمایت کنند. تا آنها به استقلال برسند و بتوانند از پس زندگی خود برآیند.



فرشته‌ای گم شده در میان ستاره‌ها

مسئولیت اجتماعی؛

میلاذ جعفری، بنیان‌گذار سایت مهمه
Mohemme.ir



مسیری قدم بردارم که زندگی‌ام بیش از هر زمان دیگری با این مفهوم وفق پیدا کند. به مرور زمان پروژه‌هایی که سال‌ها زمان برایش صرف شد، مورد توجه ده‌ها هزار نفر از سراسر دنیا قرار گرفت و همین بازخوردهای مثبت، دلیلی شد تا بیش از پیش به موضوع مسئولیت اجتماعی علاقه‌مند شوم. در ادامه در مورد این پروژه‌ها صحبت خواهم کرد اما برای الان، اجازه دهید با هم به دنبال تعریف مناسبی برای مسئولیت اجتماعی باشیم.

در این سال‌ها، با تعاریف مختلفی از مسئولیت اجتماعی مواجه شده‌ام. این تعاریف بعضاً به اندازه‌ای آکادمیک بوده و هست که اگر راستش را بخواهید حوصله‌ی آدم را سر می‌برد و خواننده را پشیمان می‌کند که اصلاً این مقاله چه دردی را از جامعه دوا می‌کند؟! حتی در مواردی چنان واژه مسئولیت اجتماعی را پیچیده توصیف کرده‌اند که خواننده نه تنها به «خودمانی» بودن آن پی‌نمی‌برد،

نوشتن پیرامون بعضی از موضوعات، کار سختی‌ست، اما نوشتن کاری سخت‌تر! مسئولیت اجتماعی یکی از این موضوعات است. در این محتوا سعی شده از مباحث آکادمیک فاصله گرفته شود و یادداشتی خودمانی پیرامون مسئولیت اجتماعی ارائه شود، چرا که اساساً همین «خودمانی» بودن است که نقش مفهومی به نام مسئولیت اجتماعی را در یک جامعه پر رنگ‌تر می‌کند.

برداشت اول مسئولیت اجتماعی فردی؛ فرشته‌ای گم شده در میان ستاره‌ها

مسئولیت اجتماعی چیست؟

اولین بار حدود ۶-۷ سال پیش بود که با واژه نامانوس مسئولیت اجتماعی مواجه شدم. در آن زمان مقالات اندکی که پیرامون این موضوع به فارسی منتشر شده بود را خواندم و به زودی دریافتم که علائق شخصی‌ام، به صورت ارادی و یا غیر ارادی، این چنین ایجاب کرده تا در



شماره ۱۰۷ تابستان ۱۳۹۷

بلکه حس و حال چهار گزینه‌ای‌های کنکور را پیدا می‌کند!

اگر جستجویی در محتوای فارسی وب انجام دهید، متوجه خواهید شد که در ایران، مفهوم مسئولیت اجتماعی از همان خشت اول به بی‌راهه رفته است. درصد بالایی از محتوایی که برای مسئولیت اجتماعی منتشر شده، به مسئولیت اجتماعی سازمانی^۱ پرداخته‌است. حتی در بعضی از مقالات، مسئولیت اجتماعی را به اشتباه معادل مسئولیت اجتماعی سازمانی معرفی کرده‌اند

از طرفی، نظرات اندیشمندان و همچنین مسئولان به گونه‌ای منعکس شده که شکی وجود ندارد که درصد بالایی از شهروندان، مسئولیت اجتماعی را همان کارهای خیریه (کمک‌های مالی به گروهی از مردم جامعه) می‌دانند. در یک نظرسنجی آنلاین که ما انجام دادیم، حدود ۳ هزار نفر از ۴ هزار نفری که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند، اعتقاد داشتند که مسئولیت اجتماعی همان نیکوکاری (کمک مالی به دیگران) است!

خانم فاطمه دانشور که از افراد پیشرو در حوزه مسئولیت اجتماعی هستند، این موضوع را به خوبی بیان می‌کنند:

از مشکلات اصلی، این است که مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور کامل درک نشده و این مفهوم به‌درستی شناخته نشده است. در مرحله اول باید برای پر کردن و رفع این خلا مفهوم شناسی، اقداماتی انجام داد. مسئولیت اجتماعی فرشته‌ایست که با کمک آن می‌توان راه را برای پیشرفت جامعه و رسیدن کشور به توسعه پایدار هموار کرد. اما همین خلا مفهوم‌شناسی که خانم دانشور هم به آن اشاره می‌کنند، دلیلی شده تا این فرشته را در میان ستاره‌ها گم کنیم!

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، در طول چهار سال، در پروژه‌ای که با بازخورد ده‌ها هزار نفر از سراسر دنیا همراه بود، دریافتیم که مسئولیت اجتماعی یعنی مسئولیت اجتماعی! زمانی که در آن پروژه با تولید محتوای سبز و همچنین اجرای کمپین‌های مختلف، با هزاران بازخورد شامل ویدیوهای ارسالی کاربران از ترک کردن سیگار، کاهش اضافه وزن، رهایی از افسردگی و فکر خودکشی، غلبه بر سرطان و نمونه‌هایی از این دست مواجه می‌شدیم، مفهوم مسئولیت اجتماعی بیش از هر زمان دیگری برایمان قابل لمس می‌شد، به گونه‌ای که

1. CSR

به این باور رسیده بودیم که مسئولیت یعنی مسئولیت و اجتماعی هم یعنی اجتماعی! نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر.

از نظر ما کل تعاریف مربوط به مسئولیت اجتماعی را می‌توان در جمله زیر خلاصه کرد: هرکدام از ما فردی برای خود، و فردی برای جامعه هستیم!

این تعریف نه تنها به مسئولیت انسان‌ها در قبال هم محدود نمی‌شود، بلکه به خوبی می‌تواند رفتار انسان نسبت به حیوانات، محیط زیست و... را هم در ذهن تداعی کند. خیلی ساده یعنی ما مسئولیم! همه‌ی ما در مورد اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد مسئولیم. حقیقتاً شاید خیلی‌ها فکر کنند این جمله شعاری بیش نیست. اما با بررسی موضوع مسئولیت اجتماعی در کشورهای جهان، به وضوح می‌توان نقش پر رنگ مسئولیت اجتماعی را در رشد و ترقی کشورها دید.

ما معتقدیم اگر امروز کشور عزیزمان با بحران آب روبه‌روست، اگر طبیعت در حال تخریب است، اگر بادکنک‌های یک کودک کار به فروش نمی‌رود، اگر سالانه هزاران نفر در جاده‌ها جان خود را از دست می‌دهند، اگر به کودکی تجاوز می‌شود و هزاران اگر دیگر، همه‌ی ما مسئولیم. همه ما در پیدایش این معضلات سهیم هستیم و گره‌ی این مشکلات زمانی باز می‌شود که همه بدانیم مسئولیم. برای درک بهتر این موضوع، صحبت‌های دکتر سعید معیدفر، از جامعه‌شناسان برجسته کشور عزیزمان را بخوانید:

تمام بودجه کشور را بیاورید در بحث راه‌سازی! یعنی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و همه‌ی حوزه‌های دیگر را تعطیل کنید و بودجه‌هایشان را صرف راه‌سازی کنید! حالا آیا مشکل تلفات جاده‌ای حل خواهد شد؟! در یک تصادف، مردم مقصر را وزارت راه و شهرسازی می‌دانند، وزارت راه مقصر را پلیس راهنمایی رانندگی می‌داند و پلیس راهنمایی رانندگی خودروساز را مقصر اصلی می‌داند. ولی بحث ما این است که همه ما باید احساس مسئولیت کنیم و به جای اینکه مقصر را دیگری بدانیم، ببینیم که هر کدام از ما چه مسئولیتی در قبال موضوع داریم؟

مسئولیت اجتماعی یک خرد جمعیست. خردی که می‌تواند یک جامعه را چنان قدرتمند کند که شهروندانش حتی در تنهایی هم بتوانند انرژی و نیروی محرکه جامعه را در کنار خود احساس کنند و نبودش هم می‌تواند یک



جامعه را چنان درنده کند که هیچ چیز و هیچ کس برای مردمانش اهمیت نداشته باشد.

برداشت دوم - مسئولیت اجتماعی سازمانی؛ فرشته‌ای کم شده در میان ستاره‌ها (برندها)

آن زمانی که سن و سال چندان نداشتیم، قهرمان‌هایمان به چند شخصیت تاریخی، سینمایی، افسانه‌ای و یا مواردی از این دست خلاصه می‌شدند. قهرمان کسی بود که می‌توانست از پس هر کاری برآید. او الگوی زندگی ما بود و محال بود که از پس کارهای سخت بر نیاید. زمانی هم که از بد روزگار قهرمانمان شکست می‌خورد، شبها از ناراحتی خوابمان نمی‌برد و حتی روز بعد در مدرسه با ناراحتی تمام با بچه‌ها پیرامون آن صحبت می‌کردیم و در غم هم شریک می‌شدیم.

شما را نمی‌دانم، اما برای من، قهرمان کودکی‌ام احمد رضا عابدزاده بود. کسی که در باورم می‌توانست در مقابل شلیک یک دنیا توپ هم ایستادگی کند و حتی در سخت‌ترین شرایط، مثل یک جنگجو لبخندش را چنان نثار وجودمان کند که از خود بی‌خود شویم. روزی دیگر، درست در همان لحظه‌ای که

منتظر سکانسی قهرمانانه بودیم، کافی بود توپ داخل دروازه قهرمان‌مان جای بگیرد تا از شدت ناراحتی، بازی فوتبال در محل تعطیل شود.

مسئولیت‌مان دو طرفه بود. این وظیفه ما بود که از قهرمان‌مان حمایت کنیم و او هم وظیفه داشت که قهرمان ما بماند!

اگر سعی کنیم بسیاری از تعریف‌های پیچیده‌ای که برای مسئولیت اجتماعی عنوان می‌شود را نادیده بگیریم، مسئولیت اجتماعی دقیقا همین موضوع است. اینکه ما در هر سطحی که هستیم، با توجه به شرایط، وظایف خودمان را به خوبی بشناسیم.

با گذر زمان و تکامل انتظارات اجتماعی، شرایط برای سازمان‌ها و شرکت‌ها (ستاره‌ها) هم به گونه‌ای تغییر کرد که می‌بایست دریچه جدیدی را به روی سازمان باز کنند. مردم دیگر صرفا برای رفع نیاز، از محصولات و یا خدمات یک سازمان استفاده نمی‌کنند، بلکه انتظارات تکامل یافته‌ی اجتماعی به سمتی پیش می‌رود که یک برند، دیگر یک شرکت عظیم و دست نیافتنی نیست، بلکه همانند دوستی می‌ماند که همواره در کنار ماست.



دقیقا همانند عابدزاده که عقاب آسیا بود اما اسمش روی دروازه بان محله مان هم بود! همین انتظارات تکامل یافته و خلق ارزش های جدید، سبب پیدایش اصلی به نام مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکتها و سازمانها شد. اصلی که عنوان می کند:

هدف فقط فروش کالا و خدمات نیست. جامعه خواستار خلق ارزش مشترکیست که همه را بهره مند کند. مسئولیت اجتماعی شرکتها، به درک تاثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کسب و کار شما بر دیگران اشاره دارد. مسئولیت اجتماعی شرکتی با اداره ی کسب و کار شما و اقدامات آن به شیوه ای اخلاقی و مسئولانه مرتبط است. می توان از آن استفاده ی مثبتی کرد و در صورت اجرای موثر آن، می توان به طرز شگفت انگیزی بهره وری و سودآوری شرکت را افزایش داد.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، مسئولیت اجتماعی (فردی و سازمانی) از نان شب هم واجب تر است! از ۳۰-۴۰ سال پیش تا کنون، در امریکا و کشورهای اروپایی به صورت هدفمند و جدی برای تحقق این موضوع کار شده است. برای مثال از پیشروترین شرکتها در حوزه مسئولیت اجتماعی می توان به شرکت های گوگل، مایکروسافت، لگو، اینتل و بی - ام - دبلیو اشاره کرد. این شرکتها با برنامه های عظیم مسئولیت اجتماعی، علاوه بر این که همیشه در کنار جامعه بوده اند، سود خود را با ایجاد ارزش مشترک، افزایش داده اند.

اگر بخواهیم با هم صادق باشیم، باید بگوییم که اوضاع مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشور ما زیاد خوب نیست. صحبت جدی در رابطه با مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران از حدود ۵-۶ سال پیش شروع شد اما به جز مواردی اندک، کارهای انجام شده چیزی نبود که بتوان اسم مسئولیت اجتماعی را روی آن گذاشت.

نیکوکاری (کمک های نقدی) نمونه خوبی از مسئولیت اجتماعیست، اما نه همه آن! همان طور که پیش تر عنوان شد، اشتباه بزرگی که در این حوزه می توان مرتکب شد این است که تصور کنیم مسئولیت اجتماعی (فردی و سازمانی) یعنی

«فقط و فقط» کمک های نقدی. نیکوکاری (کمک های نقدی) شاید نمونه خوبی برای اهداف مرتبط با مسئولیت اجتماعی باشد اما همه ی آن نیست. این دقیقا همان نکته ظریفیست که باعث شده اکثر شرکت های ایرانی در درک مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمانی به بی راهه بروند.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته ی جهان، شرکت های موفق ترند که برای مسئولیت اجتماعی شرکتی خود ارزش زیادی قائل هستند. این شرکتها همواره در تلاش هستند تا ارزش مشترکی را با اجرای ایده هایی خلاقانه و کاربردی خلق کنند. این ایده ها، با پشتوانه ی برنامه های دراز مدت و کاملا دقیقی اجرا می شوند که این شرکتها قبلا برای اهداف مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی خود مشخص نموده اند. بعضا این برنامه ها در دسترس شهروندان قرار می گیرد تا آنها بدانند که مثلا فلان شرکت در پنج سال آینده چه ارزش مشترکی را برای جامعه خلق می کند و حافظ کدام منافع جامعه خواهد بود.

نکته بالا نکته ای بسیار مهم است، چراکه به باور ما مهم ترین اشتباهی که در درک مسئولیت اجتماعی در ایران شده، همین موضوع است. شرکت های بسیاری در وبسایت های خود صفحاتی را به مسئولیت اجتماعی اختصاص داده اند. با بررسی این صفحات که بعضا با ذکر پروژه های انجام شده همراه است، در خواهیم یافت که اکثر این پروژه ها هرچند ارزشمند هستند اما با مفهوم واقعی مسئولیت اجتماعی بسیار فاصله دارند. اما همان گونه که پیش تر عنوان شد، آینده مسئولیت اجتماعی در ایران روشن به نظر می رسد چرا که می توان فعالیت های ارزشمند تعدادی از شرکتها در این حوزه را نادیده گرفت. شرکت های زیادی توجه به مسئولیت اجتماعی را به عنوان دغدغه خود مطرح کرده و هر کدام موضوعی را دنبال می کنند. به امید روزی که آسیب شناسی دقیقی در مورد مشکلات اجتماعی توسط نهادهای مردمی و اقتصادی صورت بگیرد و همه آنها با هم در جهت رفع معضلات اجتماعی تلاش کنند





قضاوت در مورد دیگران؛

صحیح یا غلط؟!!

ندارند، یا حتی یک کلمه حرف با آنها زنده‌اند و نمی‌دانند که چه کسی هستند و از کجا آمده‌اند. هیچوقت وقت نمی‌گذارند که به حرف‌های او گوش بدهند و ببینند که چه کرده‌اند که به آنجا رسیده‌اند. در اکثر موارد، مردم فقط قضاوت می‌کنند، همین.

حتی اگر در بهترین و کامل‌ترین شرایط زندگی کنید و در کارتان بیشترین موفقیت را داشته باشید هم باز دلیل بر این نیست که در مورد دیگران قضاوت کنید. هیچ استاندارد قاطعی در مورد خوب یا بد وجود ندارد. عقاید، باورها، فرهنگ‌ها و ... بسیارند و هیچکس نمی‌تواند همه آنها را با هم داشته باشد. من کامل نیستم. بهترین اندام، تحصیلات، و خانواده را ندارم. انگلیسی را با بهترین لهجه صحبت نمی‌کنم. همه انتخاب‌های زندگی‌م عالی نبوده و خیلی وقت‌ها در زندگی واقعا گند زدم. من به هیچ وجه کامل نیستم. می‌دانم که همه چیز آنطور که به نظر می‌رسد نیست. ترجیح می‌دهم دیگران قبل از اینکه در مورد من قضاوت کنند، من را خوب بشناسند. من قاضی نیستم، خدا هم نیست. به خاطر همین هیچکس را قضاوت نمی‌کنم.

Mardoman.net

اندامی بی‌نقص دارید؟ آخرین مد لباس را می‌پوشید؟ بهترین رفتار را دارید؟ بهترین نام و تاریخچه خانوادگی را دارید؟ آنقدر کاملید که حتی کوچک‌ترین اشتباهی هم ندارید؟ بهترین تحصیلات را دارید و انگلیسی را با بهترین لهجه صحبت می‌کنید؟ همه انتخاب‌هایتان تا به امروز بهترین بوده‌اند؟ شما کی هستید که در مورد دیگران قضاوت می‌کنید؟

افرادی را می‌بینیم که در مورد وزن، قد، تحصیلات، زبان، خانواده و همه چیز بقیه نظر می‌دهند و قضاوت می‌کنند. با این که می‌دانند که خودشان هم بی‌عیب نیستند. بهترین اندام چه اندامی است؟ نظرات زیادی در مورد این موضوع وجود دارد. برای یک نفر مقدور نیست که همه نظرات و دیدگاه‌های موجود در مورد بهترین اندام را داشته باشد. یک نفر به ظاهر کامل می‌آید در حالی که فرد دیگر به نظر زشت می‌آید. پس چون یک نفر به شما گفته که بهترین هیکل را دارید نمی‌توانید به خودتان این حق را بدهید که در مورد هیکل فرد دیگری قضاوت کنید.

وقتی افراد، دیگران را با گذشته و تجربه‌هایی که در زندگی داشته‌اند قضاوت می‌کنند، بسیار تاسف می‌خورم. آنها حتی شناخت درستی از آن افراد



گل خشکیده

سعیده طوفی

“ قد بالای ۱۸۰، وزن متناسب، زیبا، جذاب و ...

این شرایط و خیلی از موارد نظیر آنها، توقعات من برای انتخاب همسر آینده‌ام بودند. توقعاتی که بی‌کم و کاست همه‌ی آنها را حق مسلم خودم می‌دانستم و درگوشه‌ای از ذهنم حک کرده‌بودم.

تا اینکه دیدار محسن، برادر مرجان، یکی از دوستان صمیمی‌ام به تصویر خیالم جان داد و آن را از قاب ذهنم بیرون کشید.

در همان نگاه اول چنان مجذوبش شدم که انگار سال‌ها عاشقش بوده‌ام و وقتی فردای آن روز مرجان قصه‌ی دلدادگی محسن به من را تعریف کرد، فهمیدم که این عشق یک‌طرفه نیست.

محسن از من مشتاق‌تر بود و به قدری عجله داشت که می‌خواست قبل از رفتن به سربازی با هم نامزد شویم. ولی پدرم مخالفت کرد و موضوع را به بعد از اتمام سربازی او موکول نمود. محسن که به سربازی رفت، پیوندمان محکم‌تر شد. چرا که داغ دوری، آتش عشق را در وجودمان شعله‌ورتر کرده بود و اگر قبل از آن هفته‌ای یک بار با هم تماس داشتیم، حالا هرروز به من تلفن می‌کرد و مرتب نامه می‌نوشت. هر بار هم که به مرخصی می‌آمد آن قدر سوغاتی می‌آورد که حتی مرجان حسودی‌اش می‌شد.

اما درست زمانی که چند روزی بیشتر به پایان خدمت محسن نمانده بود، ناگهان حادثه‌ی ناگوار همه چیز را به هم ریخت. انفجار یک مین بازمونده از جنگ، منجر به قطع یکی از پاهای محسن شد.

این خبر تلخ را مرجان برایم آورد، همان کسی که اولین بار پیام‌آور عشق محسن بود. باورم نمی‌شد روزهای خوشی‌ام به این زودی به پایان رسیده باشند. چقدر زود آشیان آرزوهایم ویران شده بود و از همه مهم‌تر سوالاتی بود که مرا در برزخی وحشتناک گرفتار کرده بود. آیا من از شنیدن خبر معلولیت محسن برای خودش ناراحت بودم؟! آیا محسنی که معلول شده بود، هنوز هم می‌توانست مرد رویاهایم باشد؟ آیا او هنوز در حد و اندازه‌های من بود؟ منی که آن قدر ظاهر زیبایی همسر آینده‌ام برایم مهم!!

محسن را که آوردند هنوز پاسخ سوالاتم را نیافته بودم و با خودم در کشمکش بودم. برای همین تا مدت‌ها به ملاقاتش نرفتم تا اینکه مرجان به سراغم آمد. آن روز مرجان در میان اشک و آه از بی‌وفایی من نالید و از غم محسن گفت. از اینکه او بیشتر از معلولیتش، ناراحت این است که چرا، به ملاقاتش نرفته‌ام.

مرجان از عشق محسن گفت. از اینکه با وجود بی‌وفایی من، هنوز هم دیوانه‌وار دوستم دارد و از هر کسی که به ملاقاتش می‌رود سراغم را می‌گیرد. هنگام خداحافظی، مرجان بسته‌ی کادو پیچی شده‌ای را جلویم گرفت و گفت: این آخرین هدیه‌ای است که محسن قبل از مجروحیت برایت تهیه کرده بود. دقیقاً نمی‌دانم توش چیه اما هر چی هست، محسن برای تهیه‌ی آن بود که به منطقه‌ی مین‌گذاری شده رفته بود. بعد نامه‌ای به من داد و گفت: این نامه رو محسن امروز برای تو نوشت و گفت که بهت بگم: نامه و هدیه رو با هم باز کنی.

مرجان رفت و ساعت‌ها آن کادو در دستم بود و مثل یک مجسمه به آن خیره مانده بودم. مدتی بعد یک روز که از دانشگاه برمی‌گشتم وقتی به مقابل خانه رسیدم، طنین صدای آشنائی که از پشت سرم می‌آمد، سر جایم می‌خکوب کرد.

سلام مژگان ...

خودش بود. اما من جرات دیدنش را نداشتم. مخصوصاً حالا که با بی‌وفائی به ملاقاتش نرفته‌بودم، چطور می‌توانستم به صورتش نگاه کنم! مدتی به همین منوال گذشت تا اینکه دوباره صدایم کرد و این بار شنیدن صدایش لرزه بر اندامم انداخت. نمی‌خواهی جواب سلامم رو بدی؟

در حالی که به نفس نفس افتاده بودم بدون اینکه به طرفش برگردم گفتم، سلام.

چرا بر نمی‌گردی! نکنه یکی از پاهای تو هم قطع شده که نمیتونی این کار رو بکنی، یا اینکه اونقدر از چشات افتادم که حتی نمی‌خواهی نگاه کنی! این حرف‌ها مثل پتک روی سرم فرود می‌آمدند به طوری که به زور خودم را سر پا نگه داشتم. حرف‌هایم که تمام شد مدتی به سکوت گذشت و من هنوز پشت به او داشتم تا وقتی که از صدای عصایش فهمیدم که دارد می‌رود. آرام به طرفش برگشتم و او را دیدم، با یک پا و دو عصای زیر بغل. کمی به رفتنش نگاه کردم، ناگهان به طرفم برگشت و نگاهمان به هم گره خورد. وای! که چقدر دوست داشتم زمین دهان باز می‌کرد و مرا می‌بلعید تا مجبور نباشم آن نگاه سنگین را تحمل کنم. اما حتی نمی‌توانستم چشم‌هایم را ببندم. مدتی گذشت تا اینکه محسن لبخندی زد و رفت ... حس عجیبی از لبخندش برخاست و سوار بر امواج نوری، به درون چشم‌هایم رخنه کرد و از آنجا در قلبم پیچید و همچون خون، از طریق رگ‌هایم به همه جای بدنم سرایت کرد.

بله، من هنوز محسن را دوست داشتم و هنوز خانه‌ی قلبم از گرمای محبتش لبریز بود. ناخودآگاه به سراغ کادو رفتم و آن را گشودم. داخل آن چیزی نبود غیر از یک شاخه گل خشکیده که بوی عشق می‌داد. به یاد نامه‌ی محسن افتادم و آن را هم گشودم.

سلام مژگان، می‌دانم الان که داری این نامه را می‌خوانی من از چشمت افتاده‌ام، اما دوست دارم چیزهایی در مورد آن شاخه گل خشکیده برایت بنویسم تا بدانی زمانی که زیبایی آن گل مرا به هوس انداخت تا آن را برایت بچینم، می‌دانستم گل در منطقه خطرناکی روییده، اما چون تو را خیلی دوست داشتم و می‌خواستم خوشحالت کنم پس جلو رفتم و ... بعد از مجروحیت که به ملاقاتم نیامدی، فکر کردم از دست دادن یک پا، آیا ارزش کندن آن گل را داشت؟

گریه‌امند نداد تا بقیه‌ی نامه را بخوانم. اما همین چند جمله محسن کافی بود تا به تفاوت درک عشق، بین خودم و او پی ببرم.

اکنون سال‌هاست که محسن مرا بخشیده و درکنار یکدیگر زندگی شیرینی را با هم تجربه می‌کنیم ولی هنوز آن کادوی خونین و آن شاخه گل خشکیده را به نشانه‌ی عشق نگه داشته‌ایم!.



بنا داریم از این شماره به نقل از
خاطرات کارآموزان و هنرجویان قدیمی
رعد بپاژیم . این شماره ترانه میلادی
از خاطرات خود می‌گوید.

ترانه‌های رعد

مرگ، به مراتب سخت‌تر بود.

زمانی که برای اولین بار با افرادی دارای معلولیت‌های مختلف روبه‌رو شدم، هیچ شناختی از دنیای جدیدی به نام معلولیت نداشتم. اما این ناشناخته بودن در عین ترسناک بودن، برایم جذاب هم بود و مهارت ذاتی‌ام در برقراری ارتباط با دیگران باعث شد در همان هفته نخست با تمامی کارمندان، مربیان، کارآموزان و حتی مدیرعامل مجتمع آشنا شده و خودم را به عنوان یک کارآموز فعال به آنها معرفی کنم.

تازه تایپ فارسی با کامپیوتر را آموخته بودم (آن هم با کیبرد انگلیسی) و تنها با استفاده از یک دست.

به یاد دارم با مسئول روابط عمومی آن زمان که جوانی تحصیلکرده به نام آقای مقدم شاد بود ایده

اولین مسابقه فوتبال گل کوچک در
حیاط مجتمع بود که افراد هر دو تیم
ترکیبی بودند از کارکنان و کارآموزان.
یادم می‌آید مدیریت مجتمع نیز در
نیمه دوم مسابقه به جای یکی از
کارآموزان که خسته شده بود به داخل
زمین رفت. توپ در میان عصا، واکر،
صندلی چرخدار و پاهای بازیکنان
می‌چرخید و به کل تبدیل می‌شد. اما
برای من «شادی پس از گل‌ها» به
مراتب دیدنی‌تر بود

می‌گویم "توانمندسازی" و نه "سپری کردن اوقات بیکاری" چرا که بی‌هدف بودن و سپری شدن بیهوده زمان برایم از تحمل معلولیت ناخواسته و حتی

من ترانه میلادی، از کارآموخته‌گان قدیمی مجتمع آموزشی رعد هستم. آن‌طور که به یاد دارم ساخت این مجموعه از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شده بود و ساختمانی که حالا به مجتمعی بزرگ و مجهز تبدیل شده، آن روزها فقط ساختمانی یک طبقه و نیمه‌ساز بود که شامل چند کلاس آموزشی، یک مرکز کوچک توانبخشی با تجهیزات و امکاناتی محدود و یک سالن غذاخوری با نیمکت‌های مدرسه بود.

اوایل سال ۸۰ برای اولین بار برای ثبت‌نام در دوره آموزشی ICDL به این مجتمع مراجعه کردم. چند سالی بود که دیگر نمی‌توانستم با عصا راه بروم و با کاهش توانمندی‌های جسمی‌ام می‌بایست برای همیشه روی صندلی چرخدار می‌نشستم. شرایط جدیدم را پذیرفته بودم و با آگاهی، دنبال راه حلی مناسب برای کسب توانمندی‌های جدید می‌گشتم.



چاپ "ماهنامه رعد" را در میان گذاشتم، او درخواست کرد ایده‌ام را مکتوب کنم تا بتواند موافقت آن را از مدیرعامل وقت "آقای مدنی" بگیرد. خلاصه این که اولین برگه خبری رعد با محتوای اخبار داخلی مجتمع، مصاحبه با مربیان، ورزشکاران دارای معلولیت، انتقادات و پیشنهادات با عنوان "موج امید" با کمک چند نفر از دوستانی که در مجتمع با آنان آشنا شده بودم تایپ، صفحه‌بندی و نهایتاً منتشر شد. در ابتدا به تعداد محدود با دستگاه کپی، تکثیر و در اختیار کلاس‌ها قرار دادیم. بازخوردها مثبت بود. در نتیجه ماهنامه تک صفحه‌ای سیاه و سفید ما، به دو صفحه و چند ماه بعد به چهار صفحه افزایش پیدا کرد. (همیشه دلم می‌خواست در فصلنامه توانیاب فعلی رعد یادی از "موج امید" بکنم). از خاطرات دوست داشتنی آن سال‌ها که در ماهنامه‌مان به ثبت رساندیم، خبر برگزاری اولین مسابقه فوتبال گل کوچیک در حیاط مجتمع بود که افراد هر دو تیم، ترکیبی بودند از کارکنان و کارآموزان. یادم می‌آید مدیریت مجتمع نیز در نیمه دوم مسابقه به‌جای یکی از کارآموزان که خسته شده بود به داخل زمین رفت. توپ در میان عصا، واکر، صندلی چرخدار و پاهای بازیکنان می‌چرخید و به گل تبدیل می‌شد، اما برای من "شادی پس از گل‌ها" به‌مراتب دیدنی‌تر بود.

از خاطرات دیگری که هنوز در ذهنم رنگی و واضح مانده چیدن اولین "سفره هفت سین" مجتمع در سالن ورودی بود که مربیان کلاس‌های هنری نیز در چیدن آن به من و دوستانم کمک کردند. سفره هفت‌سین درست کنار "ماکت ساختمان مجتمع" قرار گرفته بود و یادم می‌آید مهندسی که آن ماکت را ساخته بود در جشن ما حضور داشت و بچه‌ها دوره‌اش کرده بودند تا بفهمند چه زمان این ساخت و ساز (که گویا خیال تمام شدن نداشت) به پایان می‌رسد؟ از شما چه پنهان در تمام کلاس‌ها، روی لباس‌ها و حتی بر روی سفره هفت‌سین مان ردپای گچ و سیمان پیدا می‌شد.

آخرین روز کاری مجتمع بود و از چند روز بعد تعطیلات سال نو آغاز

آمدن دوباره کار آموختگان قدیمی به رعد تنها برای یادآوری خاطرات نیست، آنها به رعد می‌آیند تا از خاطر نبرند چه مسیر دشواری را پیموده‌اند و چگونه نخستین گام برای ورود به جغرافیای توانستن را با باور کردن خویشتن آغاز کرده‌اند

می‌شد. به‌خاطر دارم "آقای مدنی" پس از ایراد یک سخنرانی نسبتاً انگیزشی، با تحسین سفره هفت‌سین زیبایی که با مشارکت همه چیده شده بود، آرزو کرد سال‌های متوالی این هفت‌سین توسط کارآموزان مجتمع چیده شود و چراغ این مجتمع برای توانمندسازی عزیزان دارای معلولیت، روشن و پر نور بماند. بعد از آن قرآنی که با خود همراه داشت را باز نمود و به هر یک از افرادی که در جمع حضور داشتند یک اسکناس نو عیدی داد و تاکید کرد که چون او "سید" است این عیدی برکت دارد. نمی‌دانم چرا، اما به‌راستی اسکناس‌های آن سالها برکت بیشتری داشتند.

۱۵ سال پیش وجود یک کامپیوتر نسبتاً سالم در هر کلاس غنیمی بود برای کارآموزان. به‌خاطر دارم مسئول سایت و دوره‌های کامپیوتر "آقای ممتحنی" با تلاش وصف‌ناپذیری سیستم‌های کامپیوتری موجود را برای آموزش تعمیر و نگهداری می‌کرد.

جا دارد یادی کنم از "نرگس موسوی" یکی از کارآموزان فعال در رشته کامپیوتر که با وسواس و اشتیاق فراوان در کلاس‌ها حاضر می‌شد. او از همان ابتدای ورودم به مجتمع، به یک همراه همیشگی و صمیمی‌ترین دوستم تبدیل شد. نرگس آرزو داشت روزی مدرس کامپیوتر شود و به بچه‌های دارای معلولیت آموزش دهد. او با پشتکار و جسارتی که داشت به آرزویش رسید و حالا یکی از مربیان کارکشته و قدیمی رعد است.

"آمنه رحمتی" یکی دیگر از کارآموزان منظم و متعهدی بود که دوره تایپ را با ماشین‌های تایپ دستی فراگرفته بود و دوره کامپیوتر را همزمان با ما می‌گذراند. یادم می‌آید برای بالابردن سرعت تایپ‌اش ساعت‌ها تمرین می‌کرد. چند سال بعد او در یکی از مراکز دادگستری استخدام شد و چند سال بعد شنیدم که به عنوان کارمند نمونه دادگستری انتخاب شده‌است. کم نبودند کارآموزانی که بعد از گذراندن یکی از دوره‌های مهارتی در مجتمع به‌دلیل جسارت و پشتکار و همت والایی که داشتند، یا در شغلی استخدام شده و در کار خود بهترین شدند و یا کارآفرینی کرده و به خودکفایی رسیده بودند.

تجهیزات و امکانات و نیروی متخصص رعد در حال حاضر قابل مقایسه با آن سال‌ها نیست. رعد امروز، مجتمعی مجهز و کامل است که تمامی ابزار مورد نیاز برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متعدد و متناسب با شرایط جسمی افراد دارای معلولیت را در اختیار دارد، اما یک تفاوت میان کارآموزان قدیمی و جدید این مجتمع وجود دارد. آن سال‌ها ما می‌دانستیم که فرصت مغتنمی به‌دست آورده‌ایم و می‌دانستیم که با چه هدفی مهارت‌های مختلف را می‌آموزیم، ما باور داشتیم که استقلال مالی و کسب یک مهارت می‌تواند معلولیت را کم‌رنگ کند و اگر بتوانیم در حرفه‌ای که در پیش می‌گیریم بهترین باشیم برای همیشه دیگران معلولیت ما را از یاد خواهند برد.

کارآموزان آن دوره از دوستی‌ها و ارتباطاتی که در مجتمع ایجاد می‌شد در جهت پیشرفت خود و دیگر افراد دارای معلولیت بیشترین بهره را می‌بردند. همانگونه که من و جمعی دیگر از کارآموزان فعال و با انگیزه توانستیم در سال ۸۳ "انجمن باور" را تاسیس کنیم و در راستای فرهنگ‌سازی، توانمندسازی و پیگیری حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت، گام‌های موثری را به نوبه خود برداریم.

من پس از جدایی از رعد تحصیلات دانشگاهی‌ام را کامل کردم. هرگز دنبال استخدام شدن در جایی



برخی از کارآموختگان قدیمی که حالا برای خودشان مدیران، کارمندان و کارآفرین‌های موفق‌تری شده‌اند، بعد از گذشت سال‌ها باز هم به رعد سر می‌زنند و به همراه کارمندان قدیمی یادی از خاطرات آن دوران می‌کنند. اما آمدن دوباره به رعد تنها برای یادآوری خاطرات نیست، آنها به رعد می‌آیند تا یادشان نرود چه مسیر دشواری را پیموده‌اند و چگونه نخستین گام برای ورود به جغرافیای توانستن را با باور کردن خویشتن آغاز کرده‌اند.

ما از اینکه رعد را اینگونه توانمند می‌بینیم به خود می‌بالیم چرا که در ساختن و هویت بخشی به آن، هر کدام از کارآموختگان این مجموعه سهمی داشته‌اند. از یاد نبریم آنچه باعث سرفرازی و برند شدن این مجموعه می‌شود اسامی مدیران، کارآفرینان و هنرمندانی ست که روزی در این مجتمع، کارآموزی کرده‌اند.

آرزوی من و دیگر کارآموختگان رعد، توانمندی و سلامتی روز افزون کارآموزان و موفقیت همه عزیزان فعال در این مجموعه است.

ترانه میلادی، بهار ۱۳۹۷

وقتی پشت میز استاد قرار گرفتیم کارآموزان با تعجب به این تازه وارد ناشی که در جایگاه استادشان نشسته خیره شده بودند

کاهش انگیزه‌های فردی بچه‌های دارای معلولیت برای کسب یک مهارت مشخص و رسیدن به استقلال فردی و مالی را دریابیم. هر چند فهمیدن آن کار دشواری نیست. به نظر می‌آید درصد زیادی از کارآموزان، کسب مهارت و خوداشتغالی را رویایی دور از دسترس و نامحتمل می‌دانند که هرگز برای آنها ممکن نخواهد شد.

شاید یکی از رسالت‌های رعد تغییر همین "باور نادرست" است. یکی از راه‌های آن هم می‌تواند آشنا کردن کارآموزان با داستان زندگی و موفقیت‌های افرادی باشد که پیش از آنها پای در این مسیر گذاشته‌اند و توانسته‌اند قهرمان زندگی خودشان باشند.

نبودم و از همان ابتدا دوست داشتم یک کارآفرین باشم. با اعتماد به توانمندی‌هایم توانستم عناوین مختلفی را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری و اجتماعی کسب کنم. در تمامی این سال‌ها ارتباطم را با رعد حفظ کردم و گاه وبی‌گاه به مناسبت‌های مختلف به مجتمع سر می‌زدم.

نه سال بعد از اولین باری که با رعد آشنا شدم، به عنوان مدرس دوره "گرافیک پیشرفته" دعوت به همکاری شدم. یادم می‌آید وقتی پشت میز استاد قرار گرفتیم کارآموزان با تعجب به این تازه وارد ناشی که در جایگاه استادشان نشسته خیره شده بودند. من که تجربه آموزش در موسسات دیگر و با شاگردان بدون معلولیت را در ذهن داشتم برایم جالب بود که حتی شاگردان دارای معلولیت هم حضور یک استاد روی صندلی چرخدار را عجیب می‌دانند!

در خلال همان دوره آموزشی بود که این حقیقت تلخ را دریافتم که وقتی انگیزه، پشتکار و هدف‌گذاری شخصی برای آینده وجود نداشته‌باشد، تلاش‌های مراکزی چون رعد نتیجه لازم را نخواهد داشت و آنچه مطلوب است به دست نمی‌آید.

دل‌م می‌خواست بتوانم دلایل



رالف براون، بنیان‌گذار کارخانه‌های براون^۱

کسی که عمر خود را با آتروفی عضلانی گذراند

طراحی کرد که امروزه هنوز هم در اتوبوس مدرسه و سایر وسایل نقلیه عمومی از آن استفاده می‌شود. به این ترتیب رالف در گاراژ پدرش مشغول به کار شد و یک کارمند استخدام کرد و ۲۰۰ ماشین ون تغییر یافته در ویناماک تولید شد. رالف یک ماه بعد کارمند دیگری استخدام کرد؛ درحالی که هم‌چنان به کار کردن در کارخانه نیز ادامه می‌داد. در این زمان او سه فرزند داشت و نیاز به درآمد بیشتر را احساس می‌کرد. از طرف دیگر تمام درآمدش از ساخت اسکوتر و بالابر صرف مخارج کارگاهش می‌شد. او ساعت ۳ بعد از ظهر از کارخانه خارج می‌شد و تا پاسی از شب در کارگاهش کار می‌کرد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۷۳ کارخانه را ترک کرد، یک کارگاه اجاره کرد و بر روی کسب و کار خودش متمرکز شد.

نه ماه بعد رالف توانست یک کارگاه بخرد. چند سال بعد کارگاه در اثر حادثه آتش‌سوزی به شدت تخریب شد و رالف مجبور شد همه چیز را از اول شروع کند. بعد از آتش‌سوزی رالف ساخت اسکوتر برقی را رها کرد و تمرکز خودش را بر روی بالابر و ون‌های تغییر یافته گذاشت. او بیش از ۵۰ هزار مایل در هر سال رانندگی می‌کرد و به هر جا که ممکن بود شخصی به کالاهای او نیاز داشته‌باشد سر می‌زد. در سال ۱۹۹۹ رالف براون به تولیدکننده تخصصی بالابر پلت فرم و صندلی چرخدار تبدیل شد. امروزه شرکت او بیش از ۲۰۰ نمایندگی در سراسر ایالات متحده برای نصب بالابر و فروش ون‌های ویژه دارد. او در سال ۲۰۰۸ حدود ۲۰۰ میلیون دلار درآمد داشت. دفتر مرکزی شرکت او هنوز هم در ویناماک، شهر زادگاهش مستقر است و بیش از ۷۰۰ کارمند برای او کار می‌کنند و محصولاتش در سراسر جهان به فروش می‌رسد.

رالف می‌گوید هنگامی که برای رشد کسب و کارم تلاش می‌کردم، دو مانع بر سر راهم وجود داشت. جوانی و معلولیت. ولی من هرگز متوقف نشدم و به آن‌ها اجازه ندادم تا جلوی پیشرفت من را بگیرند. در سال ۲۰۱۲ رالف براون از سوی باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده به عنوان قهرمان تغییر نام‌گذاری شد. براون در سال ۲۰۱۳ از دنیا رفت.

پیک توانا

ترجمه: فهیمه عباسی

رالف در سال ۱۹۴۰ در شهر ویناماک ایالت ایندیانا در یک مزرعه ذرت به دنیا آمد. وقتی ۶ ساله بود پدر و مادر او فهمیدند که مشکلی وجود دارد و رالف مثل بچه‌های دیگر نیست. مثلاً او نمی‌توانست مثل بقیه بچه‌ها از پله بالا برود. او را به بیمارستان بردند و پزشکان ابتلای او به دیستروفی عضلانی را اعلام کردند. رالف ۱۴ ساله بود که روی صندلی چرخدار نشست. اتفاقی که برایش خیلی دردناک بود. وقتی از دبیرستان برای تحصیل در رشته ریاضی، به دانشگاه ایندیانا رفت، حرکت در محوطه دانشگاه به مشکلی بزرگ برای او تبدیل شد تا جایی که مجبور شد پس از یک سال تحصیلش را رها کند. اما رالف به همین راحتی دست بردار نبود و برای رفتن به دانشگاه یک اسکوتر که با باتری حرکت می‌کرد را طراحی کرد. عموهای رالف همگی تخصص فنی در زمینه موتورسیکلت و ماشین‌های مسابقه داشتند و رالف بیشتر وقتش را با آنها می‌گذراند. او استعداد مکانیکی خود را از آنها به ارث برده بود.

چهار ماه بعد از طراحی اولیه، او اسکوتر مخصوصش را در گاراژ پسر عمیش که محل تعمیر تراکتور بود، ساخت. همه می‌گفتند این وسیله بر اساس اصول علمی ساخته شده اما رالف معتقد بود کار کردن این وسیله از روی خوشبختی و سعادت‌مندی اوست و فکر می‌کرد به دنیا آمده تا به کسانی که توانایی حرکت ندارند کمک کند. رالف دوباره به دانشگاه بازگشت و بعد از آن در یک کارخانه تامین قطعات خودرو به عنوان تکنسین کنترل کیفیت مشغول به کار شد. رالف با اسکوتر مخصوص خودش سر کار می‌رفت. دیگران او را می‌دیدند و به او می‌گفتند کسی را می‌شناسند که به وسیله‌ای مثل این نیاز دارد. این موضوع باعث شد که او به مدت ۸ سال تا سال ۱۹۷۰ و به صورت پاره وقت برای دیگران اسکوتر برقی بسازد. رالف برای رفتن به محل کارش پشت یک کامیون قدیمی پست سوار می‌شد و اسکوترش پشت کامیون قرار می‌گرفت تا این‌که کارخانه به محل دورتری انتقال یافت و رالف سعی کرد وسیله نقلیه ایمن‌تری پیدا کند.

در سال ۱۹۷۰ ون‌های جدیدی به بازار آمد که دارای تهویه و قدرت فرمان عالی بود. رالف فکر کرد می‌تواند یکی از این ون‌ها را طوری تغییر دهد تا با استفاده از صندلی چرخ‌دارش رانندگی کند. او بالابری



کبری موسوی و منصور خیری در سال ۹۱ با هم ازدواج کردند. کبری که در سن هفده سالگی در اثر افتادن از ارتفاع دچار ضایعه نخاعی شده وقتی که مسافر آقای خیری بود با درخواست ازدواج از جانب او مواجه شد و پس از مدتی به او جواب مثبت داد. حاصل این ازدواج هانیسای پنج ساله است که به زندگی این زوج رنگ و بویی تازه بخشید. با آنها که دعوت ما را پذیرفتند و به مرکز رعد آمدند، به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



هر زندگی سختی‌هایی دارد ولی امیدواری هم هست

دیگری که می‌شناختم محلی را برای خیاطی راه‌اندازی کردیم و دو سال به این طریق کار کردیم. تا این‌که به دلیل مشکلاتی که برای این خانم پیش آمد، به همکاری با یکدیگر خاتمه دادیم. بعد با کمک رعد توانستم چرخ‌های خیاطی این خانم را بخرم و از آن به بعد خودم در خانه به‌طور مستقل کار کنم. اکنون هم خوشبختانه کارم رونق پیدا کرده، مشتری دارم و از این راه به درآمد رسیده‌ام.

بچه‌ها را با گفتن نمی‌توانی و نمی‌شود و از این قبیل کلمات محدود نکنید، خواستن، توانستن است. اگر بخواهید همه چیز امکان‌پذیر است

شما از هفده سالگی دچار معلولیت شدید، بعد از این حادثه چگونه با مشکل جسمی خود کنار آمدید؟
کبری: من در اثر یک اتفاق دچار ضایعه نخاعی شدم. در حالی که تا قبل از آن اصلاً در مورد ضایعه نخاعی چیزی نمی‌دانستم. بعد از آن حادثه تا مدت‌ها بستری و تحت درمان بودم. بعد از یکسال به من گفتند که دیگر نمی‌توانم راه بروم و این خبر وحشتناکی برای من بود. دو

رعد می‌آمدم و با وجود این‌که منزل ما از رعد خیلی دور بود ولی کلاس‌ها را ادامه دادم و در این مدت خیاطی را به‌طور کامل یاد گرفتم.
شما الان از راه خیاطی به درآمد رسیده‌اید. کار خیاطی را چگونه به‌طور مستقل ادامه دادید؟
کبری: بعد از ازدواج و بچه‌دار شدن، رفت و آمد به رعد برایم مشکل شد. بنابراین با خانم خیاط

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

کبری موسوی هستم. مشکل ضایعه نخاعی دارم که در اثر افتادن از ارتفاع در سن هفده سالگی اتفاق افتاد.
منصور خیری هستم، ۴۶ ساله. قبلاً کارمند اداره پست بودم، ولی به خاطر پایین بودن حقوقش از این کار بیرون آمدم و الان با ماشین کار می‌کنم. سرویس مدرسه دارم و البته کارآشیزی هم به صورت شرکتی انجام می‌دهم.

خانم موسوی شما از کارآموزان قدیمی رعد هستید. چگونه با رعد آشنا شده‌بودید؟

کبری: روزی در مطب یک پزشک، با خانمی آشنا شدم. وقتی او با روحیه خراب من روبه‌رو شد، مجتمع رعد را به من معرفی کرد و گفت در این مرکز می‌توانی کاری یاد بگیری و از خودت درآمد داشته‌باشی. سال ۸۴ به رعد آمدم و در کلاس خیاطی ثبت نام کردم. حدود شش سال به



سال اول روی ویلچرمی نشستم ولی با درمان‌های توانبخشی بسیار زیادی که انجام دادم و پس از عمل جراحی، توانستم با کمک واکر و بریس راه بروم. الان هم با بریس و عصا راه می‌روم. وقتی به رعده آمدم در کنار کلاس خیاطی، از خدمات توانبخشی مجتمع هم استفاده می‌کردم. تا قبل از اینکه بارعه آشنا شوم، خیلی افسرده بودم. وقتی به رعده آمدم روحیه‌ام تغییر کرد چون افراد زیادی را دیدم که مثل من دچار مشکل بودند ولی به زندگی امیدوار بودند.

چگونه با یکدیگر آشنا شدید؟

منصور: ایشان مسافر من بودند. چندین بار به طور اتفاقی سوار ماشین من شدند. بعد از آن من به ایشان پیشنهاد ازدواج دادم. البته ابتدا قبول نمی‌کردند.

شما چرا قبول نمی‌کردید؟

کبری: چون فکر می‌کردم که شاید منصور نتواند با شرایط من کنار بیاید. خانواده‌ام هم بر این عقیده بودند که مردان نمی‌توانند با چنین مشکلی کنار بیایند و به همین دلیل سختگیری می‌کردند و با این ازدواج موافق نبودند. ولی مدتی که گذشت و با ایشان بیشتر آشنا شدم و بیشتر با هم صحبت کردیم، نظرم تغییر کرد و متوجه شدم که واقعا قصد زندگی مشترک دارند.

ملاک شما برای ازدواج با ایشان چه بود؟

منصور: من ایشان را فردی پر تلاش و با اراده دیدم و چون هدف و پشتکار خوبی داشت به این نتیجه رسیدم که می‌توانم زندگی خوبی با او داشته باشم. این خصوصیت در ایشان خیلی مورد توجه من قرار گرفت، به طوری که مشکل جسمی به نظرم کم اهمیت آمد.

خانواده شما با این موضوع چگونه برخورد کردند؟

منصور: آنها اول مخالفت کردند، ولی با صحبت‌هایی که با آنها انجام دادم، رضایت دادند. من به آنها گفتم که هم به من و هم به ایشان باید فرصت دهند که بتوانیم زندگی مشترکمان را شروع کنیم. دلیل نمی‌شود که اگر کسی با نوعی مشکل جسمی روبه‌رو باشد، دیگر حق زندگی کردن نداشته باشد.

الان در خانه یک اتاق را به کار خیاطی اختصاص داده‌ام و خدا را شکر که کارم خوب است، مشتری دارم و انواع لباس‌های شب، مانتو و لباس راحتی را به سفارش مشتری می‌دوزم

البته مادرم مخالفتی نداشتند حتی در جمع خانواده هم می‌گفت که شاید از ایشان کارهایی بر بیاید که از خیلی از افراد به ظاهر تندرست هم بر نیاید و همین طوره‌م شد. بعد از این صحبت‌ها دیگران هم مخالفتی نکردند و ما در آبان ماه سال ۹۱ ازدواج کردیم و خدا را شکر از زندگی‌مان هم بسیار راضی هستیم. خدا هم یک دختر خوب و دوست‌داشتنی به ما هدیه کرده که رنگ تازه‌ای به زندگی‌مان بخشیده است. دخترمان هانیسا در سال ۹۲ به دنیا آمد و الان پنج ساله است. هانیسا خیلی هم به کار خیاطی علاقه‌مند است و یکی از سرگرمی‌هایش کشیدن الگو با روزنامه و خودکار است.

کبری: مادر منصور سواد کلاسی ندارند ولی بسیار خانم فهمیده‌ای هستند و حرف‌هایی می‌زدند که خیلی مرا به آینده امیدوار می‌کرد. مثلا می‌گفت ممکن است که من هم از خانه بیرون بروم و حادثه‌ای برآیم اتفاق بیفتد که دچار معلولیت شوم، در چنین حالتی آیا دیگر حق زندگی ندارم؟! حضور مادرشان دلگرمی بزرگی برای من بود. در خانواده خودم برادرم بیشتر نگران بود که زندگی ما بیشتر از چند ماه ادامه نیابد. بعد از حرف‌های مادر شوهرم و رفت و آمد ایشان، او هم کم‌کم راضی شد. الان هم خودمان و هم خانواده‌ها خیلی خوشحال و راضی هستیم.

توصیه شما به دوستان دیگران در رعه چیست؟ آیا ازدواج را به بقیه دوستانتان هم توصیه می‌کنید؟

کبری: به نظرم هر شخصی هر چقدر هم که مشکل داشته باشد، حق زندگی دارد و نباید امیدش را از

دست بدهد. انسان با هر نوع مشکلی هم می‌تواند زندگی کند. البته سخت است ولی غیرممکن نیست. بچه‌ها نباید ناامید باشند. من هم بعد از ازدواج خیلی سختی کشیدم. افراد دارای معلولیت با مشکلات بیشتری در زندگی روبه‌رو هستند و اگر در شروع زندگی از حمایت‌های مالی برخوردار باشند، کارها کمی آسان‌تر می‌شود. خوشبختانه برادرم در اوایل زندگی به ما کمک کرد و خودمان هم تلاش کردیم و زندگی‌مان راجلو بردیم. به هر حال هر زندگی سختی‌هایی دارد ولی امیدواری هم هست. من به دوستان توصیه می‌کنم که چنانچه فرد مناسب و شرایط خوبی پیدا شد، حتما ازدواج کنند. روحیه من پس از ازدواج خیلی بهتر شد. بعد از ازدواج توانستم یک زندگی مستقل داشته باشم، مادر شوم و مثل بقیه افراد زندگی کنم و خانواده داشته باشم، این‌ها چیزهای کمی نیستند. من هم در شروع زندگی می‌ترسیدم که نتوانم از پس مسئولیت‌های زندگی برآیم ولی اگر انسان‌ها کمی درک متقابل داشته باشند و کمی گذشت داشته باشند، مسایل حل می‌شود.

منصور: من راننده سرویس یک مدرسه توانخواهان در شهرک غرب هستم که یک مدرسه استثنایی است. یکی از بچه‌های کلاس سوم ابتدایی این مدرسه، از اول سال تا حالا به مدرسه نیامده و می‌ترسد که به مدرسه بیاید. در حالیکه یکی دیگر از شاگردان همین مدرسه وقتی به هر دلیل مدرسه تعطیل می‌شود، گریه می‌کند که چرا مدرسه تعطیل است؟ می‌خواهم بگویم که چقدر تفاوت بین افراد وجود دارد. یکی خودش را محدود می‌کند و به مدرسه نمی‌رود و یکی دیگر آنقدر پرتلاش و با انگیزه است. یعنی اصل خود افراد هستند که باید بخواهند تا در زندگی به موفقیت برسند. کمک دیگران شاید تاثیر داشته باشد، ولی این خود افراد هستند که به دلیل یک مشکل نباید خودشان را محدود کنند. من هم فکر می‌کنم هر کسی که امکانش را دارد، بهتر است که ازدواج کند. ازدواج وابستگی‌ها را به پدر و مادر و اطرافیان کمتر می‌کند و باعث استقلال فرد می‌شود. زندگی مجردی وابستگی و تکرار و روزمرگی می‌آورد و باعث افسردگی و از بین رفتن استعدادها می‌شود. همین که فرد حرفه‌ای یاد بگیرد و بتواند روی پای خودش بایستد، خیلی مهم است.



می‌شوند، برایشان هم تفریح است و هم یاد گرفتن حرفه‌ای است که به استقلالشان می‌انجامد.

منصور: وجود چنین موسساتی هم باعث کم شدن بار دولت می‌شود و هم به چنین افرادی کمک می‌کند که توانمند شوند، به اشتغال برسند و خود کفا شوند. البته قرار نیست کارآموزانی که از امکانات چنین موسسه‌هایی استفاده می‌کنند تا ابد بمانند و وابسته به این مکان شوند. باید با هدف و انگیزه بیایند، یاد بگیرند و مشغول به کار شوند، تا هم از بار موسسه کم شود و هم خودشان به استقلال برسند. متأسفانه روز به روز آمار تصادفات و حوادث منجر به معلولیت زیادتر می‌شود و موسساتی مانند رصد نقش یک ایستگاه موقت را دارد که افرادی که معلولیت دارند بیایند، از حمایت این موسسه برخوردار شوند و بروند. نه اینکه بیایند و اینجا بمانند و جا برای دیگران را تنگ کنند. من نقش رصد را اینگونه می‌بینم.

توصیه شما به بچه‌ها چیست؟

منصور: توصیه‌ام این است که هیچوقت ناامید نباشند. به دنبال علایق و خواسته‌هایشان چه در کارهای هنری و چه در کارهای دیگر بروند و بدانند که حتما موفق می‌شوند. خداوند به همه افراد استعداد و توانمندی‌هایی داده‌است. بچه‌ها باید استعداد خودشان را کشف کنند و همان را ادامه دهند و بدانند اگر کاری را خوب بلد شوند، هیچوقت بی‌کار نمی‌مانند.

کبری: توصیه‌ام این است که ناامید نشوند. حرفه‌ای که یاد می‌گیرند را دنبال کنند و امیدوار به زندگی باشند. به خانواده‌ها هم می‌گویم که بچه‌ها را با گفتن نمی‌توانی و نمی‌شود محدود نکنند و بدانند که خواستن، توانستن است.

من در شروع زندگی می‌ترسیدم که نتوانم از پس مسئولیت‌های زندگی برآیم ولی اگر زن و شوهر درک متقابل داشته باشند و کمی گذشت داشته باشند، مسایل حل می‌شود

خدا را شکر همسرم از نظر اخلاقی خیلی خوب است. هیچ موقع به من فشار نمی‌آورد که چرا این کار را کردی و یا چرا نکردی. همیشه همراه و حامی من در زندگی بوده است.

آشنایی با رصد چه اثراتی در زندگی شما گذاشت؟

کبری: رصد در زندگی من نقش مهمی ایفا کرد. باعث شد که به زندگی خیلی امیدوار شوم. پس از حادثه‌ای که برایم پیش آمد احساس می‌کردم دنیا به آخر رسیده‌است. به رصد که آمدم هم روحیه‌ام عوض شد و هم کاری یاد گرفتم که باعث شد به درآمد برسم. الان هم هنوزگاهی به رصد می‌آیم و اگر مشکلی داشته باشم با مددکار دلسوز و مهربان رصد صحبت می‌کنم. ایشان هم همیشه به من کمک کرده‌اند. واقعا باید خدا را شکر کرد که چنین جایی برای افرادی که معلولیت دارند وجود دارد که به آنها انگیزه زندگی کردن می‌دهد. همین که بچه‌ها از خانه خارج می‌شوند و در چنین محیطی دور هم جمع

الته ازدواج باید از روی عشق و آگاهی باشد و نه از روی ترحم. همان‌طور که حضرت علی(ع) می‌فرماید، هر کاری که می‌خواهی بکنی به آخرش نگاه کن. اگر نتیجه‌اش خوب است و به خیر و صلاح منجر می‌شود، آن کار را انجام بده. که مسلما در ازدواج خیر و صلاح وجود دارد و فقط باید انسان کمی همت داشته باشد.

از کارتان بگویید. آیا کار خیاطی با توجه به مشکل جسمی که دارید، به شما فشار نمی‌آورد؟

کبری: سعی می‌کنم جوری کار کنم که فشار زیادی به من نیاید. گاهی زیاد که می‌نشینم پایم ورم می‌کند. ولی به هر حال کارم رادوست دارم و بی‌کاری بیشتر اذیتم می‌کند. وقتی به رصد می‌آمدم از خدمات فیزیوتراپی و کاردرمانی استفاده می‌کردم. حالا هم از خدمات توانبخشی مرکز مولوی استفاده می‌کنم. چون کارخیاطی انجام می‌دهم، حتما باید از این خدمات استفاده کنم.

الان در خانه یک اتاق را به کار خیاطی اختصاص داده‌ام و خدا را شکر که کارم خوب است، مشتری دارم و انواع لباس‌های شب، مانتو و لباس راحتی را به سفارش مشتری می‌دوزم. منصور: البته چون مستاجر هستیم، کمی مشکل داریم. یعنی همیشه باید یک اتاق اضافه برای کار خیاطی داشته باشیم و حتما به صاحبخانه هم بگوییم که این کار را می‌کنیم. خوشبختانه تا به حال صاحب خانه‌هایمان همه خوب بوده‌اند و با ما کنار آمده‌اند.

آیا در کارها از حمایت همسران هم برخوردار هستید؟

کبری: بله. همسرم همیشه در همه کارها، چه در خانه‌داری و چه در بچه‌داری به من کمک کرده است.





دکتر حیدر فارسی

Novindiet.com

روی

و اهمیت آن برای سلامتی

رشد، تضعیف سیستم ایمنی، تاخیر در بلوغ جنسی، اسهال، ضایعات پوستی، ریزش مو، تاخیر در التیام زخم‌ها، کاهش وزن ناخواسته و هیپوگنادیسم (عدم تولید مقادیر کافی هورمون تستوسترون) در مردان.

پیشگیری و درمان کمبود روی

این ماده در مواد غذایی مانند حبوبات، گوشت، ماهی، مغزها، محصولات لبنی و غلات صبحانه غنی شده یافت می‌شود. افرادی که رژیم غذایی متنوعی دارند به میزان کافی از مواد غذایی روی دریافت می‌نمایند.

توصیه می‌شود مردان و زنان بزرگسال روزانه به ترتیب ۱۱ و ۸ میلی‌گرم روی دریافت نمایند. میزان توصیه شده برای کودکان ۱ تا ۸ سال با توجه به سن ۳ تا ۵ میلی‌گرم، پسران ۹ تا ۱۳ سال ۸ میلی‌گرم، پسران بزرگتر از ۱۴ سال ۱۱ میلی‌گرم، دختران ۸ تا ۱۳ سال ۸ میلی‌گرم و دختران ۱۴ تا ۱۸ سال ۹ میلی‌گرم است. میزان مورد نیاز برای دوران بارداری و شیردهی ۱۱ تا ۱۳ میلی‌گرم در روز است.

دریافت مکمل مواد مغذی ممکن است تمام فواید ناشی از مصرف مواد غذایی حاوی آن ماده مغذی را به همراه نداشته باشد. بنابراین توصیه می‌شود ابتدا تلاش شود نیاز به این ماده از طریق رژیم غذایی تامین شود. سپس در صورت لزوم از مکمل استفاده گردد. مکمل‌ها به صورت گلوکونات روی، سولفات روی و یا استات روی در بازار وجود دارند.

مسمومیت با روی

دریافت بیش از حد معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که افراد با هدف تقویت سیستم ایمنی خود مقادیر زیادی مکمل روی دریافت می‌کنند.

دریافت بیش از حد سبب بروز علائمی مانند تهوع و استفراغ، سردرد و دردهای گوارشی می‌شود. به همین علت افراد بالاتر از ۱۹ سال نباید روزانه بیش از ۴۰ میلی‌گرم دریافت نمایند. بنابراین لازم است قبل از دریافت مکمل روی با متخصص تغذیه مشورت شود.

روی در بدن وظایف متعددی را بر عهده دارد که عبارتند از: کمک به عملکرد برخی آنزیم‌ها، تقویت عملکرد سیستم ایمنی، تقسیم سلولی، حفظ حس بویایی و چشایی، بهبود زخم‌ها، رشد و تکامل. دریافت مقادیر کافی روی توسط کودکان از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا حتی کمبود خفیف آن می‌تواند سبب اختلال رشد شده و خطر عفونت، اسهال و بیماری تنفسی را افزایش دهد.

این ماده معدنی در بدن ذخیره نمی‌شود. بنابراین به منظور جلوگیری از کمبود آن لازم است مقدار مورد نیاز بدن از طریق غذای تامین شود.

علل و علائم کمبود روی

در سراسر جهان حدود ۱/۱ میلیارد نفر به کمبود روی مبتلا هستند. دریافت ناکافی از طریق رژیم غذایی، سوءجذب و افزایش از دست‌دهی آن از طریق بدن و برخی بیماری‌ها مانند سرطان، سلولیک، اسهال مزمن، بیماری مزمن کلیوی یا کبدی، دیابت، کرون و کولیت اولسراتیو در بروز کمبود آن نقش دارند.

روی موجود در گوشت به خوبی توسط بدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گیاهخواران که تمایل به مصرف حبوبات، مغزها و غلات دارند به علت حضور مقادیر بالای فیتات در رژیم غذایی جذب روی مختل می‌شود. فیتات به روی متصل شده و مانع جذب آن توسط بدن می‌شود. بنابراین احتمال کمبود روی در گیاهخواران وجود دارد. به علت جذب کمتر از مواد غذایی گیاهی نیاز گیاهخواران به روی ۵۰ درصد بیشتر از سایر افراد است.

در افراد سالمند نیز احتمال کمبود آن وجود دارد. زیرا در این گروه سنی عدم دسترسی به مواد غذایی متنوع و دریافت برخی داروها مانند دیورتیک‌های تیازیدی در بروز کمبود روی نقش دارند.

علائم کمبود عبارتند از: کاهش اشتها، کاهش سرعت

1. Zinc



عادات سالم

برای درمان بی ارادگی



از رختخواب گرم دل بکنید و بیدار شوید. شما وقتی چند دقیقه معطل می شوید تا تاکسی از راه برسد، کلی حرص می خورید، پس دیگر تکلیف آن لحظاتی که خود را از خرید کفش هفتصدهزار تومانی منصرف کردید یا سر ناهار به سیب زمینی های سرخ شده لب نزدیک مشخص است. تعجبی ندارد که ساعت شش بعد از ظهر اگر همسرتان فراموش کند سر راه شیر بخرد، جنگ جهانی سوم به پا کنید. زندگی ما پر از وسوسه هایی است که خویشنداری و اراده ی ما را تضعیف می کنند، اما تحقیقات بسیار، گواه این است که می توانیم بدون از دست دادن خونسردی، روزها را پشت سر بگذاریم و این کار آن طور که فکر می کنید، سخت نیست. نخست، باید تشخیص بدهید که انجام هر کاری که تمایلی به آن نداریم مثلاً سرکوب کردن خشم، مبارزه با وسوسه ی انجام کاری که نباید انجام بدهید، تمام کردن یک کار وقتی دلتان می خواهد آن را کنار بگذارید و منبع اراده ی شما را تضعیف می کند. اما راه چاره چیست؟ به گفته ی دکتر روی بامایستر، رئیس بخش روان شناسی اجتماعی در دانشگاه ایالتی فلوریدا، اراده مانند ماهیچه عمل می کند، اگر بیش از حد از آن استفاده کنید، خسته می شود، اما می توانید برای کارایی بیشتر، استرس کمتر و شادتر بودن، آن را تقویت کنید. شما برای بالا نگه داشتن اراده تان، فقط به چند عادت سالم احتیاج دارید.

برای تقویت اراده و فرار از بی ارادگی می توانید از روش های مختلفی در این زمینه کمک بگیرید. بالابردن اراده با غلبه بر برخی عادات نادرست میسر خواهد بود. سعی کنید با ترس های خود مقابله کنید و با آن ها رودررو شوید. برخی عادات سالم به شما در این زمینه کمک خواهند کرد.

وسوسه ی خوردن شیرینی، سرک کشیدن به گوشی، خرید، وب گردی و بسیاری کارهای دیگر رهایتان نمی کند؟ اگر چنین است، پس به اراده ی بیشتری احتیاج دارید. اراده چیزی است که همه ی ما از آن برخورداریم، اما کمیت اراده ی هر یک از ما با دیگری متفاوت است. اراده جوهره ی خویشنداری است و خویشنداری برای مقاومت در برابر وسوسه ها و رسیدن به اهداف ضروری است. به گفته ی روی بامایستر، روان شناس مشهور، «اراده یک منبع محدود است». اما خبر خوب این است که تقویت اراده آن قدر که ما فکر می کنیم سخت نیست. در این مقاله، شش راه ساده را برای بالا بردن اراده و غلبه بر بی ارادگی معرفی می کنیم که به واسطه ی آنها می توانید خویشنداری خودتان را تقویت کنید و با این ترفندهای آسان، در مقابل وسوسه ها مقاومت کنید و شاخ بی ارادگی خود را بشکنید. لحظه ای به نقش اراده در زندگی روزمره تان فکر کنید. مثلاً از لحظه ای که ساعت زنگ دار به صدا در می آید، فقط با اراده ی محض است که با وجود گرگ و میش بودن هوا می توانید



۱- در خط حمله بازی کنید

زمانی که بامایستر در آلمان، کارگران را تحت نظر گرفت، از این یافته متعجب شد که افراد هر روز بین ۳ تا ۴ ساعت در برابر تمایلاتشان مقاومت می‌کردند. رایج‌ترین این تمایلات، میل به خوردن، خوابیدن و استراحت بین کار بود. اما یافته‌ی دیگر بامایستر نشان داد افرادی که خویشتنداری قوی‌تری داشتند، زمان کمتری را صرف مقاومت در برابر تمایلاتشان می‌کردند. در آغاز، این یافته‌ها برای دکتر بامایستر گیج‌کننده بود. اگر خویشتنداری برای مقاومت در برابر تمایلات است، پس چرا کسانی که خویشتنداری بیشتری دارند، کمتر از آن استفاده می‌کنند؟ پاسخ خیلی زود برملا شد: آنها طوری به زندگی‌شان نظم می‌دهند که از موقعیت‌های مشکل‌ساز دور بمانند. اینها کسانی هستند که ماشینشان را پیش از خراب شدن، به مکانیک می‌سپارند، برای تمام کردن یک پروژه به خودشان زمان کافی می‌دهند و می‌توانند جلوی شکمشان را بگیرند. آنها به جای خط دفاع در خط حمله بازی می‌کنند، به این معنا که خودشان را آماده می‌کنند تا شانس واقع‌گرایانه‌ای برای موفقیت داشته باشند.

۲- از آرامش قبل از طوفان استفاده کنید.

شما نمی‌توانید استرس‌های ناگهانی زندگی را کنترل یا حتی پیش‌بینی کنید، اما می‌توانید از لحظات توأم با آرامش برای کنار آمدن با کارهای سخت، استفاده کنید. بهتر است ترک سیگار و صحبت کردن درباره‌ی فلان مسئله‌ی بحث‌برانگیز با همسرتان را در اوقاتی که آرامش دارید، انجام بدهید. بنابراین اگر شغل جدیدی را آغاز کرده‌اید، همزمان اقدام به ترک یکباره‌ی سیگار نکنید. اگر زندگی زناشویی‌تان دچار بحران شده‌است، همزمان سعی نکنید وزن‌تان را کم کنید و هر زمان که احساس می‌کنید رفتار دوره‌ی استرس‌زایی شده‌اید، مثلاً زمان پرداخت قسط‌هایتان نزدیک است یا مهلت انجام یک کار مهم در حال تمام شدن است، از خودتان پرسید: «من امروز، این بعد از ظهر و هفته‌ی آینده، از اراده‌ام چگونه استفاده خواهم کرد»

۳- تعلل نکنید.

تعلل ورزیدن در انجام کارها، تقریباً یک گناه جهانی است و ۹۵ درصد انسان‌ها اعتراف می‌کنند که حداقل گاهی اوقات مرتکب آن می‌شوند. البته ما هیچ ایده‌ای نداریم که آن پنج درصد باقی‌مانده چه کسانی هستند یا چه کسی را گول می‌زنند. روان‌شناسان، گناه تعلل ورزیدن را به گردن وسواس بی‌عیب و نقص انجام دادن کارها می‌اندازند. بی‌عیب و نقص انجام دادن کارها به نظر عادت خوبی است، اما دکتر بامایستر و دکتر دیان تاپس دریافته‌اند که به احتمال زیاد، پشت این عادت به‌ظاهر خوب، تکانشگری وجود دارد. زمانی که تعلل‌ورزها نگران یا کسل هستند، تسلیم این میل می‌شوند که روحیه‌شان را با انجام کار دیگری بهتر کنند. اما آنها خودشان را گول می‌زنند، چون در نهایت، مهلت انجام کاری که از آن طفره می‌روند به آخر می‌رسد و آنها خیلی بیشتر از کسانی است که طبق یک برنامه‌ی زمانی عمل می‌کنند از استرس ناشی از نقصان اراده رنج می‌برند.





۴- همیشه اصول را به یاد داشته باشید.

همزمان که در جهت هدفی کار می‌کنید، شاید وسوسه شوید به کارهای دیگر مثلاً وعده‌های غذایی منظم و خواب خوب شب اعتنا نکنید. شما نمی‌توانید با گرسنگی و بی‌خوابی، بر بی‌ارادگی غلبه کنید و به سخت‌کوشی‌تان ادامه دهید. بنابراین، بار دیگری که احساس کردید نیروی اراده‌تان می‌خواهد بدون وقفه بتازد، یک مشت بادام یا یک سیب بخورید و به یاد بیاورید که وقتی صحبت از اراده می‌شود، استراحت هم به اندازه‌ی تغذیه مهم است.

۵- سوابق اراده‌تان را روی کاغذ ثبت کنید

نگه داشتن ردِ پیشرفت، برای متمرکز ماندن روی هر برنامه‌ای، حیاتی است، به‌ویژه در اوقاتی که دچار تردید و سستی می‌شوید، می‌توانید با نگاه کردن به سابقه‌ی اراده‌تان، به‌جای اینکه کارتان را به‌عنوان «عمل محکوم به شکست» کنار بگذارید، روحیه‌تان را تقویت کنید و بی‌ارادگی را کنار بگذارید. اگر نموداری از کم شدن تدریجی وزن‌تان در شش ماه گذشته تهیه کرده باشید، در آن صورت، بالا رفتن چند کیلو وزن در این هفته، ناامیدتان نخواهد کرد.

۶- به خودتان پاداش بدهید

مشوق‌ها برای غلبه بر بی‌ارادگی معجزه می‌کنند. استر داپسون یک روزنامه‌نگار و کسی که روزانه به‌طور منظم شنا می‌کند از یافتن انگیزه‌ی درست برای استفاده‌ی منظم از نخ دندان پس از سال‌ها تنبلی در این کار می‌گوید: «اگر از نخ دندان استفاده کنم، به خودم اجازه می‌دهم روز بعد پنج دقیقه بیشتر شنا کنم.» این گفته‌ی چهار سال پیش اوست و از آن زمان تاکنون، او هر شب از نخ دندان استفاده کرده است. همه باید از مشوق دلخواهشان برای انگیزه پیدا کردن و شکست دادن بی‌ارادگی استفاده کنند. مشوق شما چیست؟

معرفی کتاب



پسر دیر آموز من

نام کتاب: پسر دیر آموز من

تالیف: مهوش کیان ارثی

ناشر: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

چاپ اول: ۱۳۹۶، تهران

نویسنده در بخش دیگر این کتاب به ویژگی‌های شخصیتی افراد دیرآموز اشاره می‌کند. به گفته او، این افراد افرادی صادق، عاطفی، مهربان، هیجان‌زده، زودباور، رک‌گو و عجول هستند که این ویژگی‌ها آنها را در برخورد با سایر افراد جامعه آسیب‌پذیر می‌کند. کیان ارثی درباره زندگی اجتماعی این افراد و از امکان سوءاستفاده از آنها توسط افراد دیگر می‌گوید و از چالش‌هایی که خودش در جواب به سوالات فرزندش در مورد مسائلی چون ازدواج با آن روبه‌رو بوده، می‌گوید.

درفصل دیگر نویسنده به چگونگی تقویت روحیه خودش برای اینکه بتواند شاد و سرحال بماند و دشواری برخورد با فرزند دیرآموزش او را فرسوده نکند می‌پردازد. او خواندن کتاب، معاشرت با دوستان و مسافرت را از کارهایی می‌داند که در این سال‌ها او را سالم و سرزنده نگهداشته‌است.

درفصل دیگر، این مادر نویسنده به این نکته می‌پردازد که افراد دیرآموز تا چه میزان باید درباره مشکل خود آگاهی داشته‌باشد و اینکه آیا این آگاهی موجب صدمه روحی به آنها می‌شود یا خیر؟ در خاتمه نویسنده با دکتر بهروز دولتشاهی روانشناس درمورد ویژگی‌های افراد دیرآموز گفت‌وگو کرده و خوانندگان را با نظرات و دیدگاه‌های این متخصص درمورد این افراد آشنا می‌کند.

خواندن این کتاب ارزشمند که عصاره تجربیات یک مادر توانمند در توانا کردن فرزند دیرآموز خود است را به همه والدینی که فرزند دارای معلولیت دارند، توصیه می‌کنیم. گفتنی است نویسنده کتاب اجازه انتشار تجارب زیستی خودش و فرزندش را قبل از چاپ از او گرفته‌است.

کتاب «پسر دیرآموز من» یکی از کتاب‌های خواندنی و کاربردی در حوزه توانیایان است. نویسنده کتاب مادری است که خودش یک فرزند دیرآموز دارد. او تجربیات خود را از ابتدای به دنیا آمدن و مراحل رشد فرزندش در مراحل مختلف زندگی در این کتاب منعکس کرده‌است.

کتاب «پسر دیرآموز من» دارای یک مقدمه و متن کوتاه در سپاسگزاری نویسنده از تمام کسانی است که او را در تالیف کتاب مساعدت نموده‌اند.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده توضیحات مبسوطی درباره چگونگی رشد فرزند خود از ابتدای تولد تا سنین سی سالگی عنوان می‌کند. او با توجه به تجربیات خود، توجه به سه اصل را در تسریع آموزش افراد دیرآموز موثر می‌داند. اصل اول، لزوم کوتاه مدت بودن آموزش‌های این افراد با توجه به کاهش تمرکز آنها است. اصل دوم، لزوم آموزش انفرادی آنهاست، چرا که آموزش‌پذیری این افراد در جمع کم‌تر است و باید انفرادی آموزش ببینند و اصل سوم، ایجاد هماهنگی بین پدر، مادر و آموزگار در شیوه آموزش به آنها است.

علاقمندان به خواندن این کتاب می‌توانند آن را از کتابفروشی‌های زیرتجهیه نمایند.

۱- فروشگاه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران | تلفن: ۲۲۱۸۰۰۸۱

فروشگاه دانشگاه علوم بهزیستی این امکان را دارد که در صورت واریز پول کتاب و هزینه پیک به حساب فروشگاه، کتاب را به هر آدرسی در داخل تهران بفرستد. برای شهرهای دیگر نیز با پرداخت پول کتاب و هزینه پست، کتاب‌ها را به هر شهری فرستاده خواهد شد.

۲- انتشارات کتاب اختران

آدرس: خیابان انقلاب- خیابان منیری جاوید- بازارچه کتاب- شماره ۸۳ | تلفن: ۶۶۴۶۲۲۸۲ - ۶۶۴۱۱۴۲۹

۳- انتشارات علوم بنیادی

آدرس: خیابان انقلاب- بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه- جنب بانک ملت- مجتمع پارسا- واحد ۹ | تلفن: ۶۶۹۷۳۷۷۴

۴- نشر دف

آدرس: پل سید خندان حدفاصل خیابان شریعتی و سهروردی پلاک ۶۴- طبقه همکف شرقی

۵- نشر ثالث

آدرس: خیابان کریم خان زند- بین خیابان ایرانشهر و خیابان ماهشهر- پلاک ۱۴۸ و ۱۵۰ | تلفن: ۸۸۳۲۵۴۷۷

۶- نشر چشمه

آدرس: خیابان کریم خان زند- نبش خیابان میرزای شیرازی- شماره ۱۰ | تلفن: ۸۸۳۲۵۴۷۶ - ۸۸۹۰۷۷۶۶



در رصد کرمان چه گذشت؟

همزمان با بهره برداری از ساختمان جدید رصد کرمان، سومین جشنواره ملی خودباوری آغاز به کار کرد



براساس این گزارش گروه سرود رصد کرمان پس از اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران در ابتدای مراسم، قطعاتی از سرودها و جمع‌خوانی‌ها را اجرا کرد.

در قسمتی از این مراسم صدیقه اکبری نایب رئیس هیأت مدیره مجتمع آموزشی نیکوکاری رصد به نمایندگی از ۲۷ مرکز رصد سراسر کشور با اهدا تندیس به پروفیسور محمدحسن کریمی نژاد از سال‌ها حمایت و هدایت این چهره ماندگار عرصه علم و خدمت قدردانی کرد.

در ادامه گردهمایی ۲ روزه مسؤولان و مدیران عامل مراکز رصد در سراسر کشور، آیین پایانی سومین جشنواره ملی خودباوری با حضور جمعی از نیکوکاران شهر کرمان و همراهی میهمانان حاضر در مراسم اعم از مدیران و کارکنان رصد کرمان و سایر مسؤولان محلی آن شهر، برگزار شد.

در این مراسم منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رصد با ذکر آرزوی همگرایی مراکز رصد، افزود: امروز خیلی خوشحالم که مراکز رصد در رویدادی مشترک با هم شرکت کرده‌اند. این اتفاق مهم در شهر کرمان و همزمان با افتتاح ساختمان جدید این مرکز و برگزاری سومین جشنواره ملی خودباوری شکل عملی به خود گرفته است.

وی افزود: از آنجا که جشنواره خودباوری فرصت مناسبی برای ارتقاء ظرفیت‌های علمی

آیین گشایش ساختمان جدید مجتمع آموزشی و بهداشتی رصد کرمان ملقب به ۴۸ ستون ماندگار با کمک‌های مالی و هدایت‌های پروفیسور محمدحسن کریمی نژاد، رئیس هیأت امنای رصد کرمان پس از سال‌ها فعالیت و انتظار و سرمایه‌گذاری حدود ۶ میلیارد تومانی با حضور جمعی از نیکوکاران و مقامات شهر کرمان و مدیران مراکز رصد سراسر کشور برگزار شد.

در این مراسم که با برگزاری سومین دوره جشنواره ملی خودباوری و نمایشگاه توانمندی توان‌یابان کشور هم‌زمان بود، پروفیسور کریمی نژاد طی سخنانی ضمن تشکر از ابراز محبت حضار، افزود: در زمان وقوع زلزله بم با سرمایه‌ی قابل توجهی که آن زمان از محل دارایی شخصی برای کمک به مردم آسیب دیده در نظر گرفته بودم به آن شهر سفر کردم و از آنجا که اوضاع را مناسب ندیدم و بی برنامه‌گی وجود داشت و از طرف دیگر از قبل با اهداف و فعالیت‌های رصد آشنا بودم ضمن تماس با دوستان و مسؤولان رصد، علاقه‌مندی خودم را برای تأسیس رصد کرمان اعلام کردم.

وی افزود: امروز به لطف خدا ساختمان جدید کرمان در ۳ طبقه و یک طبقه زیرزمین به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع زیربنا و بودجه‌ای معادل ۶ میلیارد تومان نیاز توان‌یابان کرمان در زمینه‌های آموزش، مهارت، پیشگیری از معلولیت و اشتغال را برطرف می‌کند.





و تخصصی مراکز رعد محسوب می‌شود، بنا براین زمان محدود یک ماهه‌ای را در نظر گرفتیم تا مراکزی که علاقه‌مند به میزبانی چهارمین دوره جشنواره خودباوری هستند، درخواست خود را به دبیرخانه دائمی جشنواره مستقر در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد ارسال کنند تا پس از بررسی و امکان‌سنجی نسبت به واگذاری امتیاز میزبانی به یکی از مراکز تصمیم‌گیری شود. همچنین مجتمع رعد آمادگی دارد با هدف بالابردن توان علمی و تخصصی مراکز با اعلام قبلی نسبت به میزبانی از کارشناسان مراکز برای بازآموزی و برگزاری دوره‌های آموزش اقدام یا با اعزام مدرسان به استان‌ها این خدمات را در جهت هم‌افزایی مراکز رعد اجرا کند.

در ادامه بیانیه هیأت داوران جشنواره با یادآوری ضرورت همگرایی تشکلهای فعال حوزه معلولان قرائت شد و در بخشی از این بیانیه، دکتر محمد کمالی رئیس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پروفسور محمدحسن کریمی نژاد رئیس هیأت امنای رعد کرمان و دکتر سید مجید میرخانی رئیس هیأت مدیره انجمن توانبخشی ولی عصر به عنوان اعضاء هیأت داوران این دوره معرفی شد و محورهای آموزشی-پرورشی، اشتغال و کاربایی، تبلیغات و رسانه، علمی، فرهنگی و نوآوری و فعالیت‌های اجتماعی، ۵ زمینه رقابت‌های عملکردی مراکز رعد ذکر شد.

براساس این گزارش در محور آموزشی و پرورشی مرکز رعد الغدیر پاکدشت با کسب ۲۴۵ امتیاز مرکز شایسته‌قدردانی و مجتمع رعد فاطمیه قم با کسب ۲۷۰ امتیاز رتبه مرکز برتر این محور معرفی شد، در محور اشتغال و کاربایی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد سنندج با کسب ۲۴۵ امتیاز مرکز شایسته‌قدردانی و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد الغدیر تهران با کسب ۲۸۵ امتیاز رتبه مرکز برتر این محور معرفی شد، در محور علمی، فرهنگی و نوآوری مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد الغدیر با کسب ۲۵۵ امتیاز مرکز شایسته‌قدردانی و مجتمع توان‌یابان مشهد با کسب ۲۶۰ امتیاز مرکز برتر این رشته معرفی شد، در محور تبلیغات و رسانه مجتمع رعد کرمان با کسب ۲۷۰ امتیاز مرکز شایسته‌قدردانی و مؤسسه کاشانه مهرکاشان با کسب ۲۷۵ امتیاز مرکز برتر این رشته معرفی شد و در محور فعالیت‌های اجتماعی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با کسب ۱۴۰ امتیاز مرکز شایسته‌قدردانی و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد کرمان با کسب ۲۳۰ امتیاز مرکز برتر این رشته معرفی شد.

شایان ذکر است در سومین جشنواره خودباوری به مراکز شایسته تقدیر لوح سپاس و به مراکز برتر لوح سپاس و تندیس «مرغ همت» اهدا شد.

در بازدید مسوولان سازمان بهزیستی کشور از مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد مطرح شد؛ اشتغال حمایت شده را باید همه جانبه حمایت کنیم



مسوولان سازمان بهزیستی کشور و مدیران و کارشناسان اداره بهزیستی شمیرانات در یک دیدار صمیمانه، مهمان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد بودند.

در این دیدار که به دعوت مدیرعامل برگزار شد، در ابتدا مهمانان و کارمندان رعد به معرفی خود پرداختند و پس از گپ‌وگفتی دوستانه، منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد ضمن قدردانی از بهزیستی کشور بابت همراهی در توسعه روش اشتغال حمایت شده در کشور، در مورد مزایای این روش توضیح داده و گفت: ما این برنامه را تدارک دیدیم تا بتوانیم یک بار از نزدیک با همه دوستانی که تا کنون با هر کدامشان به روش‌های مختلف و در پروژه‌های مختلف همکاری داشته‌ایم، ملاقات کنیم و مراتب سپاس خود و کارآموزان رعد را به ایشان ابلاغ کنیم.

وی در ادامه به تفاوت‌های اساسی روش اشتغال حمایت شده با سایر روش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت اشاره کرد و گفت: مهم‌ترین وجه تمایز این روش، شناخت علاقه و استعداد فرد است. در این روش، فرد با کمک همیار شغلی خود به دنبال کاری می‌رود که در آن استعداد دارد و علاقه‌مندی قلبی فرد است. فارغ از نوع معلولیتی که ممکن است، شخص داشته باشد. دست کم یک شغل یافت می‌شود که او بتواند در آن شغل خود را شکوفا کند.

مروج روش اشتغال حمایت شده در ایران، با ذکر نمونه‌ای عملی از کارآموزان رعد، یکی از همکاران روابط عمومی رعد را مثلاً زدند که با تمرکز بر استعداد و توانایی‌شان در فن نوشتن، جایگاه مناسبی برای خود به دست آورده و بسیاری را به تحسین توانمندی و استعداد خود واداشته است.

در ادامه این دیدار، دکتر افروز صفاری فرد ضمن اشاره به رشد مناسب مراکز اشتغال حمایت شده در کشور، تمرکز سازمان بهزیستی را ارتقاء کیفیت ارائه خدمات توسط این مراکز عنوان کرد و گفت: اکنون ما ۱۸ مرکز فعال در ایران داریم که باید ضمن این که به صورت همه‌جانبه از این روش حمایت می‌کنیم، از این به بعد تا مدتی تمرکزمان را بر گرفتن بازخورد از فعالیت این مراکز، بهبود مستمر روش‌ها و برنامه‌های این مراکز و در نهایت انجام اقدام‌های اصلاحی جهت بهینه‌سازی و انطباق کامل روش اشتغال حمایت شده با فرهنگ و مقتضیات کشورمان قرار دهیم.

مدیرکل توانمندسازی معلولان سازمان بهزیستی در ادامه افزود: می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی روش اشتغال حمایت شده، ادامه پشتیبانی از فرد کارجو پس از اشتغال به کار است. این موضوع باید در یک دوره ۲ تا ۳ ساله به صورت عملی توسط مراکز ما تجربه شود تا ببینیم زمان بهینه که هم نتیجه مطلوب را برای ما ایجاد کند و هم از نظر هزینه مقرون به صرفه باشد، چه مدتی است.

در پایان این دیدار، مهمانان پس از پذیرایی از بخش‌های مختلف مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد بازدید کردند.

مدیران جدید گروه همیاری بانوان خیریه رعد انتخاب شدند



هیأت مدیره گروه همیاری بانوان خیریه رعد با حضور منصوره پناهی مدیرعامل، صدیقه اکبری نایب رئیس هیأت مدیره و جمعی از اعضا فعال این گروه، در پایان ۲ سال فعالیت، انتخابات دور جدید برگزار شد و ۴۴ نفر از اعضا با سابقه گروه همیاری بانوان خیریه رعد گردهم آمدند تا برای ۲ سال آینده مدیران این گروه پر تلاش را انتخاب کنند که افراد انتخاب شده عبارتند از: ناهید بروجردی، سهیلا کاشانی، فرزین مدرسی به سمت خزانه‌دار گروه و فلور موسوی به سمت دبیر گروه.

هیأت مدیره گروه همیاری بانوان خیریه رعد با حضور منصوره پناهی مدیرعامل، صدیقه اکبری نایب رئیس هیأت مدیره و جمعی از اعضا فعال این گروه، در پایان ۲ سال فعالیت، انتخابات دور جدید برگزار شد و ۴۴ نفر از اعضا با سابقه گروه همیاری بانوان خیریه رعد گردهم آمدند تا برای ۲ سال آینده مدیران این گروه پر تلاش را انتخاب کنند که افراد انتخاب شده عبارتند از: ناهید بروجردی، سهیلا کاشانی، فرزین مدرسی، سیمیا کریمیان، آذر صادقیور، فلور

هیأت مرکزی و داوری گروه همیاری جوانان رعد انتخاب شد



در پی پایان دوره مسؤولیت مدیران گروه همیاری جوانان خیریه رعد، انتخابات دوره جدید برگزار شد و افراد زیر جهت شرکت در هیأت مرکزی جوانان: محمدرضا ریاضی، نوید علاقه‌بند، رحمان علاقه‌بند، آسا براتی، محمود توسلی، محمدرضا دانشکده و پرهام پاکزاد انتخاب شدند. همچنین

در هیأت داوری نیز عرشیا فرجی به عنوان نماینده هیأت مرکزی، نوید ناصری مقدم به عنوان نماینده اعضا گروه و رهام وزیری به عنوان نماینده هیأت امنای گروه جوانان انتخاب شدند که وظیفه حل و فصل اختلافات احتمالی اعضا را بر عهده خواهند داشت.

در بازدید جانبازان دفاع مقدس از مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد عنوان شد:

وضعیت کنونی رعد نسبت به سال‌های آغاز فعالیت مجتمع پیشرفت چشمگیری دارد



با توجه به این‌که جانبازان دارای قابلیت‌ها و ارزش‌هایی هستند که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و ایجاد فرصت‌های برابر، خدمات شهری مناسب، ایجاد انگیزه حضور پررنگ‌تر در اجتماع و تسهیل شرایط فعالیت‌های مدنی، اجتماعی و فرهنگی برای آنان، بسترساز شکوفایی توانمندی‌های این قشر در جامعه است و با در نظر گرفتن این‌که تکریم جانبازان، نشانه بلوغ فرهنگی و اجتماعی کشور است و این مهم، ضامن پیشرفت کشور در زمینه عمل به منشور حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی است، به مناسبت روز جانباز، مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد میزبان چند تن از جانبازان عزیز کشورمان بود. به مناسبت این روز، با همکاری روابط عمومی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و مهندس عامری (مدیرعامل اسبق مجتمع)، تنی چند از جانبازانی که بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ کارآموز رعد بوده‌اند، از مرکز بازدید کردند. در ابتدای این بازدید، ضمن تبریک روز جانباز و خوش‌آمدگویی، از این عزیزان پذیرایی مختصری به عمل آمد و با آن‌ها به گپ‌وگفت دوستانه و صمیمی پرداختیم. بازدید از کلاس‌های واحد آموزش، توانبخشی و دانشگاه مرکز رعد، یکی از بخش‌های دیگر این برنامه بود. یکی از جانبازان کارآموز رعد، در مقایسه شرایط فعلی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با آن سال‌ها، به این مطلب اشاره کرد که این مرکز، بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ در یک زیرزمین فاقد روشنایی مطلوب فعالیت می‌کرد، کلاس‌ها در یک نوبت بعدازظهر برگزار می‌شد و حتی سیستم سرمایشی گرمایشی مناسبی هم وجود نداشت. اما با این وجود، او و هم‌نسل‌های‌اش سخت تلاش می‌کردند تا حرفه‌ای بیاموزند. یکی دیگر از این عزیزان که دوره الکتروتکنیک را در کارگاه‌های رعد به اتمام رسانده، گفت: «مدتی با این حرفه امرار معاش می‌کردم. بعد از مدتی توانستم با دیگر هم‌زمانم کارگاهی را که متروکه بود، در اختیار بگیریم و آن را فعال کنیم.» او این انگیزه را مدیون دوره آموزشی‌ای که در مرکز رعد گذرانده بود، می‌دانست.

مراسم افطاری مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد



سرشناس کشور از جمله گوهر خیراندیش، ابوالحسن داودی، سیامک اشعریون برگزار شد ابتدا فخرالدین شکری آیاتی از کلام الله مجید را قرائت کرد، سپس گروه موسیقی سنتی رعد به سرپرستی دکتر یاشارخدایی به اجرای برنامه پرداختند.

سپس بانو گوهر خیراندیش هنرمند با سابقه سینما و تئاتر با همراهی ابوالحسن داودی کارگردان با تجربه سینما با حضور بر در جایگاه به ابراز محبت توان‌یابان با سخنانی کوتاه پاسخ دادند. برنامه موسیقی و گفتگو با تعدادی از چهره‌های موفق ورزشی و هنری از بخش‌های دیگر برنامه افطاری خیریه رعد بود.

در شب میلاد امام حسن مجتبی (ع) مراسم افطاری مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با حضور توان‌یابان و نیکوکاران و اعضای مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در زیر بارش رحمت بی پایان خداوند «باران بهاری» برگزار شد.

همزمان با میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع) طبق سنتی چندین ساله مراسم افطاری خیریه رعد با حضور پرشور کارآموزان، نیکوکاران، هنرمندان سرشناس کشور، اعضای هیات مدیره و کارکنان خیریه رعد در فضایی آکنده از معرفت و معنویت و در محل این خیریه برگزار شد. در این مراسم باشکوه که با همراهی هنرمندان

بوستان شورایاری میزبان درختکاری توان یابان رعد شد



در فرصتی مناسب به درختان خود سر بزنند و از وضعیت رشد آنها آگاه شوند. محمد مهدیخانی شهردار ناحیه ۷ با استقبال از حضور توان یابان رعد، گفت: این حضور را یک حرکت نمادین برای حفظ منابع طبیعی و حفظ محیط زیست می دانم و توان یابان رعد می توانند آذهان عمومی جامعه را به مسایل مهم زیست شهری بیشتر توجه دهند.

همزمان با روز درختکاری و با همکاری شهرداری ناحیه ۷، مراسم درختکاری با حضور محمد مهدیخانی شهردار، فاطمه طالبی مدیر اجتماعی و جمعی از کارآموزان و همکاران خیریه رعد برگزار شد که حضور بانوان کارآموز بیشتر مشاهده می شد، توان یابان رعد با اشتیاق فراوان در فضای بوستان شورایاری چند اصله نهال بیدمجنون کاشتند و قرار شد بعد از سال جدید

برگزاری نشست فرهنگی تغییر نگرش در دبیرستان ضحی



مردمی به همراه روانشناس و جمعی از کارآموزان در این دبیرستان حضور یافتند و ضمن تشریح مهم ترین مسائل جامعه توان یابان به رویکردهای فرهنگی مورد توجه مجتمع رعد اشاره کردند.

شایان ذکر است، بازارچه خیریه دبیرستان برای دومین سال پیاپی با همکاری خیریه رعد روز چهارشنبه ۱۶ اسفند در محل این مرکز آموزشی برگزار شد.

در راستای ترویج فرهنگ صحیح رفتار با افراد دارای معلولیت، نشست تغییر نگرش با حضور جمعی از همکاران و کارآموزان خیریه رعد در دبیرستان دخترانه ضحی برگزار شد. سلسله نشست های تغییر نگرش در مراکز مختلف از جمله واحدهای آموزشی به صورت منظم توسط واحد روانشناسی مجتمع رعد برنامه ریزی و اجرا می شود که در آخرین نشست از این جلسات، مسؤولان واحد مشارکت های

آخرین اقدامات در مناطق زلزله زده کرمانشاه



محوطه‌سازی و تسطیح کانکس‌های اهدایی گروه همیاری بحران در روستای حسن سلیمان انجام شد. به منظور سهولت دسترسی ساکنان کانکس‌های روستای حسن سلیمان علاوه بر ساخت پله‌های سیمانی، محوطه اطراف کانکس‌ها نیز با ماشین آلات راهسازی هموار شد تا ساکنان با راحتی بیشتر از سکونت‌گاه‌های موقت استفاده کنند. همچنین کلاس‌های کارآفرینی در کانکس‌های اهدایی گروه همیاران بحران با آموزش کاشت، داشت و برداشت زعفران آغاز شد.

شایان ذکر است نمایندگان گروه همیاران بحران به زودی از روستای حسن سلیمان بازدید خواهند کرد و برای فاز بعدی کمک‌رسانی به زلزله کرمانشاه تصمیم‌گیری می‌کنند، گروه همیاران بحران متشکل از ۱۰ خیریه است که مجتمع رعدهم یکی از اعضای این گروه است.



بررسی توسعه فعالیت‌های ورزشی توان‌یابان رعده



نشست بررسی راهکارهای توسعه فعالیت‌های ورزشی در مجتمع رعده با حضور مدیران تربیت بدنی شهرداری منطقه ۲ و ناحیه ۷ برگزار شد و توافق شد، مجموعه ورزشی درخشان برای تمرین ورزشکاران توان‌یاب، زمان‌هایی را اختصاص دهد. همچنین از امکانات باشگاه تیراندازی پردیسان برای رشته‌های تیراندازی، تیر و کمان و دارت استفاده شود و در پایان این جلسه به دختران ورزشکار عضو تیم بوچیا که در مسابقه المپیاد ورزشی شهرداری مقام آورده بودند، جوایزی اهدا شد.



سقوط آزاد ماجراجوی دارای معلولیت ایرانی از ارتفاع چهار هزار متری



به این‌که زندگی نعمت بزرگی است و چه خوشبخت خواهیم بود اگر وقتی از موهبت زندگی برخورداریم با وجود خیلی از محدودیت‌ها آن را کشف کنیم. ضروری می‌گوید: حالا دیگر این کلمه‌ها برای من شعار نیستند، بلکه زندگی هر روز من هستند. من باور دارم که همه ما می‌توانیم کارهای بزرگتری را انجام دهیم و آدم‌های بیشتری را به سمت داشتن زندگی بهتر سوق بدهیم. این ماجراجوی جوان در انتها می‌گوید: امیدوارم یک روز همه آرزوی‌هایمان را ببینیم که جلوی روی‌مان هستند، عین واقعیت. واقعیتی که یک روز خیال و تصور بودند. گفتنی‌ست در این پرش که با کمک «دیوید لودویک جونیر»، قهرمان سقوط آزاد دنیا و همراهی عماد مظلومیان، شهرام تمیمی و سارا ساعتچی انجام شد، سعید ضروری توانست برای بار دوم، با وجود معلولیت شدید، سقوط آزاد از هواپیما را تجربه کند و به افراد جامعه نشان دهد که اگر اراده کنیم، هر کاری انجام‌شدنی است. او ضمن تشکر از افراد بسیاری که همراه وی بودند تا با انجام این کار، این باور جمعی را محقق کنند و الهام بخش باشند، از بیان نام حامی مالی خود به دلیل توافقات فی‌مابین اجتناب کرد.

(بیش از ۲۲۰ کیلومتر در ساعت) سقوط می‌کنند و پس از رسیدن به ارتفاع مناسب، چتر خود را باز کرده و سپس در منطقه از پیش تعیین‌شده فرود می‌آیند. سعید ضروری که در عرصه ماجراجویی با وجود معلولیت، پیشگام به حساب می‌آید، به خبرنگار روابط عمومی مجتمع رعد می‌گوید: «افراد زیادی را دیده‌ام که بعد از معلولیت، به دلایل مختلف از خانه بیرون نمی‌آیند و به تدریج منزوی می‌شوند. همیشه به این فکر می‌کردم، چه طور ممکن است، انگیزه پیدا کنند و حصار ناامیدی‌ها و نمی‌توانم‌ها را بشکنند؟ بعد فکر کردم چرا خودم دست به کار نشوم و کاری انجام ندهم؟ شاید بتوانم تأثیری حتی خیلی کوچک بروی کسی بگذارم! پس از منطقه امن و آسوده‌ام بیرون آمدم، نه فقط برای این‌که لذت شخصی ببرم، بلکه خواستم الگوی واقعی باشم برای همه کسانی که باور ندارند، می‌شود، معلولیت داشت و سفر رفت. یا که باور ندارند، می‌شود با معلولیت ماجراجو بود و خطر کرد. او که روزنامه‌نگار و مترجم هم هست، اضافه می‌کند: می‌خواهم به همه کسانی که شرایطی شبیه من دارند و حتی کسانی که شبیه من نیستند، انگیزه بدهم برای لحظه‌ای فکر کردن

تصور اغلب جامعه از افراد دارای معلولیت، بی‌حرکی و سکون است که با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد. افراد دارای معلولیت، با وجود نامناسب بودن محیط، با تلاشی مضاعف در جامعه حاضر می‌شوند. وقتی حضور عادی در جامعه با موانع بی‌شماری همراه می‌شود، تصور انجام فعالیت‌های پرهیجان و ماجراجویانه توسط افراد دارای معلولیت دور از انتظار است. در این میان، سعید ضروری، با عبور از موانع موجود در حوزه فعالیت‌های ماجراجویانه کارهای عجیب و باورنکردنی‌ای را انجام داده است. سعید با داشتن معلولیت جسمی-حرکتی بسیار شدید، علاوه بر تجربه پرواز با انواع وسایل پرنده و غواصی در نقاط مختلف کشور و به گفته خودش با وجود ترس از ارتفاع، دو بار پرش از ارتفاع ۱۳ هزار پایی را تجربه کرده است. او در آخرین ماجراجویی‌اش که باهدف الهام‌بخشی به افراد جامعه، به‌ویژه افراد دارای معلولیت انجام داد، با کمک قهرمان سقوط آزاد دنیا، از ارتفاع ۴ کیلومتری به پایین پرید. در سقوط آزاد که در دسته ورزش‌های هوایی و «اکستریم اسپرت» قرار می‌گیرد، افراد از ارتفاع استاندارد ۱۳ هزار پایی در ابتدا بدون باز کردن چتر و با سرعت زیاد



دامنه قله دماوند میزبان برنامه‌ریزی سال آینده خیریه رعد بود



در ادامه این رویداد وحید شامخی مشاور مدیریت استراتژیک تکنولوژی‌های سازمان‌ها و یکی از حامیان خیریه رعد با ارائه پرسشنامه‌ای اختصاصی و توضیح اینکه حضار با فرض زندگی در ۱۰ سال بعد، شرایط مجتمع رعد را در آن سال‌ها چگونه ارزیابی می‌کنند از شرکت‌کنندگان درخواست کرد به سؤالات پرسشنامه طراحی شده به صورت همزمان پاسخ بدهند، سپس با بررسی پاسخ‌های ارائه شده، ۳ کارگروه تغییر نگرش، به روزرسانی تکنیک‌های توانبخشی، آموزش و اشتغال و بررسی نیازهای کارآموزان (باشگاه ورزشی توان‌یابان) با آرا شرکت‌کنندگان به تصویب رسید و عملاً اولویت‌های کاری سال آینده شناسایی و معرفی شد.

شایان ذکر است، تأسیس مدرسه‌های طبیعت از چند سال پیش تا امروز در دستور شورای کتاب کودک قرار گرفته و مدرسه طبیعت دماوند با اهداف ارائه آموزش‌های غیررسمی و آشنایی کودکان ۳ تا ۱۲ سال راه‌اندازی شده است و مسؤولان این مدرسه با پذیرایی از کودکان در طبیعت بکر دامنه دماوند، مفاهیم مهمی همچون حفظ محیط‌زیست، مهربانی با حیات وحش، دوستی با منابع طبیعی و ... را به فرزندان و آینده‌سازان کشور آموزش می‌دهند.

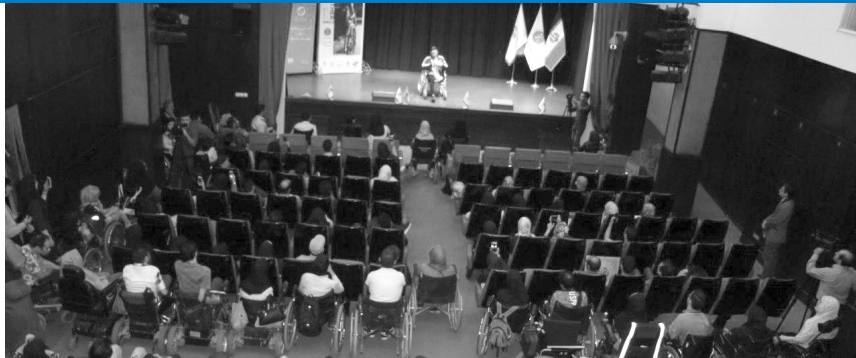
روز برنامه‌ریزی برای سومین سال پیایی در اسفند ماه در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار می‌شود، سال ۹۶ این روز در روزهای پایانی سال در مدرسه طبیعت دماوند اجرا شد. گروهی مرکب از همکاران، اعضا هیأت مدیره، اعضا گروه همیاری بانوان، اعضا شورای مدرسان و نمایندگان شورای کارآموزان با حضور در مدرسه طبیعت دماوند، روز برنامه‌ریزی رعد را برگزار کردند.

در این مراسم مدیرعامل رعد ضمن گذری بر مهم‌ترین فعالیت‌های سالی گذشته، افزود: برگزاری رویداد توان‌تک در کنار بازارچه‌ها و جشنواره‌های غذای خیریه رعد و افتتاح مرکز اشتغال حمایت شده از مهم‌ترین فعالیت‌های این سال محسوب می‌شود، با این وجود سال پرکاری را پشت سر گذاشته‌ایم و گروه‌های کاری تغییر نگرش، امور مالی و بازاریابی و آموزش و اشتغال در طول سال جاری فعالیت‌های متنوعی انجام داده‌اند که خلاصه‌ای از این تلاش‌ها توسط مدیران گروه‌ها بیان می‌شود.

در ادامه به ترتیب شهزاد چهره‌نگار مدیر گروه تغییر نگرش، نرگس لاله مدیر جایگزین شده گروه آموزش و اشتغال و لیلا داداشیان مدیر گروه امور مالی و بازاریابی گزارش‌های مختصری از فعالیت‌های یک‌ساله و جلسات برگزار شده ارائه کردند.



روایت‌هایی از زندگی



عطاءالله دستوم، دیگر سخنران رعدتاک با بیان ناامیدی‌هاش و این‌که نصیحت پدرش زندگی‌اش را دگرگون کرده گفت: اولین و مهم‌ترین کسی که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در امر توانمندی داشته باشد خود فرد دارای معلولیت است که به نوعی مشکل جسمی و حرکتی دارد.

اگر فرد دارای معلولیت خودش را قبول داشته باشد و روحیه مناسب و امید به زندگی را در خود تقویت کند، هیچ‌گونه مشکلی نمی‌تواند مانع پیشرفت و موفقیت او شود.

روایت یزدان کاویان‌نژاد از تصادف مهیب و عاطفه پدری‌اش جذابیت خاص خودش را داشت. پدر بودن یکی از سخت‌ترین و در عین حال لذت‌بخش‌ترین شغل‌های دنیاست. او با بیان این‌که پدر بودن و بر عهده گرفتن مسئولیت فرزندان مسئولیتی خطیر و موفقیت در آن مستلزم فداکاری است، گفت: در لحظه تصادف به همراه پسر ارشیا و همسرم بودم. بعد از یک هفته کمای مطلق، وقتی که به هوش آمدم، نگرانی و دلشوره‌ام برای پسرم به قدری زیاد بود که در آن لحظه فقط سراغ او را گرفتم.

اما ماجرای که خیلی دل همگان را آزرده کرد، روایتی از اسیدپاشی بود که از زبان یک قربانی تعریف شد. محسن مرتضوی، از روزهایی گفت که از سرش، تنها مجموعه‌ای باقی مانده بود. روزهایی که پزشکان از برگشتش به زندگی ناامید بودند و چطور همسرش فرشته نجاتش شد. او که اکنون مری معرق، منبت و پیکرتراشی شده، چندین نمایشگاه داخلی و خارجی را برگزار کرده است.

گفتنی ست، پس از برگزاری رعد تاک صفر که با استقبال خوب شرکت‌کنندگان مواجه شد به زودی رعد تاک یک اجرا خواهد شد.

رویداد رعدتاک، روز اول خردادماه در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و با حمایت شرکت آسان پرداخت برگزار شد.

در این رویداد که در فضایی گرم و صمیمی با سخنرانی تعدادی از کارآموزان موفق رعد به اجرا درآمد، حدود دویست نفر حضور داشتند. این رویداد انگیزشی، سرشار از لحظات شاد و پر امید بود. فرزاد خلیلی، اولین سخنران رویداد برای‌مان از حادثه تصادفش گفت. این‌که چطور زنده ماند و با مشککش کنار آمد. او که به تازگی به عضویت تیم ملی والیبال نشسته درآمد، بزرگترین آرزوی کسب طلای المپیک است. فرزاد قول داد؛ روزی که موفق به کسب مدال طلا شود، آن را به مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد تقدیم کند.

به گفته روانشناسان، نقاشی کردن می‌تواند برای کسب آرامش و افزایش هوش بسیار موثر باشد. این کار باعث افزایش گردش خون در مغز و ایجاد شادمانی خواهد شد. پس هر موقع احساس ناراحتی کردید بهتر است نقاشی بکشید. این توصیه اشرف رجبی به افراد دارای معلولیت بود که در رعدتاک عنوان کرد.

او همچنین با بیان این مطلب که، امید و آرزو مایه تلاش و حرکت انسان است و این توان‌مندی از نعمت‌های پر برکت الهی است که در سایه آن، شکست‌های انسان به عرصه تجربه برای موفقیت آینده تبدیل می‌شود به این نکته اشاره کرد که راز موفقیتش، ایمان به خدا و تلاش خودش بوده است.

به طور طبیعی در ابتدا فردی که دچار معلولیت می‌شود، احساس افسردگی و اضطراب می‌کند و معمولاً از آینده خود احساس ناامیدی می‌کند. اگرچه معلولیت توانایی‌های جسمی فردی را محدود می‌کند، اما تأثیر روانی که روی فرد می‌گذارد، بسیار بیشتر است و اگر درمان نشود، به روحیه فرد لطمه بزرگی وارد می‌کند و او را به گوشه‌گیری می‌کشاند.



دیدار صمیمانه کارآموزان مجتمع رعد با اعضای تیم ملی والیبال نشسته کشور



با هدف قدردانی از افتخارآفرینی و کسب مقام قهرمانی تیم ملی والیبال نشسته ایران در نخستین دوره لیگ جهانی، جمعی از کارآموزان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با حضور در محل تمرینات تیم ملی والیبال نشسته با اعضا و کادر فنی این تیم ملاقات کردند. در این دیدار که اکبر خانی مربی فعالیت‌های ورزشی مجتمع رعد گروه کارآموزان را همراهی می‌کرد، کارآموزان ضمن ملاقات با ورزشکاران تیم ملی از نزدیک با روند آماده‌سازی تیم ملی آشنا شدند و از نحوه تمرینات تیم ملی والیبال نشسته آگاه شدند و تابلویی از دست ساخته‌های خود را به تیم ملی اهدا کردند و داود علیپوریان، کاپیتان تیم ملی نیز به رسم یادگار، پیراهن خود را امضا و به این کارآموزان هدیه کرد.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مرکز علمی کاربردی رعد

مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد کارگاه‌های آموزشی روش تحقیق، جایگاه تحقیق و اولویت‌های آن، الزامات و ضروریات در یک مذاکره و مهارت‌های زندگی و نقش زنان در تأمین نیازهای خانواده را طی ماه‌های اردیبهشت و خرداد با حضور مدرسان با تجربه برگزار کرد. شرکت در این دوره‌ها با ظرفیت محدود برای عموم شهروندان آزاد بود و توان‌یابان دارای کارت معلولیت می‌توانستند به صورت رایگان در دوره‌ها شرکت نمایند و پس از پایان هر کارگاه به شرکت‌کنندگان گواهینامه مرکز آموزش علمی کاربردی رعد ارائه شد.



▲ Social responsibility -the missing angel within the stars

▲ My slow learner child
Introducing a book

▲ What's up in Ra'ad?



An article by Milad Jafari -the founder of Mohemeh website about social responsibility and its definition

▲ Murmur

▲ Judging others- right or wrong?

An article

▲ Ra'ad melodies

Memories

▲ Any life has hardships, yet, there is also hope



A conversation with Kobra Mousavi and Mansour Khayri who got married in 2012

When she was 17, Kobra sustained a spinal cord injury having fallen down from a height. She became acquainted with Ra'ad Institute in 2005 and, having taken a sewing course for 6 years, she has begun working in this field and has been making a living out of it ever since.

▲ Zinc and its importance for health

Health

▲ Healthy habits for curing lack of determination

Health

▲ Someone who spent his lifetime with muscular atrophy

Luminaries with disabilities

Digikala is the biggest Internet company in the Middle East which has won the award of Tavantak festival for social responsibility. Digikala Company has been quite active in Tavantak festival and has carried out numerous projects in the field of social responsibility.

▲ Along with workshops in Tavantak festival

A report of the workshops that were presented in Tavantak festival

▲ ...

▲ What are the benefits of social responsibility for companies



A note by Mohammed Shahabi - the social management and responsibility advisor about the social responsibility of the companies

▲ An acquaintance and years of cooperation

A conversation with Arash Tofighi -the teacher of computer classes in Raad

He sustains an injury in his right leg due to an accident years ago and has become acquainted with Raad Institute since 1995. Having taken different computer courses, he became in charge of Raad website. He is a graduate of civil engineering and is currently a teacher of computer classes in Raad.

▲ When it comes to work, I am more strict with myself than my employer is with me

A conversation with Navid Ghomorloo- a trained student of Raad

He has been in touch with Raad Institute for 13 years, has attended its various IT classes and currently works in Hamisun Company. He has his sights set on pursuing his education in IT.

▲ In the beginning when I didn't make much money, I was told I had my head in the clouds for sitting at the computer and straining my back for just ten thousand Tomans. Now, however, things have changed. My relatives call and say they are studying computers and ask me to help them.



A conversation with Vahid Rajabloo who learned computer programming on his own and started his own business.

▲ Ara society started off with empty hands and good consciences



A conversation with Marjan Fazelzadeh -the managing director of Ara society

Having an MA in Clinical Psychology Marjan Fazelzadeh has been an aid worker for physically-challenged children in the Welfare Organization

for eleven years. She has also worked in different assistant offices of Welfare Organization for four years, and at present she is the managing director of Ara society. The specific area of work in Ara society is creating jobs for youths who are discharged from Welfare Organization as well as training youths aged 18-30 and creating jobs for them.



▲ Editorial

▲ Changing in the outlook was our goal, to which we came close



A conversation with the managing director of Ravad -Ms. Panahi- about Tavantak festival

She believes that in Tavantak event, a suitable atmosphere has been created for people with disabilities so that they can prove their abilities to the employers.

▲ These very tiny steps make the world be a better place



A conversation with Shaahin Tabari- the managing director of Chargoon Company

Shaahin Tabari -the chairman of the board of directors of Chargoon Company- is one of the people who are

interested in the change of the outlook of the society towards people with disabilities. Being an expert in technology, he suggested that the idea of holding Tavanak Festival is for the attention to the needs of people with disabilities to technology. This festival was held in Ravad Institute last year for the first time.

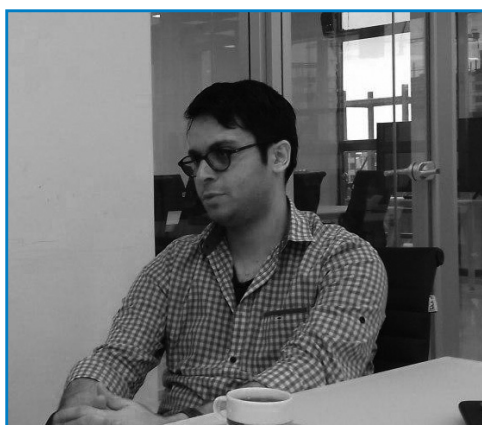
▲ Tavantak and its prospects



A conversation with Golrokh Bahri -the executive secretary of Tavantak, and Vahid Hajehforoosh -the secretary of the start-ups of Fanavaran newspaper and also the current secretary of Tavantak

In this conversation, issues about Tavantak festival, which was held in Ravad for the first time last year, have been talked about. This festival was held with the purpose of familiarizing the society with what people with disabilities are capable of and what their abilities in the field of information technology are.

▲ Eliminating any discrimination is an organizational value in Digikala



A conversation with Amirhasan Mousavi, the director of public relations of Digikala Company about Tavanak festival